

# [Afghanistan Digital Library](#)

adl0430

<http://hdl.handle.net/2333.1/tjqj2c74>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

# سبب نشر این رساله

بعد از آنکه بنده اله و آقای سرور جوان از  
 طبع مجله مناجات حضرت خواجه عبدالله انصاری  
 فراغت حاصل نمودیم جناب حاجی محمد عظیم خان  
 هراتی که از دیر زمانی در صدد دستیابی مکمل رساله  
 مزارات بابزکات هرات بوده و به طبع و نشر آن تمایل  
 قلبی داشتند، معاونت خود را در انطباع این رساله  
 نایاب اصرار داشته و اینک بعون الله تعالی در طبع  
 آن اقدام ورزیدیم و ضمناً بعضی مرام بردار  
 هرات از شهرهای فدیمی و مشهور بملاحظه آریاست  
 در این حدود یعنی صوبه آریا بسیار شهرها بوده  
 که باید در بین هرات و مشهد باشد و شک نیست شهر  
 هرات که شرقیها او را هری میگویند - نزد  
 یونانیان بنام آریا موسوم بوده اما یقین نشده  
 است کدام شهر [آریا] گفته می شده است، قرار  
 گفته (آرین) مورخ یا بتخت (آریا) (آرتا کوانا) یا  
 آرتا کانا بوده دو شهر دیگر سکندریه و  
 اخابه و هم یکی (کندکی) است و مسلم نیست ازینها  
 کدام يك هرات است - قرار بیان (پاری) مورخ

کتابخانه  
 ( )  
 ( )  
 ( )



ب

شهر [ ارتاگوانا ] پایتخت آریا عبارت از شهر فوشنگ است  
ابن عقیل (یوشنگ) نوشته که از هرات به فاصله يك  
مذول است و بسر حد ریای هریرود است [ فعلا در  
جنوبی زندجان علاقه غوریان آرتا را این شهر  
موجود است ] بینی مورخ هم این را تأیید کرده که  
( ارتاگوانا ) همین شهر فوشنگ است و شهر سکندر به  
شاید شهر فراه باشد و آریا همین شهر هرات است  
ولی فراه از حد و آریا خارج است باری بقول  
( بلوتارق ) مورخ شهر فراه را سکندر اعظم بنا نموده  
و از **آریا** بهند بهمین راه میرفته اند .

بهر صورت مسلم شد که هرات از صوبه های نهایت  
قدیمی است **آرین** مورخ هم عقیده دارد که هرات  
قبل از سکندر اعظم بنا شده و میگوید سکندر این قدر  
مجال پیدا نکرد که در این سرزمین سر از نو شهر  
بسازد - اینطور هم شده که فاجحین مقدونیه بهر جا  
میرسیدند شهرهای سابقه را تا مهایی نومی گذاشتند .  
صاحب روضه الصفا می نویسد - هرات از شهرهای  
عظیم قدیم است و یاد شاهان ذی شوکت در این مقام  
اهتمام نموده و مقر خود داشته چنانکه از فحوای  
این رباعی معلوم میشود :-

لهراسپ نهاده است هری را بنیاد \* کشتا سب براو بنای دیگر بنهاده  
بهمین پس ازو عمارت دیگر کرد \* اسکنند رر و میش عمه داد بند

☆ (عرض مقصود) ☆

چون غرض از طبع و نشر این رساله تاریخ و تشریح  
حالات بزرگان و مشایخ و اکابر دین مبین اسلامی  
هستند که در این سرزمین غنوده اند - لذا تاریخ  
هرات از سابق و خصوصاً از زمانی که دیانت اسلامی  
در این خطه شیوع پیدا نموده و استیلای مسلمانان  
و تسلط عرب بر جو در آمده بود هم تذکار میگردد .  
صاحب فتوحات اسلامی بنا بر قول صحیح مینویسد -  
در سال ( ۲۳ ) از هجرت - بدوره خلافت حضرت  
عمر فاروق (رض) خراسان فتح شد در همان زمان  
(یزدجرد) که از تهاجم عساکر مسلمین هزیمت دید بود  
در مرو پناهنده شد و در آنجا آتشکده بنا کرد و قارون  
بر امجد دأ بر علیه حکومت عرب بشورانید ، حضرت عمر رض  
(احنف بن قیس) را که صاحب لوایی بود به خراسان عازم  
فرموده و با لشکر زیاد خراسان را گرفتند و از راه  
(طبسین) بهرات عازم و به غلبه هرات را فتح کردند  
و [ صحاری عبیدی ] را حکمران هرات نمودند - ولی



بعد از شهادت حضرت عمر (رض) اهل خراسان مخالفت  
نموده بودند **عبداللہ بن حازم** برای فتح هرات  
آمده ولی با ابن (عامر) که والی این ولایت بوده  
مصالحه نموده و هرات را در تحت استیلا آورده بودند -  
گویا نشئت دیانت اسلام در هرات بسدوره خلافت  
حضرت عمر فاروق رضی اللہ تعالی عنہ گفته می شود -  
و بعدها در دوره خلفاء سوم و چهارم و بنی امیه  
و بنی عباس هم سلطه عرب در این ولایت وجود داشته  
و سلاطین نامداری که بعدها از ساسانی ها و سلجوقی  
ها قدرت یافته اند هم مری دیانت اسلامی بوده  
اند مگر عظمت هرات در این دوره، اخیر بزمان (امیر  
قینور گرکان) و خصوص هنگام سلطنت امیر شاهرخ بوده  
این پادشاه عظیم الشان مرکز سلطنت خود را ولایت هرات  
قرار داده و آثار تاریخی مهمی نسبت به عالم دیانت پیری  
خود باقی گذاشت که غرض از تعبیر مصلا هرات است .  
صاحب روضه الصفا توضیح میدهد که در سال ۸۱۱ شاه رخ  
میرزا از سمرقند عودت فرمودند بعمارت باغ سفید وارد و  
بنای مدرسه شریف خانقاہ معارف بنا نمود در شمالی قلعه اخیتر  
الدین با تمام رسید و مدرسه مهد علیا تعمیر گوهر شاد  
آغام آنها رش ظاهر است

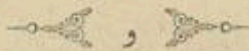
در سال ۸۵۱ این پادشاه معارف دوست و فایده یافته است .  
 مقصود اینکه چون سلاطین نامدار سعادت کردار  
 در زمان سلف مریدی علم و عرفان و معاون اهل فضل و  
 ایمان بوده اند مزید آدرهات اهل علم و تزویرگان  
 دین قیام داشته و به فیوضات لدنی رسیدند و اندر زیر  
 سعادت دین و دنیا از علم حاصل است و تعمیم علوم  
 دینی در این سرزمین فوق التصور بوده است .

حضرت پیر هرات. خواجه عبد الله انصاری (رحمة الله  
 علیه) میفرماید: (حق تعالی خواست که قدرت خود  
 نماید عالم را آفرید - و خواست که خود را نماید آدم  
 را آفرید) البته کما نیکه صفت حقیقی آدمیت را دارند  
 همین درویشان و مشایخ و بزرگانند که در پی حقیقت  
 بودند و به اصول حقه طریقت .

## [ طریقت چیست؟ ]

التعظیم لامر الله؛ والشهقة علی خلق الله - این مردان  
 را خدا بودند که به او امر و نواهی الهی اطاعت  
 و تعظیم و بخلق الله شفقت و مرحمت داشته اند بدیهی  
 است رفقا را این بزرگواران سر مشق بزرگی است  
 بآن کسانی که بخوانند به اسلامیت و انسانیّت حقیقی





واصل گردند چه او شاند که متصف بهمه صفات نیک  
 بوده بهر کس نیکی را پسندیده اند - و از بدیها دست  
 کشیده اند بی عمل نبودند - و فریفته عمل نبودند مال

۴

و اعاریت دانستند و طاعت را غنیمت شک را گذاشتند ؛  
 و یقین را دریافتند ؛ و با الجملة باحق بصدق ، با خلق به

انصاف ، با درویشان با خلاص ؛ با دوستان به نصیحت  
 با دشمنان بحلم ، و با عالمان بتواضع بوده آنچه بخورد

نه پسندیدند بدیگری هم راضی نگرددیدند ؛ بلکه تنها در  
 حق بنی نوع انسان این رعایه را صرف نکردند به تمام

۶

کاینات و بهمه صنوف حیوانات جاوده انصاف و عدالت  
 پیموده و از راه مروت عدول نفرموده اند .

عارف شهیر شرف حضرت شیخ سعدی علیه الرحمه میفرماید  
 طریقت بجز خدمت خلق نیست \* بگفتار و عمامه و دلق نیست  
 و باز از صفات نیک و شفقت مردان راه طریقت حکایت

میفرماید ! -

یکی سیرت نیک مردان شنو \* اگر نیک مردی و فرزانه رو

۶

که شبلی ز حانوت گندم فروش \* بده بردا بنان گندم بدوش

فکه کرد موری در آن غله دید \* که سرگشته هر جانبی میدوید

بزرگت بر او شب نیدارست خفت \* بما و ای خود بازش آورد گفت

مروث نباشد که این مورریش \* پراکنده گردانم از جای خویش

ز

درون پراکنده گان جمعدار \* که جمعیت باشد از روزگار  
 چه خوش گفت فردوسی یا کرد \* که رحمت بر آن تربت پاک باد  
 میازار موری که دانه کش است \* که جان دارد و جان شیرین خوش است  
 سیاه اندرون باشد و سنگدل \* که خواهد که موری شود تنگدل  
 گرفت ز تو ناتوان تر بسیت \* توانا تر از تو هم آخر کیست  
 در خاتمه به تقریب اینکه مدفن اولیاء کبار و مرقد درویشان  
 نامدار در این مجله قید و به ارباب بصیرت  
 و ارادتمندان به اهل طریقت موضح و نمودار می  
 گردد ، امید است استکفانت از خداوند متعال به برکت  
 این بزگان خجسته خصال فرموده به اعمال  
 و افعال مردان راه حقیقت پیر و یواز نظر اخلاص و  
 ارادت و شیوه و فاصمیت در این مراحل قدم  
 بگذارند تا فایده دارین را حاصل بدانند .

(عبدالکریم احراری)







الحمد لله الذي جعل زيارت مرقد الاولياء و سيلة  
 يحصلون مقاصدا عبادا و الصلوة والسلام على سيد الانبياء  
 والاولياء - وعلى آله واصحابه صلوة دائمة تامة  
 في كل يوم التناد - اما بعد فيقول الداعي له و ام  
 الحضرة الساطعان احقر خالق الله عبد الله بن عبد الرحمن  
 الحسيني المشهور بين كل لا يظن باصيل الدين الواعظ  
 اعانه الله تعالى في انعام مهماته و نيل مرامه يقبل  
 دعواته و حاجاته شعر (1) هبطت اليك من المجل الارقم  
 و رقاء ذات تهز و تمنع ؛ باشارت على جناب شريعت  
 ما ب حقيقت ايا ب مزين شرع محمدى و معين سنت احمدى  
 لا زال عليه صلوات الابدى و اردد شده كه در يابه

---

(1) اين شعر مقبوس است از قصيده شيخ الرئيس معنى آن چنان  
 است كه تا زال شده است بسوى تو از جاي بلند و رقاء كه نام  
 معشوقه است كه صاحب عزت و جاه است

سریر هما یون و مجلس عالی مبارک و میمون حضرت  
 خلافت پناه یا د شاه اسلام ناظم امور انام ظل الله  
 علی مفا ر ق اهل الا سلام منقذ الرعايا من مضائق حوادث  
 الزمان ناشر العدل و الاحسان باسط بساط الامن و الا مان قانع  
 موا دظلم و الطفیان المستعین من عواطف الملک المستعان  
 السلطان ابن سلطان غیاث الدین و الدین سلطان الا عظم  
 ابوالفتح سلطان ابوسعید کورکان [۱] خلد الله تعالی ملکه و سلطانه  
 ذکر مزارات متبرکات قبة الاسلام هر ات ا فیضت علی  
 ا قطفها [۲] سجال [۳] البرکات میگذشت فرمان رفیع عالم  
 مطیع شرف نفا ذیافت که شرح مر ا قدا و لباء گرام و  
 اکا بر عظام که درین خطه مدفونند در جزوی مضبوط  
 و مند رج کرد و بشر ف مطالعه نو اب کا میاب بنو عی  
 که موجب معرفت نام و نشان باشد مفید خاص و عام  
 گردد؛ امثالاً بحکم الرفیع این رساله در سلك نثر و  
 رشته بحر یر مضبوط ساخته شد و بعرض خدام سپهر مقام

(۱) کورکان بالضم و واو معروف و راء مهملة موقوف  
 و کاف دوم فارسی آنکه از جانب مادر هم بادشاه زاده  
 باشد و یا نسبت دامادی بیاد شاه داشته باشد .

(۲) اقطاف جمع قطف میوه چیده ﴿۳﴾ سجال بالکسر

جمع سجال بمعنی دلو .



و سائیده و باین مقام مجد دآخود را به سلسله دعا گویان  
 مندرج گردانید رجاء و ائق که نظاره قبول حجاب  
 یارگناه ایوان فلک اشتباه حضرت خلافت پناه شود و  
 بمیما من عواطف مطیعان عتبه علیا مر اکام دو گیتی حاصل  
 آید ذالک فضل الله یوتیه من یشاء و منه الابداء و الانتها  
 اما بعد در خبر است از حضرت یدعمر صلی الله علیه و سلم  
 که روز قیامت شخصی از حسنات نا امید مانده باشد  
 حضرت حق سبحانه و تعالی فرماید: ای بنده فلان دانشمند  
 را در دنیا میشناختی گوید میشناختم حضرت حق سبحانه و تعالی  
 خطاب فرماید که ترا بوی بخشیدم، سید الطائفه  
 ابولقاسم جنید بغدادی قدس سره فرموده که حکایت پیران  
 و احوال ایشان دل مریدان را تربیت و قوت بخشد و  
 پیر طریقت و شیخ الاسلام این امت ندیم حضرت باری  
 حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس الله العزیز فرموده  
 که از هر پیری سخنی یاد گیرید و اگر نتوانید نام ایشان را  
 یاد دارید که بعمر خود بهره یابید و این کتاب مشتمل  
 است بر یک مقدمه و سه باب و خاتمه .

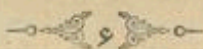
— مقدمه در رفتن بزیرت اولیاء الله و فواید آن —

بدان که زیارت کردن مزارات و مراقد اولیاء الله و علمای  
 و اتقیا و صالحان و ما در آن و سایر مومنان

مستحب است و بهترین روزها برای زیارت کردن روز  
 پنجشنبه و جمعه و شنبه و دو شنبه است اما روز جمعه بعد  
 از نماز و روز پنجشنبه و شنبه پیش از طلوع آفتاب و  
 در روز دو شنبه اول روز اولی بود و آورده اند که  
 در شب جمعه و تمام روز جمعه و روز پنجشنبه و روز  
 شنبه و دو شنبه اموات از حال زائیران و قوف  
 میباید نهد و هم چنین در شب عیدین و باقی لیالی متبرکه که  
 خصوصاً در شب برات هر گاه کسی خواهد زیارت رود  
 مستحب است که اول وضو کند و در خانه دو رکعت نماز  
 بگذارد؛ و در هر رکعت فاتحه الکتاب یکبار و آیت  
 الکرسی یکبار و سوره اخلاص سه بار بخواند و ثواب  
 آن را امانت بخشد و متوجه قبرستان شود و در راه  
 بما لا یعنی اشتغال نه نماید و بسکون و آهستگی رود؛ چون  
 بمقبره رسید نعلین از پای کشد و پیش روی میت به میشیند  
 بعد ازان بگوید السلام علیکم یا اهل الدیار من المؤمنین و  
 المسلمین رحم الله المتقدمین منکم و المتأخرین منّا انتم لنا  
 سلف و نحن لکم تبع و انشاء الله بکم لا حقون الا السلام علی  
 اهل لا اله الا الله محمد رسول الله و اگر در گورستان کفار  
 یا اهل اسلام مخلط باشند بگوید السلام علی من اتبع الهدی  
 و سوره فاتحه و آیه الکرسی و یازده بار سوره اخلاص



و آیه کریمه فله الحمد رب السموات و رب الارض  
رب العالمین و له الکبر یاء فی السموات و الارض وهو  
الغزیز الحکیم بخوانند و در خواندن سوره یسین شریفه  
و سوره تبارک شریف آثار بسیار وارد است - روایت  
شده است که ایستاده دعا کردن اولی است [مسئله] در  
کفایه آورده است که بر قبر بوسه نزنند [مسئله] در  
گورستان خواب کردن مکروه است (مسئله) نماز در  
مقبره گذاردن مکروه است و قتیکه قبر در پیش روی  
وی باشد و اگر قبر در پس پشت وی باشد و یا چند آن  
از پیش روی وی دور باشد که اگر شخص در آن محل  
بگذرد کراهیت نداشته باشد با کی نیست و اگر میان قبر  
و مصلی دیوار یا حایلی باشد هیچ کراهیت ندارد (مسئله)  
مکروه است در گورستان بول و غایط کردن و بر قبر  
نشستن و پای بر قبر نهادن و گورستان را راه ساختن  
و همچنان طعام خوردن و خنده کردن در مقابل زیرا که  
آنجا محل اندوه و حزن و فکر در امور آخرت است  
اینها که بیان نمودیم روایت فقهای مجتهدین مذهب حضرت  
امام اعظم رحتمه الله علیه بود و منشأ و مأخذ آن از سنت  
حضرت سید ابرار و آثار سلف است بدانکه فعل و قول  
حضرت نبوت شعار و سید ابرار صلی الله علیه و سلم بر



استحب زیارت قبور و ارداست؛ اما فعل آن حضرت صلی الله  
 علیه و آله و اوصحا به و سلم چنانچه بصحت ییو سته بر و ایت  
 ابو مو هبکه پیغمبر صلی الله علیه و سلم در آخر عمر شریف  
 شبی از حجره مبارکه برون رفته به گورستان بقیم نزول  
 فرموده و اهل گورستان را زیارت کردند و چندان  
 دعاء خیر در حق ایشان به تقدیم رسانیدند که راوی گوید  
 با خود گفتم چه بودی که از اهل این گورستان بودی؛ و  
 در کتب اسانید و سیر آورده است که حضرت سید المرسلین  
 و خاتم النبیین صلی الله علیه و سلم در آن سال به غزوه بنی  
 لحيان رفته بودند بمنزل عسفان (۱) رسیدند؛ و در آنجا  
 قبر پدر و مادر خود را شناخته زیارت کردند و آن مقدار  
 گریستند که مجموع اهل و یاران خود را بگریه در  
 آوردند؛ اما قول پیغمبر صلی الله علیه و سلم اینکه حضرت  
 امام محمد غزالی قدس سره به سند خود در وایت کرده  
 از حضرت بی بی عایشه صدیقه رضی الله تعالی عنهما که

(۱) عسفان مو ضعیست دو مرحله دور از مکه معظمه بطرف  
 مدینه علی صاحبها التحیه بدانکه این قول خلاف کتب حدیث است  
 در کتب حدیث وارد شدست که آمنه والدہ حضرت رسول  
 صلی الله علیه و سلم در مقبره حجج چون مدفون است و عهد الله  
 والدشان در مدینه مشرفه میباشد و الله اعلم .



و رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند که هیچ مردی  
 قبا شد که بزیا رت برادر مسلمان خود رود و پیش قبرا و  
 به نشیند الا که اگر صاحب قبر مسلمان باشد با او انس  
 گیرد؛ و از ابو هریره رضی الله عنه مرویست که گفت  
 رسول الله صلی الله علیه و سلم چون بگذرد مسلمان بر  
 سر قبر مسلمانی و بران سلام کند خواه شناسا باشد خواه ناشناس  
 البته صاحب قبر جواب آنکس را بگوید و در اخبار  
 به ثبوت پیوسته که حضرت رسالت پنا صلی الله علیه  
 و سلم فرموده اند که عرض کنند، اعمال بنده گان را در  
 روز پنجشنبه و دوشنبه به حضرت خداوند جل سبحانه و  
 در روز جمعه اعمال بنده گان را عرض کنند به پیغمبران  
 و پدران و مادران ایشان پس از عمل نیکایشان شاد میشوند و از نیکوئی  
 فرزندان سفیدی ایشان زیاده می شود؛ و دیگر روایت  
 شده است بدستیکه عملهای شما یان را عرض کنند بخویشان  
 و نزدیکان شما اگر حسنات به یابند شاد و اگر سیئات بینند  
 حلول می شوند و میگویند بار خدا یا نمیران ایشان را  
 تا تو به کنند و راه راست یابند و از فحوائی بسیاری از  
 اخبار و آثار و حکایت صاحبان محقق میگردد که اموات  
 از احوال حیا خبر می یابند و بزیا رت یاران و دوستان انس  
 حاصل میکنند و از بعضی ثقات مرویست که روح زائیران

را نور عمل بیشتر است و ارواح اصحاب قبور را انوار  
تجلیات ربانی بیشتر هر گاه که احیاء زیارت اموات و زنده  
ارواح ایشان با یکدیگر مقابل شوند و انوارشان  
بهم پیوسته گردد هر آئینه نفع زنده گان به مرده گان و  
از مرده گان به زنده گان برسد، و مرشد اطریقه  
و الحقیقه شیخ شهاب الدین سهروردی قدس سره در  
کتاب عوارف المعارف آورده است که ارواح در بر زخ  
و محل خود همواره در جولان میباشند و احوال و  
اوضاع ایشان را معلوم میکنند و از عالم قدس نیز استغاثه  
مینمایند و غرض از ایراد این کلمات این است که زیارت  
قبور را منافع بیشمار است و اگر صاحب قبر از ابرار و  
اهل عرفان باشد هر چه زائیر باو بگوید جو اب بگوید  
و اگر زائیر اهل دل و صاحب کشف باشد شعور پیران  
حاصل کند و از آن گفتگوی خبردار شود (مشهور است)  
که شیخ ابو اسحق رومی قدس سره شاکردی داشت که صحیح  
بخاری شریف برای او میخواند هنوز تمام نشده بود که  
شیخ را قابض اجل بقبض روح قیام نموده در حالت نزع  
ایشان شاکرد گفت شیخا تو رخت زنده گانی بر می بندی و  
قرائت درس من در میان مانده صلاح چیست شیخ گفت باکی  
نیست هر روز وقت درس خواندن بیار پیش روی من



به نشین و درس میخوان شاگردان منوال کار کرد هر گاه  
 غلط بخوابند شیخ رحمة الله علیه از قبر تلقین صواب  
 فرمودی تا بوقتیکه کتاب تمام شد (بدانکه) قرآن شریف خواندن  
 در نزد قبر مسلمان بقول امام محمد شیبانی رحمة الله علیه سرأ و جهراً  
 جائز است و قنوی برای این قول است اگر خوانند و ثواب قراءت  
 خود را بعت بخشد نفع آن و فیض آن بی شبهه بعیت  
 و سد مؤید این قول آنکه در صحاح آورده است  
 که پیغمبر صلی الله علیه و سلم بر د و قبر بگذشت و  
 بنو نبوت معلوم شد که ایشان را عذاب میکنند  
 و شاخ سبز را طلب نمود هر يك را از آن در  
 قبر فر و بر دند و فرمودند که تخفیف عذاب شد  
 از ایشان ما دامیکه این د و شاخ سبز باشند و  
 خشک نشوند چون مقرر است که شاخ سبز ذکر خدای را میگوید و  
 چون خشک شود از ذکر باز میماند هر گاه ذکر نبات نفع  
 میرساند بمرد پس معین است که تلاوت قرآن  
 از مومن و حد نافع و موثر خواهد بود (فایده)  
 در بعضی کتب معتبره دیدم که مستحب است بمساجد  
 قدیم و مقابر کریمه و صوامع و خلوات اکابر و اولیاء  
 وقتن و بصدق دل از آنجا فیض گرفتن چه بصحت رسیده  
 است که پیغمبر صلی الله علیه و سلم روزهای شنبه از

## باب اول

در ذکر مراقب اولیاء که در عرصه فیه الاسلام  
 هرات و توابع آن مدفونند از قدیم الایام و ابتدای  
 فتح اسلام تا انتهای زمان خاقان صاحب قران  
 مغفور قطب السلطنه الدینا والدین \* امیر تیمور \*  
 کورکان انارالله برهانه واسامی شریف ایشان  
 در تاریخ هرات و کتاب طبقات حضرت خواجه  
 عبداللہ انصاری قدس سره و طبقات مشایخ هرات  
 و غیر آنها از کتب که مذکور بود شمه از احوال  
 و فضایل و مقامات این طائفه آورده شد تا روشن  
 گردد که رتبت و منزلت آن بزرگان تا بچه حد بوده  
 است و وقوف بر این احوال و اوضاع مفید کمال  
 حسن صدق و اعتقاد بوجه خاطر خواهد بود بدان  
 اسعدك الله تعالى بنیل المقاصد الدینة والدنیویہ  
 که اقدام این جماعت و اکمل ایشان اسوة الاعزۃ  
 الظاہرۃ و قدوة الائمة الباہرۃ سید الہمام والمشہود  
 بین الالام مقبول الملک الجبار :



# عبدالله

بن معاویه بن ابوالمساکن عبدالله بن جعفر الطیار  
 رضی الله تعالی عنہم از اکابر اولیا و اقطاب زمان خود  
 بود و در علم ظاہری و باطنی سرآمد روزگار  
 و کرم وافی داشت و شجاعتی بی پایانی داشت و پنهان  
 خلق را بطریق حق دعوت میفرمود و با وضع و شریفه  
 طریق شفقت و کرم مسلوک میداشت بمقتضی الانسان عبید  
 الاحسان بسیاری از اهالی مملکت و اطراف و  
 اکناف بخد مت آن میل میکردند تا بمرتبہ رسید که  
 در نواحی فارس و اصفهان خطبه بنام وی خواندندی  
 در آن وقت حکام برفع و قمع آن بزرگوار اقدام  
 نمودند و لشکرا نبوه بسرا و فرستادند و قوم او را  
 متفرق ساختند و آن حضرت با خواص خود بگریخت و  
 بقہستان (۱) آمد ابو مسلم مروزی به شبلی (۲) طهمان  
 که از قبل او در ہرات حاکم بود نامہ نوشت کہ بہر  
 نوع و وسیلہ کہ میسر شود او را نزد یک خود طلب کن

---

[۱] قہستان یعنی بر جند وقاین (۲) شبلی با الکسریچہ  
 شیر در نده و آنجا مراد نام نائب الحکومۃ ابو مسلم است  
 کہ در ہرات بودہ است •

پس شبلی هدایای تمام مرتب ساخته و مکتوب در غایت  
 تعظیم و احترام به نزد او فرستاد و بآمدن هرات او  
 و اترغیب نمود و متعاقب تحف و هدایا بطرف آن روانه  
 میکرد و فریب میداد تا اینکه با سفزار هرات آمدند  
 و از آنجا بشهر آمده در قریب درب خوش آن بزرگوار  
 را فرود آوردند، و جای اقامت نیکو بجهة آن تعیین  
 نمودند تا خاطر مبارك تسکین یابد؛ پس شبلی با ابو  
 مسلم نامه فرستاد که آنچه مقصود بود بحصول پیوست  
 ابومسلم پنهانی بر وی نامه نوشت که کارش را تمام کن  
 و سرش را بمن فرست آخر الا مر سید مشارالیه دانست  
 که شبلی قصد کشتن وی دارد خواست که بگریزد فرار  
 میسر نشد پس آن بزرگوار را بگریفتند و محبوس نمودند  
 و بعد از چند روز به قتل رسانیدند و سر مبارك بزرگوار  
 را به نزد ابو مسلم فرستادند و بدن مبارك را در تل  
 قطیبا ن در مصرخ که مشهور و معروف است مدفون  
 ساختند و این واقعه بزرگ در سال یکصدوسی  
 و چهار هجری واقع شده آورده اند که از همان مدت  
 شبلی به رنج عظیم مبتلا شد و با قبح و جوه بمقر سقر  
 رسید، و جناب ولایت مآب [ شیخ الاسلام مولانا  
 قرین الدین تائبادی رحمة الله علیه فرموده که شبلی در



مصرخ هرات در سر روضه حضرت سید عبد الله بسر  
 بردم و در ارواح اولیا نظر کردم از مشرق تا  
 مغرب هیچ روحی از روح آن بزرگوار تر ندیدم و  
 مقرر است نزد اصحاب کشف و ولایت که در هر شب جمعه  
 ارواح اقطاب و او تاد دران مزار متبرک حاضر  
 میشوند ، و در سال هفتصد و شش هجری سلطان محمد کرت  
 که از سلاطین غور است بر سر تربت عنبر سرشت ایشان  
 گنبدی عالی بنا نموده است و در سنه [۱] هزار سه  
 صد هفت جناب جلالتمآب سعد الدین خان که در هرات  
 فائب الحکومه بود جهت مزار کثیر الانوار ایشان دو  
 عدد لوح بسیار خوب ساخته که کیفیت شهادت و تاریخ  
 دران مندرج است ، مشهور است که شبل قاتل این  
 بزرگوار را در هر جا دفن میکردند خاک جسد یلید  
 او را بیرون می انداخت تا اینکه در پایان پای  
 این والا جناب دفن نمودند قرار گرفت .

## شاه زاده ابو القاسم

بن امام جعفر صادق بن امام محمد باقر بن امام

[۱] این عبارت تالفظ مشهور است الحاقیست از شیخ

اصیل الدین واعظ نیست .

زین العابدین رضی الله تعالی عنهم هم در مصرخ است  
 و شیخ یحیی عماد قدس سره استاد و مربی (حضرت خواجه عبدالله  
 انصاری همواره با خواجه وصیت میفرمود که بیوسته بزیاارت  
 ابوالقاسم بن جعفر رضی الله تعالی عنه میرو و از روح مقدس او  
 استمداد همت مینماید و شیخ الاسلام حضرت خواجه  
 عبدالله انصاری رحمه الله علیه به کرات میگفتند که در  
 شب جمعه در کهند زمصرخ هر دعای که کنند امید و آری  
 چنان است که با جابت مقرر و نگردد و در هر اوقات  
 پیران هستند که از بزرگان ما تقدم شنیدمانند که قبر  
 آن امام کجا است و اکثر مردم به یقین نمی دانند اما  
 معین است که در مصرخ است پس طریقه زیارت کردن چنان  
 باشد که در کعبه مقبره در آید و به نیت زیارت سوره  
 فاتحه و اخلاص بخواند و بر روح پرفروش آن ببخشد و  
 به آن وسیله مرادات و مقاصد خود را از حضرت قاضی  
 الحاجات بخواند و سال شهادت شان و کیفیت آن بتحقیق  
 فرسیده اما قبر آن در مصرخ است شرقی گنبد سینه عبد الله  
 مذکور در سنه (۱) هزار و سه صد و بیست و پنج حضرت پادشاه  
 اسلام غیث الاسلام و المسلمین علیه حضرت سراج الملک  
 والدین امیر حبیب الله خان بهادر خلد الله تعالی ملکه

(۱) این الحاقیست از شیخ اصیل الدین نیدست •



و سلطانه به طریق دوره کل افغانستان تشریف فرمای  
دارالنصرت هرات شد بعد آبادی های این د و مزار فیض  
انوار روی بانه نام نهاده بود امر مبارک شد که آباد  
شود همان بود که بنا با حکام شهر یاری تمام آباد شد  
مزمین و منقش گردید و اضافه بر بنای سابق جای  
کبوتران و خاتقاه و چله خانه ها و مسجد و حجره  
ها آباد شد اللهم اید زمان دولته الی یوم القیامه

### بی بی سستی رح (۱)

دوبازار خوش قریب چهار سوق در  
سمت جنوبی بازار مدفون است عا بدو عصر و آیه  
در هر بود بی بی سستی از مشاهیر دوستان حق سبحانه  
تعالی و مستجاب الدعوه بود و نظر تمام بابو مسلم مروزی  
داشت و به همت آن کارهای شگرف در هرات و نیشابور  
از دست ابو مسلم برآمد در اول حال شوهری داشت  
ابو نصر شب رو میگفتند هر دو با تفاق عیاری (۲) میکردند  
و در آخر دردی از غیب بر روی آن کشاده شد و از خلق گوشه

(۱) سستی بکسر! سین در اصل سیدتی است بزن بزرگ اطلاق

میشود چنانچه سید بمر دینزرک.

(۲) عیاری بی باک و دزد. کذا فی اللغات.

گرفت و متوجه راه حق شد و کارش بالا گرفت و در سال  
صد پنجاه و هشت هجری وفات یافت و بیوسته اما لی هرات  
بر یارت آن میروند و در اجابت دعا مزارشان تریاق  
هجر بیست و در ایام حضرت خاقان سعید شاه رخ میرزا بر  
سری قبر آن عمارت و مسجد عالی بنا نمودند .

## امام عبدالله الواحد

( بن مسلم بن عقیل رضی الله عنهم )

در جنوب شهر هرات نزدیک بطرف قبله امام متقی  
عرف عالم امام عبدالله الواحد بن مسلم بن عقیل رضی  
الله تعالی عنهم) در علوم ظاهر و باطن خصوصاً در فن حدیث  
و تار یخ بغایت کامل بوده در زمره اولیای کبار  
معدود گذشته ( نقل است ) از ابوالفضل اسحاق که گفت در  
واقعه دیدم که دو مرغ سفید به فسیل شهر نشسته بود بد  
یکی ازان دو مرغ با دیگری می گفت که بر خود را در زیر  
این شهر در آور و آن را زیر و زیر گردان جواب داد  
که نمی توانم از روح مقدس حضرت امام عبدالله الواحد  
بن مسلم رضی الله تعالی عنه شرم میدارم و در طبقات  
مشایخ هرات آورده است که یکی از پیران طریقت گفته  
که بر سر تربت حضرت امام عبدالله الواحد بن مسلم [رضی]



فکسته بودم که ناگهان سگی بپای شکسته آمد و در پایان  
 پایی قبر امام عبدالله الواحد با یستاد و بزرگاری تمام  
 قائله میگرد و میگرد یست و پایی شکسته خود را در خاک  
 می مالید اندک زمانی برآمد پایی درست شده بیرون  
 وقت قبر مبارک کس در بیرون در بفریز و زآباد است در محله  
 خوانچه آباد بیوسته اکابر اولیای هر ات مثل سید عبدالله مختار  
 و شیخ عمو و شیخ ابو عبدالله مالانی و غیر هم ملازمت بزرگوار  
 بتقدیم رسانیده اند فی الحقیقت قبله اجابت است و در  
 حدی ایشان اختلاف است بعضی ایشان را از اولاد  
 مسلم بن عقیل گفته و در لوح مزار ایشان که بسیار قدیمی  
 است ایشان را پسر زید بن حسن بن حضرت علی کرم الله  
 و جبه گفته ثبت لوح ایشان چنین نوشته شده ﴿الله اکبر﴾  
 ظهور گوهر درج سعادت و طلوع اختر برج سروری  
 و سیادت یعنی وجود امام امام سید السادات والای  
 شریف افتخار آل عبد مناف امیر عبدالله الواحد  
 بن الامام الهمام خلاصه اولاد عترت طاهره تقاوه  
 احقاد صاحب ملت ظاهره امیر زید بن الامام شجره  
 روخه کرم و کرامت ثمره سیادت و امامت امیر  
 المومنین حسن ابن اسد الله الغالب علی ابن ابی طالب  
 کرم الله و جبه در مکه مبارک بود ، در زمانی که

از هجرت سی و پنج سال و بروایتی سی و هفت سال گذشته  
بود، در ایام امامت امیرالمومنین حضرت علی کرم  
الله وجهه و شیخ حسن بصری رحمة الله علیه باشارت  
حضرت علی کرم الله وجهه تربیت و اجتهاد مینمود  
و در هشتاد و هشت از هجرت در زمان حیات پدر  
بزرگوار خود بعد از وفات جد عالیقدر حضرت  
امیرالمومنین حسن رضی الله تعالی عنه شربت شهادت  
از کاس اجل نوشیده و بعد از انقضای سه صد و بیست  
سال از وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم تربت  
عنبر سرشت او ظاهر شد و سبب ظهور آن بود که شیخ  
ابونصر قدس سره در منام حضرت سیدالانام صلی  
الله علیه و سلم به حضور عمر آن فرمود بر وفق آن اشارت  
با بشارت شیخ متوجه صوب خراسان شد، و در مجر و سه  
هرات در موضع خمچه آباد ساکن شد و قبر این  
بزرگوار را آنکه روضه ایست از ریاض بهشت احیا  
کرد و شیخ ابونصر یکصد و بیست سال عمر یافت فقط تاریخ  
همین قدر بود تمام شد، و دیگر لوحی به قدر سه زرع  
بلند در بالای سر این بزرگوار نصب است در زمان  
سلطان حسین میرزا حسن شاه قوچانی این را تیمنا نصیب  
نموده و کندی که حال آبا دا است از اینیه ملوک کرت



است و در زمان خاقان مغفور حضرت ضیاء الملة و الدین طاق ایوان مزار موصوف خراب شده بود دهمان بود که بنا بحکام مرحوم مغفور طاق مذکور آباد شد و در سنه هزار و سه صد بیست و نهمان پادشاه اسلام اعلی حضرت سراج الملة و الدین امیر حبیب الله خان خلد الله تعالی ملکه و سلطانیه تمام مزار شریف ترمیم و آباد شد و قاریخ آباد شدن آن به نظم در شرقی طاق مذکور نصب است .

## حضرت خواجه ابوالولید

احمد بن ابی الراجا عبد الله بن ایوب بن حنیفة اهروی نور الله مرقد هم از اکابر علمای اهر و باطن بوده و اهروی الاصل و در قریه آزادان که در قبله شهر هرات واقع است سکونت داشته و با امام احمد حنبل که یکی از ائمه دین است بسیار صحبت داشته و سلطان اهل حدیث ابو عبد الله بن اسمعیل بخاری و امام دارانی سمرقندی صاحب سنن پیش او حدیث خوانده و در کتاب خود مکررا از ایشان نقل کرده اند و در سنه دویسد و سی و دو هجری در هرات وفات یافته اند و قبر مبارکشان مشهور و معروف است و سلطان محمد گرت بر سر تربت

ایشان عمارت و گنبدی عالی بنا فرموده است و حال آباد است و اکثر ملوک از بکیه در آنجا بناهای خیر نموده اند و محب الفقراء و المساکین حاجی محمد عظیم خان و عالیجاه میرزا غلام حیدر خان ساکن قریه مذکور مدتهاست که ترمیم مزار فیض مشحون را می نماید چنانچه در آنجا مدرسه بجهت طلاب و دارالحفاظ و مسجد جامع و حوض آب و طاق نماها را آباد نموده است و خرج طلاب و حفاظ قرآن مجید را از مال خود داده که بتعلیم مشغول باشند جزاء الله خیراً کثیراً (۱) و فضایل و کمالات حضرت ابوالولید قدس الله سره بیش از آن است که در حین تحریر درآید و مشهور است که سی هزار کس در جنازه ایشان نماز بگذارند گویند که حضرت خواجه ابوالولید نماز جمعه را در مسجد الحرام میگذارند و شب بمنزل خود مراجعت مینموده و خاقان سعید شاه رخ میرزا این امیر قیمر کورگان انارالله برها نه مادامیکه در هرات می بوده هر چهارشنبه بمزار متبرک ایشان میرفت برف و باران او را مانع نمیشد و بی عذر مرض هرگز آن را ترک نمیکرد و خواص و عوام هرات از زیارت

(۱) این از اصل کتاب است .



مز از آن منافع کلبه یافته و می یابند.

## حضرت خواجده علی

بن موفق بغدادی رحمة الله علیه دیگر امام صدق  
و صفای مرکز دائر علم و حلم و آزادی شیخ علی  
بن موفق بغدادی از اکابر مشایخ عراق بوده  
و باذوالنون مصری قدس سره صحبت بسپار کرده  
حضرت شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری قدس الله  
سره العزیز گفته که خواجه علی بن موفق از بغداد دیده ده هفتاد  
و چهار حج کرده و وقتی حج کرده بتاسف با خود میگفت  
که میروم و می آیم نه دل و نه وقت من خود در چه عالم  
آنشب حق تعالی را بخواب دیده که وی را گت ای پسر موفق  
تو بخانه خویش کسی را خوانی که نخواهی اگر من  
ترا نخواستمی نخواندی و راه ندادمی گویند روزی  
در راه کاغذی یافته در آستین نگاه داشتند چرن از آستین  
بر آوردند دیدند که در آن نوشته است که ای ابن  
موفق از فقر میترسی و حال آنکه من پروردگار توام  
و ایشان گفته اند که خداوند اگر من ترا از بیم  
دو زخ میبیرستم درد و زخ فرود آر و اگر با مید بهشت  
هی برستم هرگز در آنجا جای مده و اگر بمهر میبیرستم يك

دیدار بنمای و پس از آن هر چه خواهی بکن و فوات  
ایشان در سنه دو صد و شصت و پنج هجری بود شیخ الاسلام  
خواجہ عبداللہ انصاری (رح) در طبقات مشایخ ذکر ایشانرا کرده است و از طبقه  
ثانیہ اش شمرده و صاحب طبقات هر ات ایشان را از طبقه  
ثالثہ معد و دساخته و القول قول الاکا برمد فاش در بیر و ن  
در ب قطبی چاق نزد یک راه کازرگاہ و باغ سفید  
و گویند کہ حضرت خواجہ عبداللہ انصاری قدس سرہ  
چون سوارہ بآن راه بگذشتی فرود آمدی و باادب  
بگذشتی و در طبقات حضرت خواجہ تعیین مدفن آن  
بزرگوار را نہ نموده و از کتب اسماء جال محدثان  
غیر این معلوم میشود و مورخان هر ات آورده اند  
کہ بعضی میخو استند کہ جسد مبارک آن بزرگوار را  
بند زدند و بہ بغداد بہ برند زیرا کہ او بغداد است  
اہل قبۃ لا سلام هر ات این حال را معلوم کرده بر  
بالای قبر آن دیواری ساختند تا مضبوط گردد بندہ  
حقیر (۱) کاتب این گردید کہ حال عالیجاہ محب الفقرا  
حاجی الحرمین الشریفین حاجی میرزا محمد عظیم خان  
جزاء اللہ فی الدارین خیر اکثیر آ دائرہ مزار آن بزرگوار  
را کلان نموده دیوارهای اطراف آن را بنا خشت و ختہ

[۱] از اینجا الحاقیست .



جدید آباد کرده است و ذکر این بزرگوار در تفحات  
الانس و سفینه الاولیاء مذکور است .

## حضرت خواجه رخ بند

دیگر امام زاهد و عارف ارجمند آطب الحق والملة  
والدین خواجه محمد یوسف رخ بند قدس سره العزیز و مصاحب  
با حضرت خواجه ابوالولید رحمة الله علیه داشتند و  
پیوسته نقاب بر روی خود می آویختند تا چشمش در دنیا  
و ما فیها نیفتد ازین جهت ایشان را خواجه رخ بند میگفتند  
گویند که هر کس در هرات نا جور شدی يك زرع کرباس  
و یکدینار نذر ایشان کردی صحت یافتی ؛ و در قدیم  
الایام هیچکس نزدیک مزار ایشان سواره نمی توانستی  
گذشت تا اینکه روزی حضرت خواجه عبد الله انصاری  
قدس سره بر سر تربت آن بزرگوار آمد و زمانی  
دیر توقف فرمودند و توجه تمام به تقدیم رسانیدند بعد  
از آن سواران را فرمودند که بگذرند ؛ مدفن مبارک  
آن بزرگوار در درون شهر هرات در میان مسجدی که  
بنام نامی ایشان است در محله قضات الهی به برکت  
روح آن بزرگوار عالی همت ما گنه کاران را هدایت نموده  
توفیق طاعت و اجتناب از معصیت کرامت فرمائی آمین .

## امام ابولحسن کردی (رح)

از جمله محدثان و فقها و حفاظ و زها در روزگار خود  
بوده مشهور است که هشتاد هزار حدیث یاد داشت و فاش  
در سال دو صد و پنجاه و پنج هجری است مدفش در هرات  
است لکن غیر معین .

## شیخ ابوالهاشم رازی (رح)

در علم لغت و فن ادب بی نظیر بوده است و فاش  
در سال دو صد و هفتاد از هجرت و مدفش در بیرون  
در ب خوش و هزار متبرکس تریاق احمر است .

## سید ابو عبدالله المختار (رح)

افتخار آل طه و یس مقتدای ابرار سید ابو عبدالله مختار  
ابن سید محمد هر وی از مشایخ هرات بوده و در  
علم صورت و معنی بی نظیر بوده است و کرامات و خوارق  
عادات از آن حضرت بسیار به ظهور پیدا شده؛ و مدفش  
ایشان در کوه شمال هرات در سر کوه عمارت عالی  
دارد و معروف و مشهور است و فاش ایشان در  
سال دو صد و هفتاد و هفت از هجری واقعه و از



سادات حسینی بود و اهل قبه الاسلام هرات زیارت  
ایشان رفته توسل میجویند و بمقاصد خود فائز میشوند .

### امام عثمان دارانی (رح)

در علم ظاهر و باطن و فن تصوف نیک ماهر بود و  
و شافعی مذهب بوده و متقی و بزرگ و مشایخ ازان  
استقامه بسیار مینمودند و در سال دو صد و هشتاد از  
هجرت وفات نموده و مدفنش در مقبره خدایان است  
اکنون قبرش معلوم نیست .

### امام ابوسعید مهین (رح)

مقتدای هرات و در زهد و ورع و علوم ظاهری و باطنی  
ید طولی داشت و مصنفات آن مشهور است (منقول است)  
که یکی از موسی هارون مسئله پرسید موسی از سایل  
سوال کرد که تو از کجائی گفت از هرات گفت مسئله از من می  
پرسی و ابوسعید در شهر هرات شمس است و وفاتش در  
دو سال دو صد و نود هجری و مدفنش در درب خوش است  
و در جوار آن بزرگوار بسیاری از اکابر و اقارب  
و اولاد آن مدفونند .

### شیخ عبدالرحمن بن طهمان (رح)

مشهور است که هفتاد سال در هرات در مسجد متعین روز بروزه و شب با حیا علی میگذرانید و وجه معاش او از دست ریس زوجه او بوده سال وفاتش معلوم نشده فاما او را از طبقه نالته شمرده اند و مدفش در مقبره در ب خوش نزد يك قبر امام ابو سعید معین (رح) است .

### سید ابوالمعالی مختار (رح)

تقا و خاندان طیبین و ظاهرین سید ابوالمعالی مختار بن سید عبداللہ مختار از جمله اکابر دین و افاضل علمای اهل یقین و زاهد و عابد و وقت خود بوده و کرامات و مقامات بلند و از تلامذہ اصحاب پدر خود بوده معلوم مرتبه امتیاز داشت سال وفاتش معلوم نشده و قبرش در پایان پای قبر پدرش معلوم است .

### فقیه عثمان مرغزی (رح)

از فرزندان حضرت سید عبداللہ مختار است و او را سوخته شوق میگفتند و در غایت ادب بغایت الفایه



را سخ بودند مشهور است که هر که بطرف هرات  
آب دهان خود را نینداخته است، بجهت آنکه در هرات  
پیران هستند تار یخ و فلات او معلوم نشده و مدفنش  
در یایان پای حضرت سلطان عبد الله الواحد شهید است .

### امام محمد (رح)

بن اسحاق سعدی رحمة الله علیه از زهاد و اتقیاء  
روزگار خود برده مزار او را قبله حاجات  
میگویند وفاتش در سال سه صد و پنجاه هجری واقع شده  
مدفن او در قریه بزندان انجیل است .

### شیخ عبد الله (رح)

بن عروه رحمة الله علیه - شیخ المعارف امام عبد الله  
بن عروه با انواع علوم ظاهر و باطن معروض بود  
و مدتی هشتاد سال عمر خو را بزهد و ورع گذرانیده  
وفاتش در سال سه صد و یازده هجری واقع شده و  
مدفن آن بدربخش است .

### شیخ محمد [رح]

بن عثمان دانی شیخ عابد متحقق محمد بن عثمان دانی

است در علم امانت و صلاحیت قائم مقام پدر خود  
بوده و فائش در سال سه صد و سی از هجرت مدفنش در  
مقبره خیا بان نزد يك قبر پدر بزرگوار آن واقع شده .

### امام ابوعلی حامد [رح]

امام متورع مجتهد امام ابوعلی حامد بن محمد سقاء  
در علم فقه شریف و در سایر علوم ماهر بوده و بیوسته  
در وعظ و نصیحت میبوید و نزد يك خاص و عام مقبول  
و فائش در سال سه صد و پنجاه و شش هجری است و  
مدفنش در درب خوش است .

### • شیخ ابواللیث

فوشنجی (رح) قطب الوقت و شیخ ابواللیث فوشنجی  
رحمة الله علیه حضرت شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری  
قدس سره در مصنفات خود آورده که ابواللیث فوشنجی  
از عرفاء و سادات بوده و بیوسته پای برهنه در  
خرقه ژولیده میرفته و يك شبانه روز هرگز در يك  
منزل نمیگذرانیده فر دأ و جدأ کر دعالم میکشت ،  
[مشهور است] که ابواللیث فوشنجی (رح) وقتی در رود  
هرات غرق شد گفت خداوند مرا خلاصی ده که برای



توسه با رقل هو الله احد بخوانم في الحال دست از غیب  
 پدید آمد و او را خلاص کرد روزی میگفت که نه  
 سال از آن واقعه گذشته و مرا میسر نمیشود که نذر  
 را و فاکم هر کما که کریم قل هو الله احد به جواب  
 شنوم که میگویند هیچ میدانی که احد کیست چندان  
 ذوق و شوق و وجد آن بر سر من استیلا یا بد که مجال  
 قطم نمی ماند سال و فاکم معلوم نیست اما مدفنش در  
 خیابان در پشت جوی انجیل در بالای بلند ی واقع  
 است و باقی اقطاب و مریدان و همصحبها در جوار  
 ایشان مدفونند و کسی که اندک صفای که داشته باشد  
 در یا بد که چه فیض و حضور آنجا میرسد.

### شیخ محمد گازر [رح]

شیخ زاهد متوورع محمد بن عبد الله قصار  
 هروی (رح) شیخ الاسلام حضرت خواجه عبد الله  
 انصاری قدس الله سره العزیز بسیار مدح ایشان  
 و امی نمودند و از اکابر زمان خود بودند و  
 خرقه از دست شیخ ابواللیث فوشنجی (رح) پوشیده  
 و در اقران محمد نقشبند قدس سره و شیخ عمو  
 (رح) محدود کشته تا ریخ و فاکم معلوم نیست و قبرش

در خیا بان معروف و مشهور است؛ میگویند پدرش  
گازری میکرد و سنگ گازری پدرش را بر سر قبر  
او نهادند و حالا موجود است .

### شیخ ابو العباس (رح)

شیخ الا و لیاء محمد ابو العباس غورانی  
شیخ الاسلام حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره  
در تصنیفات خود آورده که او از بزرگان این طایفه  
و انکشاف قلوب و قبور داشته تاریخ و فاش معلوم نشده  
اما قبرش در غوران است در بلوک گذره .

### شیخ ابوزید مرغزی [رح]

قدوة المشایخ خواجه ابوزید مرغزی از کبار مشایخ  
هرات بود و از باب کشف و یقین و در علم فقاہت و ورع کمال  
تمام داشته و کرامات بسیار از ایشان ظاهر شده و از تلامذ  
هذه ربیع بوده و او از تلامذه امام شافعی رحمه الله علیه  
بوده مشهور است که حضرت خواجه عبدالله انصاری رحمه  
الله علیه شاکر دامام نصر الدین مرغزی بوده و او از  
شاکر دامام ابوزید (رح) مرغزی بوده سال وفاتش بتحقیق نه پیوسته  
و امامد قش در اندرون شهر هرات در غربی مسجد



جامع شریف است .

## شیخ ابو عبدالله مالانی [رح]

امام و محدث و متقی ابو عبدالله احمد بن عبدالرحمن مالانی از بزرگان مشایخ هرات بوده و از اقران شیخ عمو بوده و بایکدیگر حج رفته بودند و به صحبت مشایخ حجاز رسیدند و اهل هرات همه باو بیعت کردند خواجه عبدالله بن عروه فرموده که بعد از حسن بصری (رح) هیچ کس بقدر منزلت شیخ احمد مالانی رح نمیدانم سال وفاتش معلوم نشده و قبرش در طلقان مالان است و هر قدر ایشان معروف و شهرت دارد که هر چهار شبه حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره ، زیارت ایشان میرفته و بهر حاجت که زیارت او کنند مقصود حاصل شود .

## شیخ ابونصری هروی (رح)

عابد و زاهد و یگانه وقت خود بود شیخ الاسلام حضرت خواجه عبدالله انصاری رحمه الله علیه فرموده که شیخ ابونصر از بزرگان کازرگاه است جمعی از شاگردان او بحج میرفتند ، بی اجازت حضرت شیخ پس در راه بشیخ حصری رسیدند فرمود که یکی از شما یان چیزی بخواند شخصی

ازان میان بخواندن مشغول شد شیخ حصری یبخود گشت و به  
 سماع در آمد ددر اثنای آن حال فرمود که ای سال شما  
 را بار نیست باز کردید بعد از ان گفت که شما شاکردان  
 ابونصری هر وی نیستید گفتند هستیم فرمود که چرا  
 بی دستوری آن بیرون آمدید البته ؛ مراجعت کنید و  
 پیش او رو و بد هر کس که باز گشت سلامت بماند و جمعی  
 که نشنودند و متوجه راه حج شدند بسموم بسو ختند  
 و قبرش در کازرگاه است لکن معلوم نمیداشد .

### خواجه قر بیخ هروی (رح)

شیخ الموحد بن والمحتدین خواجه قطب الحق والدین  
 قر بیخ الهروی؛ شیخ الاسلام حضرت خواجه عبدالله انصاری  
 قدس سره فرموده که قر بیخ پیری باشکوه و با صلابت  
 و خداوند ولایت بوده وفاتش در سال سه صد و هفتاد  
 و هشت از هجرت و قبرش در کازرگاه شریف است .

### خواجه خیر چه [رح]

شیخ الابدال و العارفین کمال الحق والدین خواجه  
 خیر چه قدس سره از اکابر اقطاب و از بدلاء هند و ستان و  
 مستجاب الدعوة بوده است حضرت خواجه عبدالله



انصاری قدس سره در طبقات خود ذکر ایشان کرده است  
 مشهور است که هر که را درد دندان یا درد چشم یا مرضی  
 دیگر پیدا شدی بر قتی نزدیک خواجه خیر چه التماس  
 فاتحه نمودی فی الحال سوره فاتحه الکتاب بخواندی  
 آن مرض از مرض خلاص شدی و قتی دانشمندی گفت یا  
 خیر چه سوره فاتحه را درست نمیخوانی بیا که با تو سوره  
 فاتحه را درست سازم خواجه گفت که تو دل خود را درست  
 بساز بعد ازان بآن به هیچ حال ملتفت نشد مشهور است  
 که او غلام شخصی بود از تجار مالک وی از وی خواری  
 عادات مشاهده میکرد پس در آخر کار او را آزاد گردانید  
 حضرت شیخ الاسلام گفت که من پسر خواجه اورا دیده ام  
 و بعضی از احوال رفیعه خیر چه را از وی شنیدم و قبر  
 وی در گازر گاه است بالا تر از مزار فیض آنار حضرت  
 شیخ الاسلام بن الشمال و المشرق و زیارت مرقد آن  
 بزرگوار تر یا ق از موده است .

## حضرت خواجه ابو عبد الله

طافی [رح]

قطب المشایخ کعبة الانام مرشد السالکین زبدة المحققین  
 علاء الدولة و الحق و الدین الکرام اللهم امددنا الی

اللَّهُ فخر الحق والشریعة والتقوی وارث الانبیاء د لیل  
 ۱ لهدی الی طریق المستقیم ابو عبد الله محمد بن فضل الطاقی  
 السجستانی الهروی مشهور بخواجه طاق [۱] در علوم  
 شریعت و طریقت و حقیقت در چه علیا داشت و رسوم  
 صوفیه و اشارات ایشان نیکو میدانسته و ولایت  
 و کرامت و فراست ایشان از حد تو اتر گذشته بود  
 و اینجا از شرح کردن ولایت و کرامت او از هزار  
 یکی و از بسیار اندکی در حین تحریر نمی گنجد و در  
 اظهار مذهب حق و قوت اعتقاد عدیل نداشت حضرت  
 خواجه عبد الله انصاری قدس سره فرموده که هرگز  
 هیچ بزرگی با هیبت ترا از حضرت ابو عبد الله طاقی  
 رحمة الله علیه ندیده ام و او پیر و استاد من است  
 و اگر او را ندیدم اعتقاد مذهب حق را نمیدانستم  
 [ نقل است ] که حضرت خواجه ابو عبد الله طاقی  
 رحمة الله علیه گفت که هزار پیر را دیده و خدمت کرده  
 ام که همه از اهل کرامت بودند [ نقل است ] که در  
 زمان حیات ایشان ابدالی از طرف بلخ آمده بود و  
 در شهر هرات میگشت دید که مردی انصافی ظلم میکنند  
 ۱ طاق قریه ایست در ملک سجستان که از آنجا  
 در هرات نزول فرمودند .



به حضرت خداوند بنالید و در حق آن دعای بد نمود  
 و از شهر برون رفت در ساعت آتش عظیم در هرات  
 افتاده مردم بیچاره شده به نزد حضرت خواجه  
 ابو عبدالله طاقی (رح) رفتند حضرت خواجه در باغ  
 خود تانگ می بریدند متوجه شدند دیدند که عالم را  
 آتش گرفته چنانچه گویند که مسجد هرات چوب پوش  
 بوده آتش گرفته بوده و آتش زلندم خود را بوطن  
 رسانده حضرت خواجه نیک تانگ را گرفته به طرف  
 بلخ فرستادند ابدال را از دروازه بلخ بیستی  
 کشیدم و به هرات آورده و گفتند که چراگریختی  
 ابدال گفت از سبب که از وسم من نشد که علاج کنم  
 گریختم بعد از آن حضرت خواجه قطره اشک چشم  
 خود را بطرف شهر انداخته آتش فرو نشست و هم  
 درین باب ایشان فرموده اند .

## رباعی

آن آتش دوشین که بر افروخته بود  
 او سوختن از دل من آموخته بود  
 گر آب در چشم من نکر دی یاری  
 چه چله فرزان که هری سوخته بود

از حضرت شمس الدین محمد مر و یست که گفت  
من حضرت خواجه را در واقعه دیدم که بر کرسی  
نشسته بود و جمیع بزرگان دست پیش سینه نهاده ایستاده  
بودند و حضرت خواجه انصار صاحب در تعریف  
ایشان فرموده

### رباعی

ای آنکه یگانه گشته در آفاق  
از جان بنواند اهل عرفان مشتاق

کس نیست بمانند تو در فقر و فنا  
گشت است از ان نام خورش خواجه طاق  
و ایشان حنبلی مذهب بودند . وفات ایشان  
در سال چهار صد و شانزده هجریست و مدفون  
ایشان در بیرون درب خوش است و خاقان سعید  
انارالله برهانه بر سر تربت آن بزرگوار عمارت  
عالی ساختند و سلطان حسین میرزاد هلیزی و در  
بندی در جنب عمارت وی ساخته و هر دو ایشان همواره  
بزیارت میرفته اند الهی بپرکت روح پاک حضرت  
خواجه عبدالله طاقی قدس سره اهالی هرات را  
در پناه حمایت خود نگهداری و از شر ارباب و



از پنجه تظلم ظالم محفوظ و مسلم داری و پادشاه  
 وقت و امتاء دولت را عادل گردان و بر ترویج  
 شریعت نبوی علی صاحبها الصلوات و التسلیمات و النجیه  
 توفیق دهی و از ابواب رحمت خود ددری بر وی همه  
 امت نبوی صلی الله علیه و آله و اصحابه و سلم خصوصاً  
 بر وی مسلمانان اهالی عراق بکشائی آمین نس  
 آمین یا رب العالمین .

## امام عبدالله

بن الیمان رحمة الله علیه امام و مقتدای اهل عرفان  
 ابو عبدالله بن الیمان رحمة الله علیه از مشایخ کبار  
 بوده حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره از  
 وی نقل و حدیث فرمودی و کفنی را وایت میکنم از  
 بزرگی که چشم من چون او ندیده بغایت محدث و زاهد  
 زمان خود بوده و به طریقه صحابه و سلف رضی الله  
 عنهم زندگی گزینی میکرده و سال و فاقش در سال  
 چهار صد و شانزده هجری بوده و مدفنش معلوم  
 نیست رحمة الله علیه .

## شیخ یحیی بن عمار سجستانی (رح)

امام زاهد متقی شیخ یحیی بن عمار سجستانی پیشوای  
 سالکان و ناصح طالبان و مقتدای اهل هرات بوده  
 و علوم ظاهری و باطنی را به کمال خرابی دانسته  
 و در قبة الاسلام هرات مدت شصت سال نصیحت مسلمانان  
 میفرمودند و در تربیت و تقویت حضرت خواجه عبدالله  
 انصاری رحمة الله علیه میگویند [مشهور است] که  
 قما شیخ یحیی عمار زنده بود هیچ آفریده با خواجه  
 عبدالله انصاری قدس سره در مباحثه و مجادله غالب  
 نتوانست آمد و با صاحب خود میگفت که گرامی دارید  
 حضرت خواجه عبدالله انصاری را که او امام روز  
 کار خواهد شد و فائز دو سال چهارصد و بیست و دو  
 هجری و مدفنش در مقبره خدایان است [نقل است] که  
 بعد از وفات او را بخواب دیدند پرسیدند که حضرت  
 خدای تعالی با تو چه کرد جواب داد که چون من  
 از دنیا رخصت کردم حضرت حق سبحانه تعالی با من  
 فرمود که ای یحیی من با تو کارها داشتیم اما روزی  
 در مجلس و عظم ما را استودی یکی از دوستان صاحب  
 کمال حاضر بود و وقتش خوش شد ترا در کارا و کردم



و کرده با تو چه میگردم .

### خواجده عبدالرحیم (رح)

از استادان حضرت خواجده عبدالله انصاری است  
و احوالات و مقامات ایشان فوق الحصر و البیان  
است و مدقش در دشت یلان در میدان زیارت  
گاه و مرغاب است .

### شیخ عمور (رح)

الشیخ الکبیر شیخ ابو اسمعیل احمد بن محمد بن حمزه  
صوفی المشهور به شیخ عمور حمة الله علیه اورا شحنة  
مشایخ خراسان میگفتند و در علوم فتوت و توکل  
یا کمال بوده و در ابتداء در اندرون شهر هرات  
منزل داشت آنجا که اکنون خانقاه قاضی جلال الدین  
است و از هر طرف در ویشی که بطرف هرات آمدی  
به نزد وی آمدی و حضرت خواجده عبدالله انصاری  
قدس سره بیست سال خدمت خانقاه وی نمودی  
و خدمت وی آن بود که هر دانه که در مطبخ او  
می پختند او را پاک میکردی حضرت شیخ عمور حمة  
الله علیه در حدیث اسناد عالی داشت و بسیار

از مشایخ عظام صحبت نموده بود و صائمه الدهر بود  
 و عمرش به نود سال رسیده بود و فاش در سال  
 چهار صد و چهل و چهار از هجرت واقع شده و قبرش در  
 گازر گاه شریف است نزدیک رباط و مسجد جامع  
 که در قدیم بوده و در ایام سلطنت ابو سعید میرزا  
 مولانا رکن الدین خانی بنیاد و تجدید آن را نمود  
 و با تمام رسید .

## شیخ الاسلام حضرت خواجه

عبدالله انصاری قدس سره

شیخ الاسلام و کعبه الانام مهبط خیر و برکات اعی  
 پیر هرات منظور نظر عنایت حضرت باری ابواسمعیل  
 خواجه عبدالله انصاری قدس سره از نسل ابومصور  
 مت الانصاری است که وی پسر حضرت ابویوب انصاری  
 است رضی الله تعالی عنه که صاحب رحل حضرت رسول  
 الله صلی الله علیه و سلم بوده و مت انصاری در زمان خلافت  
 حضرت عثمان رضی الله عنه با احنف بن قیس رضی در هرات  
 آمده بودند و حضرت خواجه در کهندز مصرخ هرات  
 متولد شده اند فرمودند که اول مرا در دبیرستان  
 زنی کردند چون چهار پیمانه شد مرا در دبیرستان



ما اینی کردند و چون ۹ ساله شدم املانو شتم در  
دبیرستان ادب خورد بودم که شعر عربی ، میگفتم چنانچه  
دیگران بر من حسد میبردند و اشعار ایشان از ششصد هزار  
بیت عربی بیش است ؛ و گفته اند که من سه صد هزار  
حدیث با هزار هزار اسناد یاد دارم که هیچکس بروزگار  
من آن نکرده که اگر من بر هر اندام خود دست می  
نهادم آن را حدیث یاد داشتم و گفته اند که من خورد  
بودم که خود را در کهواره گی یاد میدادم که کفچه  
گرم بر دیک می نهادند و شش ماه پیش شیر نخوردم  
مصنفات ایشان در عالم مشهور است مثل تفسیر قرآن  
و منازل السائرین و طبقات مشایخ هرات و کنج نامه  
و غیره ( نقل است ) که در فوشنج ضعیفه باخبر بود  
گفت در آن شب که حضرت خواجه متولد شدی در  
واقعه دیدم که حضرت خضر علیه السلام مرا گفت  
که امشب در هرات فرزندی متولد شده که از  
مشرق تا مغرب فضل او پیر شود و قرابت کلی از  
حضرت شیخ ابوالحسن خرقانی قدس سره و حضرت  
خواجه عبدالله طاقی قدس سره یافته اند آورده اند  
که حضرت خواجه عیدالله انصاری قدس سره گفت  
که من از دو کس بلفند دو چه ترندیدم یکی حضرت

شیخ ابو الحسن خرقانی و دیگر حضرت خواجه عبداللہ  
طالق قی قدس سرہ و ریاضت حضرت ، خواجه بمر تبہ  
رأسیدہ بود کہ گفته بحدیث خواندن مشغول بودم  
و اکثر اوقات گیاه تناول میکردم و خشت زیر سر  
می نهادم و فائش در سال چهار صد و هشتاد و یک  
هجری و عمر مبارک هشتاد و چهار سال و چار ماه  
و بیست روز بوده و در تاریخ هشتصد و سی دوی هجری  
خاقان سعید سلطان ابو سعید میرزا بر سر تربت آن  
بزرگوار عمارت و مسجد جامع عالی بنا نموده  
و اکثر سلاطین اسلامیہ تا حالا در آنجا بقا های خیر  
نمودہ اند و ملاک زیادیرا وقف نمودہ اند کہ بہ  
مصارف آن برسد و اہل ہرات از وضع و شریف  
یہو ستہ بمر قد منور تو سل میجویند و بمقتضای دین و  
دنیا میر سند فیض الہی دران موضع بسپار است !  
ذکر جماعتی از اولیای کبار و مشایخ کہ از اقران  
حضرت خواجه عبداللہ انصاری قدس سرہ بودہ اند  
و حضرت خواجہ در مصنفات خود ذکر ایشان نمودہ  
مانند و تاریخ ایشان معلوم نیست درین محل اساسی  
این بزرگواران در سلك تحریر می آید تا بمقتضای  
اثر معتبر عند ذکر الصالحین تزل الرحمة برکات



آن طایفه بر و زکار بماند .

### شیخ ابو حفص غورانی (رح)

بیر با هبت بوده و کرامات فراوان داشته مدفنش در قریه غوران است (بلوک گذره) .

### شیخ ابو بشر (گواشانی رح)

گویند که کبوتر بسخن او از کبوتر خانه فرود **۱** می آمد تا ریخ و فاش معلوم نیست و قبر وی در قریه گواشانیچه است .

### عبدالله کهین و عبدالله مهین [رح]

هر دوی ایشان از گواشانیچه بوده اند و هر دو از پیران حضرت خواجه عبدالله انصاری بوده اند و مدفن ایشان در قریه گواشانیچه است از بلوک گذره .

### شیخ احمد کهدستانی [رح]

از اصحاب ولایت بوده در قریه کهدستان

(۱) الحال آنرا بیر کبوتر خوانند .

مد فون است .

### شیخ ابوالحسن نجار قهندزی رح

از اکابر ابن طایفه بوده و قبرش الحال معلوم نیست

### خطیب کورت (رح)

بیران بسیار دیده و سید القوم بوده و خواجه  
عبدالله انصاری قدس سره بسیار به مهمانی ایشان تشریف  
میبرده و قبر وی در قریه کورت است .

### شیخ احمد کوفانی رح

از اهل کمال و حال بوده و مدفنش در قریه کوفان  
است (بلوک کذره) .

### پیر محمد کشور رح

از اکابر دین و مشایخ هرات بوده و شیخ الاسلام  
حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره بسیار وصف  
ایشان میفرموده اند .

### محمد شکرف رح

از پیران صاحب حال بوده اند اما تاریخ فوت و قبرش



معلوم نیست •

## ابوسعید مالانی (رح)

در علم حدیث استاد حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره بوده و حال عظیم داشته و امام نودی رحمه الله علیه در از بعین خود ذکر ایشان نموده و قبر ایشان در زیارت گاه است و فیض در مزار ایشان زیاده از آن است که وصف آن کرده شود و فائش در سال چهار صد و دوازده از هجرت است •

## شیخ ابوالحسن حنّاد (رح)

هر و بست و از سادات عظام و در ایشان مجرد بوده اما مدفن ایشان معلوم نیست

## شیخ ابومنصور سوخته [رح]

امام زاهد و متورع و از اهل فضل بوده و قبرش در خیابان است •

## شیخ بغطاء نوبادانی (رح)

شیخ عالم و کامل و از بزرگان سادات عظام

بوده و علم درویشی را نیک میدانسته و مدفنش در  
قریه نوبادان است .

### درویش محمد خیاط [رح]

حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره و صفه  
او را بسیار کرده و از اکابر بزرگان بوده و شمرده  
اند اما قبرش معلوم نیست .

### شیخ بغطاء جولاه (رح)

از اکابر مشایخ هرات بوده مدفنش بکورستان  
درب خوش است .

اما بعد ازین بذکر طبقه دیگر که تالی زطبقه حضرت  
خواجه عبدالله انصاری بوده اند قیام نمودند  
خواهد شد .

### شیخ ابو عبدالله عمیری (رح)

امام متعبد عالم فاضل زاهد عابد از اقران  
خویش بعلم و کمال ممتاز بوده و فائش در سال چهارصد  
و هشتاد و هفت از هجرت و مدفنش درب خوش است .



## شیخ عبدالهادی (رح)

دیگر نقطه دایره علم و حلم و آزادی شیخ  
 عبدالهادی خاف الصدق حضرت خواجه عبدالله  
 انصاری قدس سره است به علم ظاهر و باطن  
 آراسته بود با ورع و تقوی و زهد و فضل شهرت  
 تمام داشته و قتی که ملاحظه درهرات استیلاء یافته  
 بودند تفرقه بسیار باورسائیدند و در آخر در کهنه  
 [۱] او را شهید کردند و در آنجا مدفون ساختند بعد از  
 چند روز که آن فتنه تسکین یافته از قبرش برآورده به  
 کزرگه شریف بردند و در پیش روی پدر بزرگوار  
 او دفن نمودند و حالا قبرش ظاهر و هویداست .

## شیخ ابونصر خمچه آبادی (رح)

شیخ الاقطاب و مرشد السالکین شیخ ابونصر خمچه  
 آبادی رحمه الله علیه در اعداء علمای ربانی معبود  
 گشته و در علم ظاهر و باطن معمور اصلش از کرمان  
 بوده و ریاضات مالانهایه داشته و همواره مصاحبت  
 با حضرت خضر علیه السلام داشته و در سبب ترقی او

﴿۱﴾ یعنی کهنه تل .

آورده اند که شخصی روزی پیش از قنوی آورده  
 خشمون اینکه چه میفرمایند علمای اسلام در شان  
 جوانی که مبداء حال خراکاری میکرده روزی بر  
 درازگوشی خشم گرفته و چوبی چند بردراز گوش  
 زده آن حیوان باو در سخن آمده گفت این همه غضب  
 و تندی بر من مظلوم بی زبان را نده بگیر اندیشه  
 نمیکنی که اگر حضرت خداوند بزرگ بر تو خشم گیرد  
 هیچ توانی که از عهد آن بیدر و ن آئی پس آتش ندامت  
 در دل او افتاد و باس تعفان و توبه مشغول میباید شد  
 و مدتی بیست سال است که آب چشمش ایستاده نشده و  
 اکنون بیدر گشته و آب در دود دیده نمائده هر گاه  
 حال گذشته خود را یاد میکند و ستم که بر آن دهان بسته  
 نموده بخوابش می آید از هیبت حتمبجانه و تعالی  
 خون از دیده اش روان میگردد و چون در نماز  
 می ایستد بر روی و موی و مصلی او همه خون روان  
 میگردد و نماز و وضوی او چیست شیخ ابو نصر در حالیکه  
 این فتوی بخواند حال بروی بگشت برخواست و  
 روان شد گفت آن شخص کجا است گفتند در فلان  
 موضع است پس ویای برهنه میرفت امرت تمام بخا  
 تقاه او رسید گفتند در آئی که در نماز ایستاده



بود و همین ساعت قالب تپی ساخته شیخ ابو نصر  
 و رحمة الله عليه در آمد و درویش را دیده روی و  
 موی سفیدش بخون سرخ شده و جان داده نیک در  
 آن نظر کرده در روی شیخ خندید بعد از آن شیخ  
 ابو نصر به تجهیز و تکفین او قیام نمود و پس از آن  
 و اجد و حال بر شیخ ابو نصر غلبه نمود و سرد رکوه و بیابان نهاده  
 و دائماً میگردیست روزی شخصی با او رسید سوال کرد  
 که ای حیران چرا میگردی مگر آیت از کلام ملک علام بتو  
 رسید با آن کار نکرده و آن آیت خصم تو شده گریه  
 تو بگریه دل سوختگان نمی ماند بگریه دامن سوختگان  
 می ماند شیخ ابو نصر (رح) را این سخن در د بر در  
 فرود قصه او بجای رسید که او را با خلق آرامش نماند آب  
 و نان را ترک نموده و بمحاسبه خود مشغول شد و سر و پا  
 برهنه سیر میفرمود تا بیای درخت رسید و در سر چشمه  
 آن درخت منزل گرفت و آن درختی بود خسار دار  
 و بر هر خاری از اشک آن باری بسته بود و از آن  
 درخت خوشه ها بر منوالا نگور سرخ آویخته بود  
 پس از اشک آن درخت مقداری بلیسیدی هوش بوی باز  
 آمدی و به عبادت حق مشغول بودی از د های بزرگ  
 بیامد بر کرد آن درخت و بر کرد شیخ حلقه زد شیخ

ابو نصر مدت بیست سال در میان حلقه ما عبادت می  
 کرد و از میوه آن درخت تناول می نمود و از آن  
 چشمه وضو میساخت و عبادت میکرد به هیچ کاری  
 دیگر نمی پرداخت و از خلایق کسی بآنجا نمیرسید  
 بعد از مدت بیست سال جوانی در آن منزل ظاهر شد  
 و از آن چشمه وضو ساخت و دو رکعت نماز بگذارد  
 و گفت شیخاً امروز روز عرفه است توجه نمایی  
 و حج بکنند از شیخ ابو نصر فرمود حالا از حج و  
 عرفه دورم جوان گفت اینک کوی عرفات و در  
 نظر او عرفات را به نمود بآن جای رفت و بحاجیان  
 موافقت نمود بعد از آن که از قوف عرفات فارغ  
 شدند نه جوان را دید و نه چشمه پس مناسک را  
 با تمام رسانید و در تحت نودان خانه کعبه مقام  
 ساخت گاه گاه پشته هیزم میکشید و میفر وخت و روز  
 کار بآن میکذ را نید ده سال به آن دستر بگذرانید  
 بعد از آن حاجیان به مدینه منوره مشرفه بزیا رت  
 حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم میرفتند پیروی  
 باو گفت چرا موافقت با این جماعت نمیکنی که  
 بزیا رت حبیب خدا صلی الله علیه و سلم می روند  
 پس در صحبت آن جماعت بمدینه منوره رفت و در



مقابلهٔ روزی مقدسهٔ مطهرهٔ معطرهٔ حضرت رسول صلی  
الله علیه و سلم با یستاد و سلام نمود و جواب از قبر  
شریف آنحضرت صلی الله علیه و علی آله و اصحابه  
و سلم شنید که عليك السلام یا ابونصر ده سال دیگر  
در آنجا بمجاورت ، بگذرانید بعد از آن از روحانیت  
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم رخصت یافته  
به طرف شام و بیت المقدس روانه شد و ده سال  
دیگر در آن موضع مقدسهٔ مجورا شد آن گاه بمراق  
آمد و در کوه ها و صحرا ها با درویشان مصاحب بود  
و بخلوت بسر می برد و مدتی بیست سال باین طریق  
بگذشت آن گاه شبی حضرت رسالت پناه صلی الله  
علیه و سلم را در واقعهٔ دید که با و فرمود ای  
ابونصر در خراسان هرات روو مؤمنهٔ را بنکاح  
گیر که سه فرزند بتو حواله است و شیخ ابونصر  
یکصد و بیست سال عمر یافت و احوالات و مقامات  
و کرامات و بزرگی ایشان زیاده از آن است که  
درین مختصر گنجد و فائش در سال یا صد از هجرت  
و مدفنش در پهلوی حضرت سلطان میر عبداللّه الواحد  
شهید است و شرح مزارش از شرح مستغنی است  
و رحمة الله علیه .

## سلطان مجدالدین طابله (رح)

در طریق توکل و تجرید یک نه روز کار بوده و در  
 سلك اولیاء کمل معدود گشته و مقامات عجیبه و  
 حکایات غریبه از وی مرویست و امام فخرالدین  
 رازی بزیارت او بسیار میرفت اما تاریخ و فاش  
 معلوم نشده و مدفون ایشان در اندرون شهر هرات  
 در میان درب خوش و درب فیروز آباد و شیخ  
 محمد محمود که از محققان مشایخ است در پهلوی  
 قبر وی مدفون است و عمارتی بر سر قبر وی ساخته  
 اند و خاقان سعید که هر سال دو نوبت بزارات  
 هرات تردد مینمود بآنجا هم بزیارت آن بزرگوار  
 میرفت .

## شیخ ابوشجاع کرمانی [رح]

امام ربانی علاءالدوله والدین ابوشجاع کرمانی  
 اسم شریفشان محمد ابن مسعود است در هرات  
 بگریزی میگذرنیده تا وفات یافت در سنه پنج صد  
 و نود هجری وفات یافت مدفنش در مقبره درب  
 خوش و زیارت قبرش تریاق مجرب است .



## حضرت خواجه ترازودار (رح)

شیخ الفقراء زبدة المتوکلین قطب الحق و ولدین  
 ابویزیدالوزان المشهور به خواجه ترازودار از  
 جمله مشایخ هرات بوده و خود در از خلق پنهان میداشته  
 چون از جهان فانی نقل کرد او را در اندرون شهر  
 هرات در دوون دکان که در بازاری رفیر و زآباد داشت  
 دفن نمودند و آنجا را عمارت کرد لد مشهور است که  
 خواجه شبی در دکان خود در خواب رفته بود که  
 نیم شب ضعیفه او را طلب نمود و نعره زد و يك فلوس  
 داشت فصل زمستان بود بر فی عظیم شد بود خواجه  
 بیدار شد آن عاجزه گهبا این فلس را بستان و مرا  
 پنج چیز بد خواجه چراغ روشن کرده بخور اهن  
 آن مهمی که داشت بساخت ضعیفه بدعای خیرش یاد  
 نمود و گفت خدا یا دل او را منور گردان و در  
 د و جهانش عزیز گردان گویند چون خواجه وفات یافت در  
 خوابش دیدند پرسیدند که خدای تعالی با تو چه کرد  
 جواب فرمود که بدعای پیر زنی مرا بیا مرزید

بیت

همت از آنجا که نظرها کند ✽ خار مدارش که اثرها کند

مزار متبر کس اکثر احمر است و ایشان را برادری  
بود صاحب کمال کارهای بسیار کرده و حج های  
بسیارده گذارده و در جنب بازاری فیروز آباد در  
عیان مدرسه او را دفن کردند .

### امام فخرالدین رازی (رح)

امام الهام الداعی الی الله فخر الحق والملة والدین  
ابو عبد الله محمد بن عمر الرازی القرشی  
التمیمی البکری از فحول ائمه و علمای عصر خود بوده  
و از میان انصاف متبر که اش تصانیف بسیار  
از وی در جمیع علوم منقول و معقول در روی  
زمین انتشار دارد و در زمان سلطان غیاث الدین غوری  
در هر آن ترقی نموده و سلطان موصوف مسجد جامع هر آن  
را با اسم شافعیه بجهت امام مذکور بنا نموده هر روز جمعه  
آنجا به نصیحت مسلمانان مشغول میشده و کمالات ایشان فوق  
الحصر و البیان است ولادت ایشان در بیست و پنجم ماه  
رمضان سال پنجصد و چهل و چهار هجری و فاتهش در روزد و  
شنبه عید فطر سال ششصد و شش هجری و مشهور است که در  
حین وفات این رباعی را الشاء فرموده اند !



# رباعی

هرگز دلمن ز علم محرم نشد \* کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد  
هفتاد و دو علم درس خواندم شب و روز \* معلوم شد که هیچ معلوم نشد  
مد قش در خید بان هر ات معرف و مشهور و بقبوضات ربانی  
مشرف و معمور است \*

## سلطان میر غیاث الدین (رح)

سلطان غازی عادل متمکن بر مسند عدل و صدق و یقین  
سلطان غیاث الدین از کمال سلاطین ایام و افضل ولات بوده  
و کمال عدالت پروری و مسالمانی او شهرت تمام دارد و پیوسته  
بقریب علمای تقویت صاحب و فضلا و اشعیت شرع محمدی  
صالی الله علیه و سلم اشتغال میفرمود و در تمهید قواعد جهاد  
با کفار و قابع و قدم اشرا را به اتمه تمام مینمود و مذمب شافعی  
داشت و از آثار خیر او بنای مسجد جامع هر ات است که از  
غنیمت حلال باساس تقوی موسس و صفای آن از خلوص عقیده  
بنانی خبر میدهد و همواره معبد او ایما و اتقیا بوده و است  
و مشهور است که چهار جمعه بکنوبت حضرت خضر علیه السلام  
آنجا به نماز حاضر میشود و هرگز از اهل غیب خالی نیست  
و بسی سا لك جلد میباشد که شب تنها در آنجا قیام نماید و در

طرف جنوبی مسجد بزرگوار بصف اول دور کعبه نماز گذاردن  
 و مراد خواستن اثری تمام دارد (۱) و در شمال مسجد متصل  
 مدرسه غیاثیه خاتماهی است که اکثر مشایخ در آن موضع  
 متبرک بخلوات و اربعینات بسر برده اند و بسیار پی از  
 اهل دل درین موضع متبرک به مقاصد کلبه فایز آمدند  
 اند و در میان گنبدی که در صفه شمالی است  
 مدفون گشته و بعضی از ملوک کربت نیز در آن گنبد  
 مدفونند و در طرف غربی گنبد مذکور مدبر سه معمور  
 گشته آنهم از آثار و بنای اوست و این مسجد شریف  
 از عجایب است مسجدهاست ، چنانچه و ساعت آن شانزده  
 جریب است چهار صد و شصت گنبد دارد و صدوسی  
 و شش رواق و چهار صد و چهل و چهار پیل پایه و شش  
 دروازه اما در تاریخ نهصد و چهار هجری در وقت  
 سلطان حسین میرزا دارای صیانت تدبیر و زیرامیر  
 علی شیر تجدید و ترمیم مسجد را به طرز جدید نمودند  
 چنانچه کاشین کاری و میزانه و اطراف مسجد شریف  
 بسنگ مرمر آباد نمودند و تاریخ آباد شدن مسجد  
 مذکور این دور با عی است .

\* (۱) از اینجا تا آخر الحاقینت \*



## قطعه تاریخ

مقصود و طاق مسجد شهر \* گردیده خراب بود از دیر  
 شد امر ز غیب گشت تاریخ \* و فوق لبنا سه علی شیر  
 وله ایضاً ۹۰۴

ز تعمیر این بقعه جان یافت فیض \* که مانند خلد است ماوای فیض  
 چه از فیض اتمام شد بهره مند \* خرد یافت تاریخ ان جای فیض  
 و در سال هزار و چهل و پنج هجری در عهد شاه  
 اسماعیل صفوی باز دو مرتبه خراب گردیده بود تا  
 در سال هزار و دو صد و پنجاه و سه هجری ایوان سمت  
 شمالی مسجد را و زیر بار محمد خان درانی آباد  
 نمود و در ابتدا ای ساطنت پادشاه اسلام ضیاء الملة  
 و الدین امیر عبد الرحمن خان مرحوم ایوان قبله  
 که خراب شده بود آباد شد و در سال هزار و سه  
 صد و بیست و پنج هجری پادشاه مسلمین اعلی حضرت سراج الملة  
 و الدین امیر حبیب الله خان خلد الله ملکه به طریق  
 دوره تشریف فرمای دارالنصرت هرات شدند چون  
 مسجد متبرک را از آثار قدیمه دیدند و بمرو را پیام  
 روی با نهادام نهاده بود امر و ارشاد فرمودند که  
 مبلغ دولک روپیه از عین اموال خود شهر یاری

آبادی مسجد شریف بشود ، و صداقت نشان شاه قاسمی  
دوست محمد خان را که از نظامی ملک بود آن را  
مقرر این خدمت نمودند همان بود که به مدت پنج  
سال به طرز قدیم آباد شد !

### رباعی

خدا یا تو این شاه درویش دوست \* که آسایش خلق در ظل اوست  
بقویق طاعت دلت زنده دار \* بسی بر سر خلق پاینده دار  
و از جمله عجایب است که در این مسجد شریف است دیگری  
است که نهایت بزرگ جنس آن از هفت جوش است  
بجهت شربت دادن در ایام متبر که ساخته شده  
است و بسیار منقش و در زمان ملوک کررت قلندر  
نام قفای از عین المال خود آن را وقف نموده  
است و این دو بیت در مدح پادشاه وقت در آنجا  
مسطور است !

### رباعی

هزار سال جلالی بقای ملکش باد \* شهو را همه اردی بهشت و فروردین  
سال هفتاد و هفتادوش از هجرت \* که آنفشند حوادث نمود صورت این



## شیخ محمود بن محمد سرمقی [رح]

شیخ الاصفیا کمال الملة والدین محمود بن محمد سرمقی  
 و حمة الله علیه اصل ایشان از سرمق فارس بود که  
 قصبه مشهور و معروف است و تمام آن قصبه وقف حرمین  
 شریفین است و در زمره جوان مردان مشایخ هرات  
 معدود گذشته اند و در زهد و تقوی یدی طولی داشت  
 و در قریه که بخواجه سرمه مشهور است مدفون  
 شده قبرش معروف و هویدا است و سلاطین ما ضیه بر  
 سر تربت آن عمارت عالی بنا نموده اند و حال آباد  
 است و خانقاهی و موقوفاتی دارد هر چند که معاملات  
 او قاف درین ایام مشتق از توقف می باشد اما امید  
 است که بمیامن حضرت خلافت پناه غلات او قاف بمصارف  
 استحقاق برسد و در ارضی آمال تخم اقبال  
 کاشته شود .

## شیخ سیف الدین ترک (رح)

شیخ ابدال و از ابناء ملوک بوده مجذوب گشته و نظر  
 از شیخ قطب الدین حیدر زاده یافته و خواریق عادات  
 از او بسیا ر ظاهر شده چنانچه اهالی هرات به

یکبار که معتمد آن بوده هر چند کسوت ملا متیان  
 اختیار کرده اما بواسطه جذب به او را معذور  
 میداشتند ابتدا در خیابان هرات قریب مزار خواجه  
 علمدار بسر می برد و از بسیاری تردد اهل هرات  
 به تنگ آمد و آخر به کازرکاه شریف نقل کرده و  
 آنجا به عبادت مشغول شده چون وقتش رسید برخو است  
 و بخواستن آب در آمد و غسل بجا آورد و بمنزل خود  
 رفت و بنشست و کلمه شهادت گفت و جان روان تسلیم  
 نمود و مریدان پیش آن صفا را بسته اند و میگویند  
 همچنان نشسته است .

### درویش داد بابو (رح)

درویش عارف و سالک اصلش از مصر بوده و چرم  
 گری میکرد و گویند روزی شیخ یوست هاراد ر  
 تغار نهاده بود روزی دیگر چون برخواست آن  
 یوست هم را بیدار استه و چرم شده یافت از آن سبب او  
 را حالی پیش آمد و توبه کرده و متوجه راه حق شده  
 و در زمان سلطان غیاث الدین غوری به هرات آمد  
 و سلطان مشارالیه به صحبت او تقریب میجست و از احوال  
 سفر خود عجبائیب و غرائب بسیار دید و بود بیان میکرد



و سلطان میفرمود که با بودا د سفر داری از آن جهت  
ایشان را داد با بو میگفتند نام اصلی ایشان درویش  
حاجی محمد است تا ریخ و فائش محقق نشده اما  
مدفنش در بیرون در ب قطبی چاق است مقابل خانقاه  
زبدده آغا متصل بر اهی که بمصرخ میروند .

### حضرت میر حسین بنی قدس سره

قطب ربانی و محقق صمدانی سید الکبیر حسین بن  
عالم بن ابی الحسن المشهور به سید حسینی العلوی عالم  
و عارف و محقق و مؤجد بودا دلش از نوحی (۱)  
غور بوده و از مریدان شیخ رکن الدین ابوالفتح  
یوده و او از مریدان پدر خود شیخ صدر الدین  
بوده و او از مریدان شیخ زکریاء ملتانی است  
مشایخ بسیار دیده و خدمت ها کرده و مصنفات میر  
حسینی معروف و مشهور است و معرف حال اوست مثل  
نزهة الارواح و طرب المجالس و صراط المستقیم و  
کنج نامه و زاد المسافرین و کنز الر موزود یگر

(۱) در غور قریه ایست که آن را گریوه نامند که  
آنجا مولد و مسکن شان بوده است و تا حال آثار  
شان در آن قریه موجود و معرفت کما هو الظاهر .

در ساله ها (مصراع) سخنان خود معرف هنر است  
وفاتش در سال هفتصد و هجده هجری و تاریخ  
وفات ایشان درین دو بیت مذکور شده است .

بیت

ده و شیش ازمه شوال هفتصد و هجده \* نمود واقعه افتخار آل محمد  
روان سید سادات عصر میر حسینی \* شد از سراچه دنیا بدار ملک مخلصه  
و قبرش در مصرخ هر ات در خطیره حضرت سید عبدالله  
بن حضرت معاویه بن حضرت عبدالله بن حضرت جعفر  
الطیار است رضی الله عنهم و فیض از مرقدش مبارک

بیت

هر کس که ز ملک آشنا بُست \* داند که متاع ما کجا بُست

### مولانا عبد الرحیم [رح]

المشهور به پیر تسلیم امام عصر و مجتهد دهر نظام  
الحق و والدین مولانا عبد الرحیم الخواصر فی المؤمنین  
تأبای دی از ائمه دین و اجله اهل یقین و از اقران  
شیخ علاء الدوله سمنانی و شیخ قطب الدین جامی  
و شیخ محمد خلوتی خوارزمی و شیخ قوام الدین  
بسطامی و استادان مولانا محمود زاهد مرغابی  
و مولانا ابوبکر تأبای دی بوده و اصلش از براباد



خو اف است اما در هر ا ت بر می برد و مشارالیه  
 و معتمد فیه زمان خود بوده و سخنان او نزد حکام  
 کال نص ا لقا طع بوده و معامله اذعان و تسلیم او منور  
 و روشن است و قصه شهادت آن بواسطه مخالفت غوریان  
 شهرتی دارد ا لقصه خود را فدای اهالی شهر ساخته  
 و با این ظابط عمل نمود که شهر قلیل از برای جلب  
 کثیر داخل خیر کنی است و زیارت مرقد شریفش در  
 حصول مطالب به تجربه رسیده است و قبرش در خیابان  
 مشهور و معروف و شهادت ایشان در سال هفتصد و  
 سی و هشت هجری است .

### مولانا ظهیر الدین غوری (رح)

مولانا شیخ الاسلام سعید فرید دهر و وحید عصر مولانا  
 ظهیر الدین محمد بن احمد غوری بسیدار بزرگ و صاحب  
 کمال و مستحق تعظیم و اجلال بوده و در ولایت غور  
 متولد شده اند و بعد از واقعه هلاکو در هر ا ت آمده  
 ملجا اکابر گشت هفت نوبت حج گذارد و از ا قران  
 پیر تسلیم بوده و اکثر حفاظ خراسان کلام الله را  
 از او اخذ کرده اند و سلسله نسبش به خلیفه حضرت  
 رسول الله صلی علی علیه و سلم حضرت ابو بکر الصدیق

رضی الله تعالی عنه متهمی میشود و فاش در سال  
هفصد و سی سه هجری مدفنش در پهلوی پیر تسلیم در خیابان  
است .

### شیخ ابونصر جامی (رح)

قطب الحق و الدین ابونصر یحیی جامی بن ابوالفضل  
جامی قدس سره اصلش از جام و لادیش در نیشابور  
بوده و نشو و نما در هر ات یافته و از اکابر علمای و  
مشایخ خراسان بوده و حدیث شریف پیش پدر خود  
خوانده و با شیخ علاءالدوله شمنانی رحمة الله علیه و  
شیخ صفی الدین اردبیلی و مولانا اعظم مجدد الدین  
اسماعیل وقاضی القضاة فارس صحبت داشته و هفت  
مرتبه حج گذارده و بخدمت مشایخ حجاز رسید  
و فاش شب پنجمین به بیست و یکم جمادی الاخر سال  
هفصد و چهل و یک هجری و مدفنش در پیر و ندر پیر و ز  
آباد در خاتقاه که ملک معز الدین ابوالخیر محمد  
کرت بجهة ایشان بنا فرموده و جد و حال و فضل و  
کمال او متجا و زالحصر و الیین است .



## شیخ قوام الدین بسطامی قدس سره

شیخ الاسلام عالم ربانی و ینبوع مکرمت و نیکنما می  
 شیخ قوام الملة والدین بسطامی از ائمه دین و اجله  
 اهل یقین و حنفی مذهب بود و از اقران شیخ علاو  
 الدوله سمنانی و شیخ قطب الدین جامی و اکفاء ایشان  
 بوده خرقه ازدست پدر خود شیخ جمال الدین  
 عبدالمجید یوشیده و علو مرتبه او را خواص و عوام  
 اعتبار میکردند و سلسله خرقه ایشان به سلطان بایزید  
 بسطامی منتهی میشد و بفضل کرامات و مقامات مقامی  
 دارد و بسیاری از اکابر دین فیض از دامن او خواسته  
 اند و در سال هفتصد و چهل و سه هجری در هرات  
 وفات نموده و بموجب وصیتش در خیابان درخظیر  
 امام نخر الدین رازی رحمة الله علیه ایشان را  
 دفن نمودند .

## مولانا محمود مرغابی [رح]

قطب الا و ابناء والا و آاده مولانا محمود زاهد  
 مرغابی جلال الملة والدین از اکابر عصر و یگانه دهر  
 و عالم به علوم ظاهره و باطنه و حنفی مذهب و از اصحاب

مولانا نظام الدین پیر تسلیم بوده و کرامات فراوان  
 از ان منقول است میگویند که هر سال وقت محسوسال کشت  
 پنج خر و ارآرد در خمها می ریخت و تا آخر سال  
 از ان خرج میکرد گاهی آرد بمردم صد من دادی هرگز  
 از ان خمها کم نگشتی و فائش در سال هفتصد و هشت هجری  
 مدفون ایشان در قریه مرغاب هرات معروف و مشهور  
 است ؛ و خاقان سعید هر سال دو نوبت بز یارت ایشان  
 میرفت ، رحمة الله علیه .

## قاضی جلال الدین محمود [رح]

ملك القضاة والحكام مناهيچ الجلال و الحرام نقطة  
 دائرة شريعت و مدار مرکز حقيقت الواصل الى جوار  
 رحمة الملك الودود قاضي جلال الدين محمود الاماني  
 قاضي القضاة هرات ، از متعینان اکابر قبة الاسلام هرات  
 وملجأ سلاطين واز اولاد سرور ارباب تحقيق اميرالمومنين  
 سيدنا حضرت ابى بكر الصديق رضى الله عنه ومقدم ارباب  
 عمائم واهالي مملکت خراسان بوده يبو سته ملوك و حكام  
 به صحبت شريفش ميرفتند و در جزئيات و كلييات او  
 را ؛ مشارالیه و مدارالیه ميدانستند و درمكاتب  
 كه بفرمان ملك معز الدين بايشان ميفرستادند ملك



مشارا لیده بخط خود بر حاشیه مکتوب ثبت مبقر مود  
 که بندۀ مخلص دو لتخواه حسین کورت و امثال این  
 تعظیمات واقع میشد ، و تقوی و زهد و ورع با قصی الغایت  
 داشت ؛ و خاقان صاحب قرآن پیش ، از زمان  
 ظهور جهان گیری با او ملاقات کرده بود و بسپار  
 معتقد او گشته و فاش در سال هفتصد و هشتاد هجری  
 مدفنش در خطیر ء حضرت خواجه عبد الله انصاری  
 قدس سره در مقبرة القضاة است .

## شیخ سیف الدین خلوتی [رح]

شیخ کامل صمدانی در علم حقیقت و ورع و زهد و  
 تقوی ، و علوم ظاهری و باطن صاحب کمال بوده  
 مولدش در هرات و در خوازم نشو و نما یافته و در  
 هرات اقامت فرموده و از دست شیخ عالم شیخ  
 محمود خلوتی خرقة پوشیده و کرامات عجیبه و احوالات  
 غریبه از وی منقول است و در سال هفتصد و هشتاد  
 و پنج هجری وفات نمود و در مزار خلوتیان قریب  
 یل کازر گاه مدفون است .

## شیخ ظهیر الدین خلوتی [رح]

کشف الظالمین شیخ ظهیر الدین خلوتی در علم قرائت  
 فرید عصر خود بوده و جناب ولایت مآب مولانا زین  
 الدین ابوبکر تائبی در شان او فرموده که در  
 زیر طاس فلک مثل ظهیر الدین خلوتی نمیدانم و مولانا  
 شرف الدین عثمان زیار تگابهی فن قرائت را از او اخذ  
 کرده و مدتی مدید ملازمت شیخ سیف الدین خلوتی به  
 تقدیم رسانیده و در سال هشتصد از دنیا رحلت کرده  
 و در مزار خلوتیان او را مدفون ساختند و در این مزار  
 بسیاری از عزیزان و اولیاء و ارباب کشف و تفسیر مدفونند  
 هر که اندک قابلیت داشته باشد در آن منزل بتوجه تمام  
 درآید و همت از تعلق باغیار منقطع سازد فیوضات متابعه  
 باو واصل شود .

## اخى محمد و اخى محمود (رح)

پیران صاحب وقت و مجد و بان عالی وجد و از مفردان  
 و مجردان بابا سنگوی ابدال بوده اند هر کس که بزیارت  
 ایشان میرفت مافی الضمیر او را میگفتند تا رینج  
 وفات ایشان بتحقیق نیبو سته اما اخى محمد در خیابان



در پهلوی مدرسه فرمان شیخ است و مدفن اخی  
محمود در کوه مختار است .

### پیر لقمه (رح)

از هند وستان آمده در هرات مقیم شده و سبب  
لقمه که لقب آن شده بود این است که هر که را دیدی  
گفتی لقمه ما کو و هر چه با او میدادند از حبوبات  
و نمک و صابون و کلوخ و غیره در یکدیگر انداختی  
و طعام ساختی و با نفس خود این نوع خطاب فرمودی  
که ای نفسک این است رزق تو اگر خواهی بخور و اگر  
خواهی بگذار منقول است که جمعی از تجاران گفتند که  
ما بسفر در ریار فته بودیم و در میان بحر کشتی ما  
بغر قاب افتاده مضطرب احوال شدیم ناگهان پیر  
لقمه را دیدیم که بر روی آب پیدا شد و کشتی ما را از  
هلاکت گذرانید تا ریخ وفات او معلوم نشده و قبرش  
در خیابان است .

### درویش مسافر (رح)

پیر کامل عارف و مرد با شکوه و صاحب حال بود  
و مدت چهل سال به هر نماز غسل بجای می آورد و

در خیابان در خطیره سعد که از اسباط حضرت  
حمزه (رض) بن عبدالمطلب است محاذی مد رسه گوهر شاد  
بیگم بنت امیر غیاث الدین مدفون است .

## سید اشرف

بن سید مبارک شاه [رح]

امام ربانی بی مثل و اشتباه سید برهان  
الملک والدین اشرف بن مبارک شاه از فقها و فضلاء عصر  
خود بود و بمذهب حضرت امام اعظم ابوحنیفه  
کوفی رحمة الله علیه عمل میکرد و استقاده علوم از  
مولانا شمس الدین محمد کت و علامه زوزنی و  
مولانا رکن الدین شارح لباب و مولانا فتخار  
الدین نسفی و اقران ایشان کرده و مدت هشتاد سال  
در هر ات فتوی نوشت و در سال هشتصد و سه وفات  
نموده قبرش در خیابان است .

## مولانا حسام الدین العبدی [رح]

امام العصر والزمان الواصل الی جوار الفضل  
الاحدی مولانا حسام الدین العبدی رحمة الله علیه  
بسیار بزرگ و عالم و محدث بوده و از مولانا



سید الفاضل بن احمد الا بهری و مولانا شمس الدین کرمانی  
 اخذ علوم نمود و فاتش در غره ماه شعبان سال  
 هشتصد و هفت هجری بود و مدفنش در اندرون گنبد  
 سیدالسادات شاهزاده عبدالله رضی الله عنه است :  
 (منقول است که بعد از وفات او را بخوابدند گفتند  
 که خدای تعالی با تو چه کرد که در آنجا که دو از ده  
 هزار نفر را از ساکنان عالم غیب ملازم من ساخت  
 تا بخوابند حدیث نبوی صلی الله علیه و سلم قیام مینمایند  
 این بود ذکر جماعتی از اعیان که از ابتدای فتح  
 اسلام تا سال هشتصد و هفت هجری در هرات مدفون گشته  
 اند و تواریخ و اسمی ایشان نوشته شد و الا فضایل و  
 کمالات و کرامات این جماعه مذکور در مجلدات  
 نگنجد و درین غرض تعیین مراقد و نام و نشان ایشان  
 است امل و اتق و رجاء صادق که برکات هم علیه این  
 بزرگان احظه فاحظه بروز کار زائرین و اصل  
 و متواصل گردد .

## باب دوم

در ذکر جماعتی که در اندرون قبه الاسلام هرات  
 با اسم و لقب شهرت دارند و همواره حاجتمندان و سالکان

بز یارت ایشان توسل میجویند و بمساعدت صدق خود  
 یمرادات و بمقاصد خود میرسند لیکن - از نسخه معتمد  
 احوال این بز رگان من کور شده فاما مقرر است  
 (ع) (جنبش کرد از سوار بود) تا عود در مجمر نباشد  
 بوی بمشام طالبان نرسد اول بذکر اولیاء الله که در شهر  
 مدفونند قیام نموده خوراقد شد و بعد از ان سامی طائفه  
 که در ظاهر قبه الاسلام هر ات و توابع آن آسوده  
 اند بقلم می آید .

### شاهزاده فرخ بن خاقان [رح]

از اعوان ابو مسلم مروزی است و از متعینان وقت خود  
 بوده و شهید شده و یدوسته اهل مملکت بز یارت او توسل  
 میجویند و بمقصد می رسند و مدفون قریب دروازه  
 خوش متصل با ره است .

### خواجه عبدالله مصری [رح]

از متعینان اولیاء الله و اکابر اقیابا بوده و در هرات  
 او را هلاک شهید کرده و زیارت مزار او عظیم متاثر  
 است مدفون در غاری که متصل برج قولغ است و حاله  
 همان محله را بنام مبارک ایشان یاد میکنند .



## خواجه مخفی [رح]

قطب از مان و غوث العصر و الاوان در زمانه حضرت  
خواجه عبد الله انصاری قدس سره بوده و کسی از  
حال و کمال او و قوف نداشته و مدفنش در باره  
درب قطب چاق قریب برج گوشه شهر و آنجا محل غیبیان  
و آستانه مراد است .

## مسجد چهارشنبه

قریب برج خواجه عبدالله مصری رحمه الله علیه مسجدی  
است متبرک و مشهور است که در گوشه آن مسجد از طرف  
جنوب خانه ایست که جمعی از اولیاء الله در آنجا  
مقبورند و آن خانه کسی نمیرود و بغایت مهیب جای  
است در روز چهارشنبه اهالی هرات بزبانت آن  
جا میروند و آستانه مراد است .

## مسجد کنبد خواجه نور

در نواحی آن چشمه ایست و مسجدیست آنرا مسجد خواجه  
نور مینامند و بر پهلوی آن مزاریست مشهور بخواجه  
تورد و روز چهارشنبه دور کت نماز حاجت در آن

مسجد گذار دن و مراد طلبدن و بمقصود رسیدن از ماجر با تست  
 و میگویند که از بنای آن موضع الی یومنا هذا چهار  
 هزار سال میشو دو الله اعلم و بیوسته در هر قرن  
 از قرون ماضیه معبد مردم بود شیخ الاسلام و المسلمین  
 شیخ زین الدین البخوار فی قدس سره بسیار به مسجد  
 مذکور میرفته وی فرمودند که درین موضع بشرایع  
 مختلفه و ادا بان متلوعه طاعات و عبادات به تقدیم  
 و سائیده اند و درین موضع فیض و حضور تمام بخوار  
 عوام حاصل میگردد و در بعضی اساس گنبد مذکور  
 چله خانه ها ساخته اند و آن خلوت خانه ها منزلی  
 بس مهیب است و قلها در آن موضع بسر بردن کار هر کس  
 نیست و فی الواقع بسیاری از حاجتمندان در آن  
 موضع بمراد و بمقصد رسیدند و اندک هر مستمندی سه  
 چهارشنبه چاشت در آن موضع دو رکعت نماز  
 حاجت بگذارد البته کامر واکر دد .

## خواجه امانت دار [رح]

در محله میران مشهور است قریب دروازه فیروز  
 آباد قدوة المشایخ هرات بوده و استمداد از  
 همت ایشان اثری تمام دارد .



### خواجه مراد بخش [رح]

در محله قالین بافان قریب در ب عراق است هر که  
بصدق نیت توجه نماید البته مرادش حاصل شود و  
این معنی از مجرب است .

### خواجه چهارشنبه [رح]

در محله سلانی قریب برج شمعی و از اکابر دین است  
و روح مؤثر گرم دارد و اکثر مردم شب چهارشنبه در آن  
هزار میروند بسیار با فیض است .

### پیر غازانی [رح]

در محله غازان قریب در ب عراق از عزیزان و  
بزرگان بوده و طالبان بمیان همت آن پیر  
صاحب کمال بمقاصد خویش میرسند .

### خواجه ابوالقاسم [رح]

( آبکینه کر )

در بازار خوش قریب دروازه امام  
وقت و اکابر عصر خود بوده و در زمان ابو مسلم  
هر روزی شهرت داشته و با مداد و اعانت او

فیض بر اثران میرسد .

## مزار چهل دختران [رح]

در محله کلاگران متصل بفصل شهر خلائق مملکت  
در آنجا میروند و فیض مییابند .

## مزار شهیدا [رح]

در رکن شرقی مسجد جامع شریف قریب باب خضرکه  
مشهور و معروف است .

## آجد و باجه [رح]

قریب درب فیروزآباد دو مزار است بیکدیگر  
متصل باجه و باجه مشهور است و بس بزرگ است و  
ماجا نیا ز مندان است .

## بی بی نور (رح)

در محله شمعان قریب درب عراق و مسجدی در جوار  
مزار عابده زاهده بی بی نور است و گویند که  
یل مالان بنا کرده اوست روح بغایت گرم دارد  
عز زیارت مزار او از مجربانست .



## شیخ محمد مکی [قدس سره]

در اندرون درب قطب چاق از اولیاء الله ربانی  
بوده و مکرر انوار از قبر او تابفته و هر کس آنجا  
مراد یافته .

## مسجد شهدا

بر شمال خانه اسدان است در دیوار آن مسجد  
گویند شهدا مدفون و خلائق هر اوقات آنجا توسل  
میجویند و فیض بسیار میباید .

## خواجه مظفر شهید [رح]

در طرف جنوبی مسجد جامع هر اوقات خانه خرابه  
ایست در آنخانه دو قبر است یکی از آن دو قبر  
خواجه مظفر شهید است و زیارت او تریاق آزموده  
است .

## حسار طفلکان

بعضی از اطفال آنجا مدفونند در محله که با ایشان  
شهرت دارد در میان درب فیروز آباد و درب خوش

زیارت ایشان مجرب است در حصول مرادات  
و مهمات .

## خواجه خاموش [رح]

از قدماء مشایخ است و روح پر فیض دارد و مدفنش  
در جوار محله طفلکان است .

## مزار سادات

گنبدی است قریب بمحله طفلکان و سه قبر در آنجا  
موجود است که از کبار مشایخ و سادات بوده اند مشهور  
است که شب جمعه در آن موضع مکرر رانوارنژا ایدر آن  
میرسد اما تا ریخ و وفات آن ها معلوم نشده .  
اما بدانکه جمعی که در ظاهرا بلوکات هرات قریب  
شهر دریرده اند بعضی از آنها که اسامی شریف  
ایشان در طبقات حضرت خواجه عبدالله انصاری  
قدس سره بنظر رسیده . و از اقران حضرت خواجه  
عبدالله انصاری بوده اند بعد از ذکر خواجه عبدالله  
انصاری علی سبیل اختصار مذکور شد اول ایشان



## حواجه کاتب [رح]

نزد اهل هرات چنان شهرت دارد که کاتب وحی  
 آسمانی بوده اما در کتب احادیث محدثین او را از  
 جمله کاتبان وحی نهمده اند شاید که از کاتبان خلفای  
 را شدین رضی الله تعالی عنهم باشد و روحی بغایت  
 گرم دارد و ارباب کشف و ریاضت در مزار او بسیار  
 فیض برده اند و مدفنش در محله شتر بانان و باغ زبیده  
 واقع شده و گنبدی بر سر تربت آن بنا کرده اند  
 و خاقان سعید هر سال مکرر بزیارت مزار ایشان  
 میرفته ، مقول است که محلی که حلاقبر اوست آتشکده  
 کبران بوده چون ایشان به هرات آمدند آنجا مقیم شدند  
 و خلاق را با سلام و متابعت دین محمدی صلی الله  
 علیه و سلم دعوت میفرمودند بمیان جد و جهدا ایشان  
 دین رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در هرات  
 رونق تمام یافت و بسیاری از اهل صدق دیده  
 اند که شب جمعه از قبر ایشان نور تابنده است .

## حواجه کله [رح]

سبب لقب کله آنکه هر آن مرادی دانستی دو کله

گو سفندند را ایشان کردی و بد رویشان آنجا  
 میدادی بمراد خود میر سیدی مرقد ایشان در  
 بیرون در ب ملک محاذی گوشه مرات و گنبدی  
 و صغه و حوض آب در محاذی قبر ایشان ساخته  
 اند و حالا خراب شده است و هموار و ارباب  
 حاجت بآنجا تردد میدنمایند و پیوسته جمعی از درویشان  
 ملازم ایشان بودند.

### خواججه یافته [رح]

قریب حمام سلیمان شام در اندرون دیواری  
 که متصل بکوچه باغ زانغان است مرقد یکی از درویشان  
 واقع شده که بنخواججه یافته شهرت دارد در مقابل  
 آن مسجدی ساخته اند و خلایق در آنجا میروند.

### خواججه چهل کزی [رح]

در خلف باغ زانغان مزارعی و صغه قدیمی است  
 و قبر طویل و روحی بغایت گرم دارد و شرف الدین  
 قصاب آن صغه را ساخته است و یسرش در پهلوی  
 آن صغه لفکری مختصر منعقد گردانیده و بر جنب آن  
 حوض آب ساخته اند و آن محل را بنخواججه چهل



کزی میخوانند و از مزارات مشهور است ع (بپهوده  
سخن بد بن درازی نبود) .

### خواجه سبزه پوش [رح]

در محله کج کجی است شیخ الاسلام و المسلمین کشف السالکین  
شیخ جمال والعلامة والد بن ابو اسحاق المر سدی  
روح الله روحه میفرموده که از روح حضرت خواجه  
سبزه پوش قبض فرادان میرسد و زیارت مزار آن  
از مجربیات است .

### خواجه مروارید [رح]

بر کنار خندق در بئراق در خلف عمارت  
مجدد که اکنون نواب کامگار میسازد از قدماء  
مشایخ مزارت بوده و شهرت تمام دارد .

### خواجه مراد بخش [رح]

قریب آنچه باغ زبید مدفنش بر کنار راه واقع  
است و حاجت مند از زیارت او را آزموده اند .

## سید محمد مغربی [رح]

در گورستان غریبان بر شرقی باغ زبیده واقع  
شده از مشایخ بزرگوار و از مشاهیر مزارات  
هرات است و فیوضات بسیار دارد .

## خاک صندوقی

بر سر کوه چه که بمحله باغ نو میروند میان درب  
عراق و درب فیروزآب دو آن محل را بآن  
مینخوانند از مزارات مشهور است .

## کوی شهیدا

بر شمال حضرت امام عبدالله الواحد شهید است و شهرت  
یافته که حضرت امام عبدالله الواحد شهید را آنجا  
بشهادت رسانده اند و الله اعلم و حالا هموار شده .

## مسجد پنجه

در مقبره خوانچه آباد در شرقی امام عبدالله الواحد  
بن ابو مسلم مسجد است که آن مسجد پنجه میگویند و  
همواره محل غیبیان بوده و شب هاتنها در آن جا



بسر بردن کار هر کس نیست و بسیناری از درویشان  
و اولیاء الله در آن خلوت گذرانید . اند و منزلی  
بغایت سهمنه است و حالا خراب شده است .

### حواجه مراد بخش [رح]

در نواحی خواجه آباد در آنجا د و قبر است  
تنها در آن جای بسر بردن کار هر کس نیست بخواجه  
مراد بخش مشهور است و بعضی سلطان پیر حاجات  
میکویند .

### شاه ابو القیس

از بزرگان دین بود . مدفنش در جانب جنوب  
در ب خوش در بلندی واقع شده و مسجدی در  
مزدیکی مزار او بنا کرده اند و پیوسته درویشان  
کامل آنجا بسر بوده اند و حضرت قطب الاقطاب شیخ  
زین الدین خوافی قدس سره مکرر آنجا شبها بسر  
برده اند و مریدان خاص خود را پیوسته بزیارت  
ایشان تخریص میفرمود .

### پیر غیبی

مشهور سلطان شاه زند در بالای بلندی در طرف  
شرقی حضرت خواجه عبدالله طاقی قدس سره واقع  
شده و لوح قبرش متصل بر اصل دیوار ظاهر و هویدا  
است و زیارت آن از مجرباتست .

### پیر فخرتانی

از جمله ملامتیان بوده و مدفنش در بیرون درب  
خوش بمیان بازار چه متصل بر او در دست چپ وقت  
که از شهر بیرون آیند از عزیزان بوده و خواری  
عادات از ایشان بسیار منقول است .

### مرآرد حتران

در بیرون شهر قریب درب خوش نزدیک کاروان  
سرای در خانه تنگی چند دختران متصل یکدیگر  
آسوده اند گویند که جمعی از دختران صالحات  
بودند و از خوف اشرار بخوانه رفته و در آنجا  
نایدید شدند و بیک روایت بطریق دیگر نقل شده علی  
تخلاف الاقوال فیض و برکت بسیار در او و بوی



صلاح و تقوی از قبو را ایشان بمشام جان طابان  
و فواید بسیار بزائران میرسد .

### محمد ماه روی

از اعز و اهل دل بود و اندک مدتی در بیرون  
درب خوش در کنار خندق از آن راه که به گزر  
گاه میروند از میان باغ سفید اهل هرات بازگشت  
قمام بآن مزار دارند .

### خواجه روشنائی

در نواحی باغ سفید مسجدی و لنگری آنجا ساخته  
اند و شهرت تمام دارند و بسیار حاجتمندان بزیارت  
آن مرقد میروند و بمراد و مقصد میرسند .

### بابا قبزه جزدوب

در بیرون درب خوش آنجا که سقایان آب  
بر میدارند از مشاهیر مجانبین بوده و خوارق عادت  
از ایشان بسیار صادر میشده .

## مولانا حاجی ابدال

از مجذوبان و بدلاء وقت بوده و هر چه بر زبان  
او گذشته همان شدی مدفنش در بیرون درب خوش  
مشهور و معروف .

## شیخ منصور

از اکابر علما و افاضل قدما بوده فضل و کمال  
او بدرجه علیار سیده مدفنش در گوشه میدان سعادت  
متصل بباغ اخوی زرگر .

## خواجه آدینه

بعلم ظاهر و باطن آراسته و در صورت و معنی صاحب  
کمال بوده اما مدفنش قریب حوض چهارباغ ترکان  
در کناره راه بطرف جنوبی مقبره حضرت قطب  
الافطاب خواجه عبد الله طاقی قدس سره .

## خواجه کوزه گر

از بزرگان دین و اجله اهل یقین بوده مدفنش  
بیرون درب خوش قریب بکر آباد .



## مقبره کازرگاه

چند ان اکابر و اقطاب و اولیا آنجا  
 مد فونند که شرح و بیان ایشان در مطولات  
 نگیند مشهور است که حضرت شیخ الاسلام خواجه  
 عبد الله انصاری قدس سره میفرموده اند که بسیاری  
 از دوستان خدا در این مقبره در پرده اند و این  
 فقیر مصنف کتاب از مولانا اعظم سعید و شیخ ارجمند  
 الی جواری رحمة الکریم الوافی مولانا رکن الحق  
 زالملة والدین الخوافی شنیده ام که میگفت که چهار  
 هزار اولیای کامل در کورستان کازرگاه در قبر  
 اند و فیض در آن مجال ریزان است اول ایشان

## زیارت خواجه کانهفت چاه

قریب مزار حضرت خواجه عبد الله انصاری قدس  
 سره معروف و مشهور است و اهل هرات بعد از  
 زیارت حضرت خواجه بد آنجا میروند و هفت نوبت  
 گرد آن مزار میگردند و هفت سنگریزه را گرفته  
 بر هر کدام سوره قل هو الله احد را خوانده بر آن  
 جا میریزند و خالی از خالی نیست .

## محي السننه

در گورستان خیابان بردست راست رونده نزدیک  
مقبره معماران از بزرگان بوده اند اما نه آن  
محي السنه که مؤلف کتاب مصابیح و معالم التنزیل  
است و مقر راست که مدفن مبارک ایشان در مرد  
الروود واقع شده .

## خواجه علمدار

در مقبره خیابان نزدیک به قبر پیر تسلیم شهرتی دارد  
و مقر راست که در مقبره مذکور اعزّه و اکابر  
و متقدمین و متاخرین مدفونند و در مجالس طالبان  
و راغبان ارواح مقدسه ایشان با مداد و اعانت  
مشهور .

## شیخ مسافر

از کمال درویشان بوده و در فقر بد طولی داشته  
تاریخ و فائش معلوم نشده اما مدفنش مجاذی مدرسه  
کوهر شاد آغا در طرف شرقی راه خیابان نزدیک  
حوض .



## باباهدای مجذوب

از زبردستان مجانین بوده در ایام ملوک کرت  
بجذب رسیده و بسیاری حکایات غریبه از وی منقول است  
مدفنش در خیابان قریب سرکوچه که بساق سلمان میروند  
معروف و مشهور •

## حسن ارسر کوچه

در سر کوچه که بشادی بره میروند بطرف شمال باغ  
زاغان متصل براه از دست راست رونده چون بمزار حضرت  
خواجه ابوالولید احمد (رح) میروند مزار است در بلندیه  
واقع شده یکی از بزرگان سادات است روحی بغایت گرم  
دارد و قبر او شاهد حال اوست •

## شیخ ابوالعلاء

در بیرون کنبد خواجه ابوالولید احمد (رح) بر جانب  
قبله واقع شده از کبار اولیاء بوده و زائران بعد از زیارت  
حضرت خواجه ابوالولید بآنجا میروند و استمداد همت می  
نمایند مجرب است •

## خواجه اولین

از اعزّه مقربان درگاه راه حق بوده مدفنش قریب پل  
تکار بر سر راه ملدام شهرتی تمام دارد از اکابر و ارباب  
حیرت بوده هرگز سواره ازان راه کسی نمیتوانست که  
بگذرد و بسیاری از اهل دل آنجا به فیض رسیده اند .

## خواجه چهارشنبه

مدفنش قریب پل دلفرار بر کنار راه تل مالان از  
بزرگان فقراء بود و زیارت ایشان را مجرب نموده اند

## پیر سرخ

از کبار درویشان بوده اند مدفنش در قریه سرلان بلوک  
گذاره .

## خواجه کنجان

از قدماء مشایخ و اولیاء هرات بوده اند مدفن ایشان  
در اعلی سیناوشان است از بلوک گذاره .



## خواجه عزیز

از مشاهیر اولیاء هرات بوده مدفش در قریه کول نشین.

## خواجه مسعود

بس عزیز و مقرب بوده و مدفش در قریه داد شان  
است.

## خواجه محمد بی نظیر

از اعزّه وقت خرد بوده و از شاگردان شیخ عبد الرحیم  
مالانی بوده و در دشت یلان آسوده اند بغایت بزرگ و  
صاحب معرفت بوده اند مدفش قریب چشمه مالان است.

## خواجه شیر سرخ

از مریدان خواجه عبدالرحیم مالانی است مشهور است که  
نسخه کتاب از خواجه عبدالرحیم در مکه مبارکه ماند  
بوده و خواجه را بمطالعه آن مهمی افتاده بود روزی برف  
عظیم مبارک برود فرمود که کبکست برود و آن نسخه را بیازد  
بعد از تأمل بسیار شیر سرخ را طلب کرد و جای نماز خود  
را بوی داد و گفتم برو و آن کتاب را بمارسان در حال





## خواجه رخ (۱)

از پیران طبقات معدود کشته و مقامات او  
میان اهالی هرات شهرت یافته مدفنش در قریه  
شمعان است .

## خواجه پنج‌شنبه

از مفردان و عالی همتان دهر بوده از زیارت  
او طالبان بمراد میرسند مدفنش در نزدیک یل  
مالان است .

## خواجه کازرمالانی

از قدما و اوتاد و کمل افراد هرات بود .  
و مردمان از همت علیه او استمداد نموده و می  
نمایند مدفنش در قریه مالان است .

## خواجه سلیم

از اکابر و ایشان ماضی است مدفنش در قریه  
مالان است .

(۱) و قیل خواجه سیه پوش .

## خواجه سلیم دستجردی

از متعینان او لیداء بوده مولانا شمس الدین ستو  
جردی در همه ساله از سنو جر دیبا ده بزیا رت  
مرقد او میرفته و استمداد و استفاضة می نمودند  
مدفنش در میان گواشا نچه ورنجان بلوک گذاره  
است .

## خواجه طلقانی

خواجه محمد بن عبدالرحمن طلقانی مالائی بس  
بزرگ بوده و صاحب کمال مدفنش درقریه دستجرد  
قبله چهار باغ فیر و زه است .

## شیخ علی کاکو

از کبار درویشان بوده و خواریق عادات ازایشان  
بسیار منقول است قبرش در زیارتگاه است قریب  
بازارچه .

## شیخ سراج الدین

بلخی الاصل بوده و در علم تفسیر و حدیث ید طولی



داشت و مدتی مصاحبت با پیر تسلیم نموده و در وقت  
بس عالی داشت مدفنش در قریه شمعان است .

### شیخ علیا

از اکابر فقراء و اعظم عرفاء بوده مدفنش در  
قریه اسفغان است بلوک گذار است .

### خواجه بختیار

از درویشان صاحب حال بوده و قتی بس کرم  
داشت قبرش هم در اسفغان است .

### بابا بکر

از قدماء مشایخ هرات بوده و صاحب مقام عالی  
مدفنش در قریه تیرزان است بلوک ادوان .

### پیر ترک

از مجذوبان و اهل حال بوده قبرش در بشران است .

### خاجی محمدزاده

از اقران قدوة العرفاء مولانا جلال الدین محمود

زاهد مرغابیست قبرش در زیارتگاه است •

## شیخ ابواسحاق

از کبار محدثان و ائمه سلف بوده و فاش در سال  
دو صد و بیست هجری بوده و مدفنش در قریه شکیبان  
سفلاست •

## شیخ ابونصر

از قدماء مشایخ و اولیاء و معاصر شیخ الاسلام  
احمد الجامی است مدفنش در شکیبان علیاست •

## پیر چهار تخته

بسیار عزیز و صاحب کمال بوده تاریخ و فاش معلوم  
نشده مدفنش در شکیبان علیاست •

ای عزیز بدانکه از مواضع مقبره که و اما کن میمونه  
قبه مختار است بالای حوض ما عیان و همواره  
منزل اهل غیب می باشد و عزیزان و بزرگان در آن  
جا بفیض رسیده اند و در روزهای سه شنبه در آنجا  
رفتن و دو رکعت نماز حاجت گذاردن فوائد بیشمار  
دارد و تجربه شده •



## قبر سمرخ

در کوه که به بند قارون میرود متصل است در پشت  
 قریه ساق سلمان معروف به قبر سرخ صورت قبر در آن  
 موضع ظاهر است هر که را مهمی رسد باید که غسل  
 کند و جامه نو پوشیده و با آنجا رود و هزار سنکر یزید  
 خورد بردارد و بعد از آن دو رکعت نماز بگذارد  
 و در مقابل قبر آن بتشیند و بروح پاک حضرت رسالت  
 بنام صلی الله علیه و سلم توجه کند و هزار یکتوبت  
 بگوید که صلی الله علیه و سلم یا رسول الله و هر توبت که  
 این را گفت یک سنکر یزید را بجانب قبر اندازد و  
 چون تمام شد مراد خود را طلب کند و در حین مراجعت  
 سه درویش را دهان شیرین کند البته مرادش حاصل  
 شود .

## باب سوم

در ذکر چماغی از اولیاء و اکابر و علماء و عرفاء  
 که بعد از وفات امیر تیمور کورگان که در خطه هرات  
 و توابع آن بجوار رحمت قاضی الحاجات انتقال  
 فرموده اند .

## شیخ شهاب الدین بسطامی (رح)

شیخ الاسلام و المسلمین مرشد السالکین صاحب  
المقامات العلیه و الدرجات السنیه کعبه الواصلین  
و قبله الانام شیخ شهاب الدین بسطامی قدس سره  
از اکابر اولیاء وقت خود بوده و با شیخ قطب  
الدین بحیبی اجامی قدس سره صحبت داشته و حدیث  
بر او خوانده و تلمیذ شیخ قوام الدین بسطامی  
رحمة الله علیه بوده و استفادۀ علم فقه را از امیر  
سید جلال الدین کرمانی به تقدیم رسانیده اند  
و بعد از تحصیل علوم بریاضت و درویشی مشغول شده  
چندانکه بمرتبۀ ارشاد رسید و کرامات و مقامات  
و کمالات او زیاده از آن است که درین مختصر  
گنجد و تالیفات آنجناب در علوم ظاهری و باطنی در  
میان مردم مشهور است چنانچه علوم مرتبۀ آنحضرت  
از مضمون آنها معلوم میشود و همواره معتقد فیه  
سلاطین و خواص و عوام بوده ملک معزالدین حسین  
کرت جهت مریدان شیخ خاتمه بنا کرده در خیابان  
و خانزاده بیگم زوجه پادشاه سعید مزین سریر  
عظمت و سلطنت بی اشتباه امیرزاده میران شاه



انا را الله برهانه در محله بازار خوش خانقاهی بس  
عالی ساخته و وقفی وافی دارد و بواسطه قصور  
همت و فتور که در موقوفات است اکنون خانقاه مشرف  
بر خرابی است اهل و ائق که بمیان معدلت حضرت  
خاقان خلافت پناه این خیر جاری نمودار شود مشهور  
است که هرگز شیخ شهاب الدین قدم دران موضع  
تنبهاد بلکه در مرور ایام بانجا نظری نمیدرمود و  
خواجه عزیز و خواجه محمود مدرسها جهته شیخ  
ساخته اند فاما شیخ در آنجا درس نگفت بلکه تعیین  
مدرسها فرمود و خاقان صاحب قران قطب السلطنة  
الدینا والدین امیر تیمور کورکان انا را الله برهانه  
تعظیم شیخ را باقصی الغایت بتقدیم میرسانید چنانچه  
اهالی هرات را در فقره بشیخ بخشید و آن شهرتی  
دارد و رحلت او بعد از وفات خاقان مذکور به  
پنجاه در آخر سال هشتصد و هفت هجری واقع  
شد و مدفنش در خیابان در خطیره امام فخرالدین  
رازی است قدس سره .

## شیخ عبدالحق طوسی

از علماء صورت و معنی و از اقران شیخ شاه فراهی

و شیخ علاء را فعی و شیخ اسمعیل خو از زمی بوده  
و پیوسته در معرفت و محبت سخن میراند تا ریح  
و فاش معلوم نشده مدقش در قریه خواجه سرمق  
در بیرن مشهد خواجه جلال الدین سرمقی است .

### شیخ علی رافعی

از مشاهیر متأخرین و عالم بعلوم ظاهره و  
باطنه و زاهد و متقی و ناصح و واعظ بوده و با  
امیر سید علی همدانی و شیخ سیف الدین خاوتی و شیخ  
زین الدین ابوبکر تائبی دبی رحمة الله صحبت داشته و  
عمرش به شصت و سه سال رسید و قبرش در خیابان  
است .

### شیخ شمس الدین بخاری (رح)

از اهل کمال و سر حلقه عارفان و ابدال و اصلش از  
بخارا بوده و در شیراز بسلوک مشغول شده و بعد  
از وصول بمعارج ارشاد بپرات آمده و در قریه  
سرستان بسر میبرده و دیوانی در حقایق گفته صباح  
یوم جمعه هفدهم جمادی الاول سنه هشتصد و سیزده  
جایهای که در روز عید می پوشید در بر کرد و خرقة



پشمین با لای آن ها بپوشید و بدست مبارک خود د قبر  
خوبش بکند و چاه آخرت راست کرد و در عقب غسل  
بفرستاد چون غسل بپا مد بفرمود تا آب را گرم  
کردند و غسل را تعلیم غسل و قرائت بپا موخت و از  
حاضران مجلس استمدادی همت طلب نمود و گفت  
وقت رحلت ما رسیده چون در خلوت در آییم متر صد  
با شید تا سه نوبت بگویم یا هو بعد از آن بغسل و تکفین  
من مشغول شوید بهمان منوال کار راست شد چون در  
آمدند قالب تهی ساخته بود او را در ان موضع که  
طرف شمالی قبر به سر و ستانست دفن نمودند و در  
مزار آن فیض بسیار است و از لطایف اتفاقیه اینکه  
از بخار آنکه هشتصد و سیزده است تاریخ وفات او  
معلوم شده .

## مولانا شمس الدین محمد ظهیر

شیخ الاسلام مقبول الخواص و العوام ناصح الامام  
العالم الحزیره مولانا شمس الدین محمد بن ظهیر از جمله  
مشاهیر علماء هرات بوده و کشف قلوب و قبور داشته  
و پیوسته بو عظ و نصیحت مسلمانان قیام مینمود . و مرجع  
اکابر و اهالی مملکت هرات گشته و همواره کشف سالکان

و مشکلات و حل معضلات ایشان میفرمود و باطعام  
مساکین و بذل و جود شهرت اتمام داشت و جنیان مسخر  
او بودند و حج گذارده بود و در سال هشتصد و  
چهارده هجری از دنیا رحلت کرده و قبرش در خیابان  
است در جوار پیر تسلیم و زیارت او از مجربات است \*

### شیخ اسماعیل خوارزمی

از جمله مشایخ خوارزم و از جمله مریدان شیخ  
الاسلام ربانی شیخ علاء الدوله سمنانی بوده و با  
فرید الدین یزدی و شیخ الاسلام قدوة العارفین  
شیخ عقیف الدین جنید المرسی صحبت داشته و از  
اقربان شیخ عبدالحق طوسی قدس سره و شیخ ابو  
سعید خلوتی و شیخ جمال الدین سمنانی معدود  
گشته و حج اسلام را در یافقه و مشایخ حرمین  
الشریفین رازیا رت کرده مشهور است که بیست  
و چهار سال آب نخوردند و کشف قلوب و قبور داشته  
و استمداد همت از وی بسیار واقع شده و فاتش در  
ماه رمضان سال هشتصد و چهارده هجری و مدفنش  
در بیرون درب ملک قریب خانقاه شیخ چارش در  
کنبدی که منزل او بوده است واقع شده \*



## شیخ ابو سعید خلوتی

از انزه و شاخ هرات بوده و هر وی الاصل و  
مرید شیخ سیف الدین خلوتی بوده و زهد و مقامات  
و ریاضات او شهرت دارد و عمرش به نود سال رسید  
و در آخر نابینا شد و در غره ذی الحجّه سال هشتصد و  
بیست هجری وفات یافته و در خطیره خلوتیان مدفون  
گشته و قبرش معروف است .

## سید قدسی

در علوم ظاهری و باطنی صاحب کمال بوده و در زمان  
خاقان سعید از جانب قرشی بخارا در هرات تشریف  
آورده و چند وقت در قبه الاسلام هرات توقف نمود  
و در هرات وفات یافت مدفنش در کوه سید عبدالله  
مختار است .

## مولانا شمس الدین محمد

الزاهد المتورع العتقی المشهور به ملای کلان از اکابر  
زهاده و عباد خراسان بوده و حنفی المذهب و از  
اصحاب شیخ زین الدین ابوبکر تائبادی و مولانا

محمود زاهد مرغانی و شیخ شاه فراهی بوده و مواعظ  
بیرتسلیم را ایشان جمع نموده و در سلك نظم آورده و  
کلمات ایشان بیش از آن است که درین مختصر جمع  
توان کرد و در امر معروف و نهی منکر بد طولی  
داشت و از صحبت مردم آخر احترام میزد و هر چند  
خاقان سعید خواست که به صحبت او مشرف شود  
بجای نرسید عمرش بهشتا دو دو سال رسید مدفن  
ایشان در مقبره زیارت گاه است .

## مولانا جلال الدین افتخار

مولانا اعظم افضل قراء خراسان اکمل ابرار  
مولانا جلال الدین افتخار الحقه الله تعالی با صاحب  
دارالقرار از جمله علماء هرات بوده و در فن قرأت  
بد طولی داشت و جمیع قرائات عشره را بر شیخ الاسلام  
و خاتم المجتهدین شمس الملة والدین محمد بن  
الجززی خوانده و در علم حدیث نیز مهارت تمام  
داشت و کتبخانه معذور وقف طلبه کرد و فائز در  
سال هشتصد و بیست و سه هجری مدفنش در خیابان در  
سرکچه امام فخرالدین رازی است قدس سره .



## بابارسلان دیوانه

در ویش مجذوب و عارف محبوب از متعینان مجالین  
 بود این فقیر از جناب حقیقت اتساب مولانا رکن  
 آمد این خافی شنو دم که فرمودند که هیچ هفته نبود  
 که بدیدن بابا ارسلان دیوانه نرفتمی و از ایشان خو ارق  
 بی حد مشاهده نکرده می وفاتش معلوم نیست اما مدفنش  
 در خطیره پیر فخرالدین ثانی مالانی متصل بشارع عام  
 واقع شده.

## پیر سه صد ساله

شیخ سالک درویش بابا یوسف ریاضت تمام وسلوک بانظام  
 داشت و بقایت باشکوه و باهویت بوده مدنهای مدید در کوه ها  
 و صحراها باهوان بسر میبرد و معمر شده بود چنانچه شهرت  
 داشت که سه صد سال از عمرش گذشته بود وفاتش در سال  
 هشت صد و بیست و سه از هجرت مدفنش در شرقی خیابان  
 در خطیره که مشهور به پیر سه صدساله است.

## خواجه لطف الله بن عزیز واعظ

واعظ باعلم و تمیز خواجه لطف الله بن عزیز از افاضل

زمان و اما جد دوران و بسیار ما هر در فن تفسیر  
 و حج اسلام گذا رده بود و مدتهای مدید در مسجد  
 جامع هرات به نصیحت مسلمانان قیام مینمود  
 و فاش در سال هشتاد و بیست و سه هجری مد فاش  
 در خیابان هرات در جوار مقبره امام فخرالدین  
 رازی و گنبد ممتاز دارد و حال خراب شده و از  
 نوادر روزگار بوده .

## مولانا یوسف حلاج

مولانا عظم العلماء فی العجم مولانا یوسف  
 حلاج از اکابر ائمه دین و اجله صدق و یقین و ما هر  
 در فن حدیث و علوم معقوله و منقوله و در درویشی  
 صاحب کمال بوده و معنی وافیه وجد و حال کافی  
 داشت و اکثر ائمه هرات و مد رسان شاگردان  
 او بودند و تاریخ و فاش را بر سنگ لوح او نوشته اند  
 و مد فاش در خطیره امام فخرالدین رازی است .

## مولانا صفی الدین عطاء الله

مولانا عظم العلماء الفقهاء فی العرب و العجم مولانا  
 صفی الدین الخوافی از متجرددان عصر و از متعینان



د هر و به کمال علم و فضل و تقوی شهرت داشته و مدتهای  
مدید در قبة الاسلام هرات به نشر علوم دین و بشر سوم  
یقین اشتغال داشت و وفات نمود و مدفنش در  
خطیره امام فخرالدین رازی قدس اسر . .

### مولانا ناصر الدین الکوسوی

زاهد متورع از متعینان روزگار بود و در علم  
ققا هت ما هر یبو سته بند کر مشغول می شد ند مدفنش در  
خطیره امام فخرالدین رازی است قدس سره و در  
این خطیره بسیاری از علما و فضلا مثل [ مولانا  
صدرا لدین امام مولانا عبدالرحیم یارا حمد و  
مولانا عبدالرحیم هر وی ولد مولانا اعظم اعظم علم  
العلماء مولانا سیف الدین الایهری و مولانا جنید خجندی  
قدس سره و مولانا محمد بدر و مولانا علی شاه طوسی  
مدفونند رحمة الله علیهم .

### سید یونس

مرتضی اعظم اقدم سید یونس از اعز و سادات و  
اشراف و محدث یگانه و فصیح زمانه بود و  
مدفنش در خطیره امام فخرالدین رازی نزد یک

مقبره شیخ بسطامی است .

## شیخ ابواسحاق المرسدی

شیخ الاسلام و مرشد الا تلام حجة الله على الخلائق  
بالاتفاق جمال الحقيقة والشریعة والتقوی والدین  
ابواسحاق المرسدی الکزازونی از متعینان اقطاب  
روزگار و صاحب مهارت و در فنون علوم شاکرد  
و مرید شیخ الاسلام بلاشک و اشتباه نهنگ اولیاء  
شیخ زین الدین علی کلامه رضی الله عنه وارضاه وسند  
حدیثش با پدر بزرگوار قدوة المحدثین و اسوة  
المفسرین قبله ابوالصلین شیخ جمال العملة والدین  
احمد المحدث المرسدی و برادر نامدار شیخ الا  
صفیاء امام ائمة دین جامع بین العلوم خلاصة الاصفیاء  
تقاة الا تقیاء شیخ عقیف العملة والدین جنید رحمة الله  
علیه در اکثر مشایخ شریک بوده و تصرفی که آنحضرت  
در قلوب خاص و عام میفرموده مقدور و هیجکس از اولیاء  
متاخرین نبوده از شیراز بخراسان نقل کرده در  
هرات ساکن شده و با تمام تمام خاقان سعید بدر  
خواست بدیدن آنحضرت میرفته و میفرموده که  
عمر عزیزاً اکثر اوقات بعزالت و انزوا و مطالعه و تحقیقات



میگذارد و اکثر خواص و عوام پیوسته ملازمت  
 مینمودند و بزرگوارت و مبالغه تمام گاه گاهی می یافتند  
 و جو دو کرم و فضل و علم ایشان درجه قصوی و  
 مرتبه اعلی داشت و عمرش به شصت و نه سال رسیده  
 و در سال هشتصد و بیست و هشت هجری روح نازنینش  
 با علی علین منتقل گشت مدفنش در خطیره حضرت شیخ  
 الا سلام خواجه عبدالله انصاری قدس سره است  
 و شرح کمالات ایشان طولی دارد

### پیر قوام الدین تبریزی

شیخ ناسک سالك پیر قوام الملة و الدین تبریزی  
 (رح) در طریق تجرید و توکل و تفرید یکنانه عصر  
 بوده و پیوسته با و را در اذکار ما توره قیام می  
 نمود و همت عالی داشت و به صحبت شیخ جمال الدین  
 و شیخ کمال الدین خجندی و اقران ایشان رسیده  
 بود و فائز در ماه صفر سال هشتصد و بیست و هشت  
 هجری مدفنش در راه زیارت حضرت خواجه ابوالولید  
 احمد قدس سره در حزیم نهر انجیل •

## مولانا شرف الدین عثمان قاری (رح)

از نوادر روزگار بوده و قرائت و قوف سجاوندی  
را استحضر داشت و بزه و ورع میگذرانید و اکثر  
حفاظ هرات و توابع آن علم قرائت را از او اخذ  
کرده اند و بسی نفسی مبارک داشت و ذکر ایشان  
در کتاب رشحات و در ذکر مولانا شمس الدین  
محمد روجی مجملًا مسطور است و وفاتش در دوازدهم  
شوال سال هشتصد و بیست نه هجری اما مدفنش در  
قریه زیارتگاه در محله که بنام ایشان مشهور است

## مولانا جلال الدین واعظ (رح)

الملح الزاکر بن ناصر المسلمین مولانا جلال الدین  
واعظ هر وی از فحول واعظ بوده و مدتی مدید  
به نصیحت مسلمانان گذرانیده و تفسیر جمع کرد در  
هفت مجلد که جامع بسپاری اقوال مفسران است  
و معمر شده چنانچه در آخر عمر از سخن گفتن بازماند  
و در سال هشتصد و سی و سه هجری از دنیا رحلت کرد  
و در کازرگاه در پشته که به تل کنج مشهور است  
مدفون شد \*



## شیخ عبیدالله خلوتی

شیخ زاهد و سالک و پیر نورانی و با صفا بود و در  
خاتمه خلوتیان بذكر و سلوک مدت ها میگذرانید و  
در سال هشتاد و سی و سه هجری از دنیا رحلت کرد  
و در خطایر خلوتیان در میان دو جوی مدفونند.

## مولانا رکن الدین الخوافی

مولانا اعظم بحر الحقائق افضل المتجر دین بین الامم  
الواصل الی جوار رحمة الله الوافی مولانا رکن الدین  
الخوافی از متعینان روزگار بود و سرور افاضل هر  
مالک و دیار و عالم معلوم ظاهر و باطنه و مرید شیخ  
الاسلام و مرشد الانام بلا اشتباه شیخ زین الملّة و  
الدین محمد بن علی کلام قدس سره بود و از اقربان  
شیخ الاسلام و المسلمین شیخ عقیق جنید و اخوه الاعیان  
المحقق الصادق باالاتفاق شیخ جمال الملّة و الدین  
ابو اسحاق و مولانا اعظم قدوة العلماء فی العجم  
مولانا جلال الاملة و الدین و غیره بوده و در رقم  
توصیف و تواریح و فضل و سائر علوم اصول و فروع  
ید طولی داشت و بیوسنه ماچ:ء حکام و ملاذ خواص

و عوام میبود و حج اسلام را گذارده و به صحبت بسیاری  
از اکابر رسید و مسافری وافر نموده و در آخر  
حال اکثر ایام در ولایت خواف بسر میبرد و گاهی  
بشهر هرات تشریف می آوردند و در قبة الاسلام هرات  
در روز یکشنبه بیست و هفتم شوال سال هشتصد و سی و  
چهار هجری بجوار رحمت ارحم الراحمین پیوسته و در اندرون  
خطیره شیخ الاسلام حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس  
سره در پیش روی مرقد مبارک او مدفون گشته .

## مولانا فصیح الدین علاء الغوری

مولانا اعظم افضل الفقهاء فی العجم مولانا فصیح  
الملکة والدین محمد بن محمد المشهور بعلاء الغوری  
الاصل المفتی به قبة الاسلام هرات از متعینان روزگار  
وزها دو فقهای هرات و سالهای بسیار به فتوای  
حذیب حضرت امام اعظم رحمة الله علیه اتقید با امر و  
قول او بوده و پیوسته بنشر علوم اصول و فروع اشتغال  
مینمود و عمر عزیزش از هشتاد سال بگذشت و در  
سال هشتصد و سی و هفت هجری فوت شد مدفن ایشان  
در خطیره شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری قدس  
سره در بایان یای قبر آن حضرت واقع شده است .



## مولانا رکن الدین

شیخ الاسلام والمسلمین بقیة الاولیاء الراسخین  
مولانا رکن الدین خافا الصدق شیخ الاسلام و مرشد  
الاقام شهاب الحق والدین بسطامی است یکانه  
روزگار خود دیده و از متعینان ایرارو معلوم ظاهر  
و باطن آراسته و اکثر کتب متداوله را بخط شریف  
خود نوشته بود و در مکرم اخلاق درجه قصوی  
داشت و معمر شد و فاتش در ماه رجب سال هشتصد و  
سی و هشت هجری مدقش در خطیر امام فخر رازی  
در جنب پدر بزرگوارش واقع شده .

## مولانا زاهد شکیبانی

شیخ کامل ربانی مولانا زاهد شکیبانی از جمله  
نازنینان عهد خود بوده و خرقه ارادت از دست  
شیخ الاسلام والمسلمین شیخ زین الدین ابوبکر تائبادی  
پوشیده و سلوک وافی داشته و وعظ موثر میگفت و  
گاه گاهی به شهر تشریف می آورد و اهالی قبه  
الاسلام هرات از انفس متبرکه او بهره میگرفتند  
و حضرت شیخ زین الدین قدس سره بار نظر تمام داشت

و اوقات خود را بتوکل و تسلیم میگذرانید و فائز  
در سال هشتصد و سی و هفت هجری مدفون ایشان در  
فریه شکیبان سفلا است .

### شیخ زین الدین الخوافی [رح]

شیخ اسلام و مرشد الانام خاتم الاقطاب المحققین  
اسوة الجماهیر السالکین الی جوار رحمة الله الوافی  
شیخ زین الدین ابوبکر الخوافی از اکابر اهل ارشاد  
و متعینان ارباب سلوک و افراد روزگار بوده و در علم ظاهر و  
باطن ید طولی داشت و مسافرت بسیار نموده و حج اسلام  
گزارده و مشایخ حرمین شریفین زادالله شرفاً و تکریماً و  
مصر و شام را در یافته مثل شیخ زین الملة و الدین العراقی  
و شیخ جلال الدین خجندی و غیرهم در علم سلوک و ارشاد  
طالبان راه حق کسی باو نمیرسیده و رمز بیچ سنت و جماعت  
راسخ بوده و بطریقه شیخ شهاب الدین سهروردی بوده اند  
و بیوسته در قمع ملاحظه و بد مذهبان میکوشید و در مصر  
و شام و روم و عرب و عجم و ایران و طهران مریدان او بسیار  
بودند و تصانیف و مکاتیب و ارشاد به او در میان است  
و طریقه عبادت و ریاضت و اطوار اربعینات از مناخران  
باو منتهی میشود و او را در عصریه و فجریه او میمنت



تمام دارد و قلوب خواص و عوام را صفای با نظام می  
بخشد و اکثر اوقات در زیارتگاه بسر میبرد و در آخر عمر  
در گوشه کوه در نواحی گذره زاویه بساخت درویش آباد  
تام کردند در آن موضع مکرر باربعین می نشست و غلبه  
درویشان و طالبان در ملازمت وی بسیار شد عمر شریفش  
از هشتاد گذشته بود و در سال طاعون سنه هشت صد و سی  
و سه هجری و ثبات یافت و در محل دفن ایشان  
اختلافات متنوعه واقع شده و نعتش مبارک ایشان را در سه  
جای نقل دادند و آخر الامر در جوار عید گاه مدفون  
نمودند مزار متبرک ایشان معمور و روز بروز در ترقی است

## شیخ ابوسعید گزرونی

شیخ الاسلام و المسلمین زبده المحدثین شیخ الملة  
والدین ابوسعید گزرونی رحمه الله علیه از زهاد و  
متعینان و فقها و اهل حدیث است و سندش به پدر  
بزرگوار قدوة ارباب حدیث فی عصره و او انه  
شیخ جمال الملة و والدین احمد محدث و برادر  
عالی مقدارش شیخ الاسلام و المسلمین شیخ عقیف  
الدین جنید و شیخ المحققین بالاستحقاق شیخ جمال  
الدین ابواسحق قدس الله تعالی ارواحهم و غیر

ایشان از مشایخ و علماء پیوسته به نشر علوم شرعیه  
 قیام می نمودند و بقصد ملازمت برادر بزرگوار  
 از شیراز به هرات آمده و در آنجا بماند و شیخ  
 جمال الدین ابواسحق در وقت رحلت سجاد ارشاد  
 را با و حوالت نمود و در سال طاعون سنه هشت  
 صد و سی و سه هجری در هرات وفات یافت مدفنش  
 در خلیفه شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری  
 قدس سره نزد یک قبر شیخ جمال الدین ابواسحق  
 قدس سره است .

### مولانا جلال الدین قاینی

مولانا اعظم قدوة الناصحین زبدة المحدثین مولانا  
 جلال الدین محمد بن عبدالله القاینی از متعینان مؤخر  
 وهجران مقدم بوده و میفرمود که نسبت من منتهی  
 میشود به مفتی الثقلین شیخ نجم الدین عمر النسفی و مدت  
 های مدید در مقصوره هرات به نصیحت مسلمانان  
 مشغول بود و قوت حافظه عجیبه داشت چنانچه اکثر  
 محفوظات او کرمشوف شدی خلایق در ورطه حیرت  
 افتادندی و در آخر حال خاقان سعید منصب احتساب  
 را در قبه الاسلام هرات بایشان امر فرمودند و در



رواج شریعت و قمع بد مذہبان سعی بسیار بجای آورد  
و فائش در سال هشتصد و هشتاد و هشت هجری مدفش  
در قریه جفر تان در مدرسه که بنا کرد و اوست  
واقع است .

## مولانا محمد

بن مولانا سعد الدین تفتازانی (رح)

مولانا الاعظم بقیة الاکابر والعلماء مولانا شمس  
الدین محمد بن مولی المدقق العلامة استاذ الکلی فی  
المعنی المحقق الربانی مولانا سعد الملة والدین  
التفتازانی کریم الاخلاق و یکنه روزگار و سالها  
در هر ات مقدم علماء و فضلا بوده . عمرش قریب  
به هشتاد سال رسیده و در سال طاعون سنه هشت  
وسی و سه هجری وفات یافت مدفش در اندرون  
خطیره شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری قدس سره  
در مقبره قضات امامیه مدفون است .

## مولانا نور الله خوارزمی

مولانا الاعظم علامه العلماء فی العالم مولانا نور الله  
خوارزمی از مجردان علماء و متعینان فضلا بوده .

و در فن علوم اصول و فروع عربیه ما هر و مؤلفات  
مشهور در هر فن از و مانده و مدتی مدید در قبه  
الاسلام هرات به نشر علوم قیام می نمود و در  
آخر حال خاقان سعید منصب خطابت مسجد جامع  
هرات را با و مفوض نمود و چند سال بدان کار اشتغال  
نموده عجب تر آن که هیچ جمعه خطبه مکرر نخواندی  
و روز جمعه تا بمسجد آمدی خطبه انشاء نمودی و در  
سال طاعون سنه هشتصد و سی و سه هجری بجوار  
رحمت الراحمین یدوست مدفنش در خطیره حضرت  
خواجه عبدالله انصاری است در مابین قبر حضرت  
خواجه و قبر مولا ناصیح الدین محمد علاء .

## درویش عبدالله

سالك فینا من بلا شك و اشتباه در ویش عبدالله از  
متعینان وقت خود بوده و در میان خلق ینها ان و  
بسراق او لبائی تحت قبائی لا یعرفهم غیری متمکن  
و در اندرن شهر هرات دکان علافی داشت و پیوسته  
در دکان قرآن میخواند و جنیان مسخر او بوده و از  
شاگردان مولانا ظهیر الدین خلوتی بود و اطاق  
در محله خلوتیان داشت و هر سه شنبه به قبه مختار



میرفت و بلا غیبیان آنجا صحبت داشت و خوارق اادات  
 و مقامات و کرامات از او بسیار دیدند و در سن  
 شصت و هشتاد و سه هجری وفات یافت مدفنش در  
 خطیر و خلوتیان است [رح]

### سید علی شبرغانی

سا لك مسلک ربانی سید علی شبرغانی رحمه الله علیه  
 از زاهدان و زکات و ارباب مجاهدت در ریاضت بود  
 و بیوسته اربعینات می نشست و خرقة از سید علی همدانی  
 میرسید و طریقه بغایت پسندیده داشت رفتش در سال  
 هشتاد و سی و هشت هجری مدفنش در قبر یب باغ آهو  
 در باغچه که خود عمارت کرده بود

### زین العابدین مجذوب

مر اضى اعظم از متعبان رو زکار بوده و حدیث بر  
 سید علی همدانی و فقه بر سید مبارک شاه هر وی خوانده  
 و در آخر مجذوب شد و از بسیاری که با مجذوبان  
 می نشست بجز به رسید و مدتها در کوه ها میکشت مشهور  
 است که عمرش از یکصد و بیست سال گذشته بود تاریخ

و فائز معلوم نشد . مدفنش در قل قطیبیان است .

## باباز کر یا مجذوب

در ویش مجذوب مدتهای مدیدی در سر راه  
خیابان مینشست بسیاری خوارق غادات از وی مشاهده  
میشد و در میان مجذوبان شهرت داشت مدفنش در همان  
محل که می نشست معروف و مشهور است .

## مولانا سعدالدین فارسی

مولانا عظم استاد العلماء فی عصره و زمانه مولانا  
سعدالدین الفارسی از متقیان روزگار و شاکرد  
سلطان المحققین میر سید شریف جرجانی و در علم معقول  
صاحب کمال بوده و مدتهای مدیدی در مدرسه غیاثیه  
متصل مسجد جامع مع نشر علوم نموده و طاعتی بردوام  
و توجهی با نظام داشت و از خدمت او بسیاری  
طالبان به مقصد رسیدند و نماز تهجد از وفوت نشده  
و دعای سیفی و ادعیه ماثوره بسیار میخواند و در  
ماوراءالنهر بخد مت مریدان خواجه علاءالدین  
عطار مشرف شده بود و مشق در ویشی از ایشان  
کسب کرده بود مدفنش در خطیره امام فخرالدین



رازی مشهور است .

## مولانا محمد

بن حاجی ابوبکر سنوگردی

مولانا شیخ الاسلام افضل الزها دو مرشد الا نام  
فی العصر مولانا شمس الدین محمد بن حاجی ابوبکر  
از متقیان زمان خود بوده و در علم فتوی و زهد  
و تقوی از امانت و اقران خود امتیاز داشت  
مسکن ایشان در قریه سنوگرد و پیوسته اهل هرات  
از خواص و عوام باو تردد مینمودند و بفاتحه و  
دعای او تبرک میجستند و نظی گرم و نصیحت دلپسند  
میفرمودند و عام ظاهرش به تعریف باطن آراسته  
بود و عمرش بهشتاد سال رسیده و فاتش در سال  
هشتصد و چهل و هشت هجری مدفش در قریه سنوگرد  
در بلوک گذاره .

## بابا حسن ابدال ترک

در ویش مجذوب و مرغوب و مبدء حال سپاهی  
گری میگرد و ظلم و تعدی از او صادر میشد  
مدتی به تحصیل داری مال بطوس رفته بود و

اختری محمد طوسی او را سیاست فرمود چون بهرات  
مراجعت فرمود بعد از آن اسب و سلاح و اسبابیکه  
داشت همه را در سر پل انجیل بدر و ایشان بخشید  
و یوستین پوشیده و بگورستان خیابان رفت و آنجا  
ساکن شد جذب به او را فرا گرفت و جلالیه پراو  
غالب شد و نظری قوی داشت و اهالی هرات از  
ترك و تاجیک بدیدن او میرفتند و معمر شد مدقش  
در شرقی خیابان است و ایوان و حجره های  
عالی دارد .

## بابا جمال مجذوب

از اعزّه مجالین بوده و در مبداء حال مکتب  
داری میکرد بعد از آن که بجدیه رسیده بود اکثر  
اوقات در میان جوی های آب میبود در تابستان  
وزستان و جوی هارا پاك ميكرد و بطریق که در  
متخیله او قرار گرفته بود حروف تهجی و بعضی از  
سوره های قرآن مجید را میخواند و بدعی ماثوره  
بعد از ختم قیام مینمود و بسیار قوی مشرب بوده و  
بعضی که با او خلاص داشتند او را بخانه خود میبردند  
و يك روز نگاه میداشتند و گاهی بودی که در خانه



کسی رفتی و یکی دیگری را گفتی که این مرد چرا  
 نمیرود ما را به تنگ آورده و فی الحال برجستی  
 و از آن منزل بیرون رفتی و با هیچکس التفات نکردی  
 و بهیچ نوع او را تسکین نتوانستی داد و بکرات و  
 مراتب این معنی از و مشاهد. رفته مدفنش [۱] به  
 درب قطب چاق نزدیک بازار است و بر محوطه  
 اندک عمارتی دارد و زیارت او مجرب است .

### باباخمیر کبر ابدال

از بد لاء وقت بوده و اکثر اوقات در کورستان  
 خیابان بسرمیبرده مدفنش در شرقی خیدان است .

### پیر سرخ

از اعزّه دوستان حق بوده زمستان و تابستان  
 در برف و باران بردکان که بسرا راه ساق سلمان  
 است نشسته بود و پای او زخمی داشت وضو میساخت  
 و نماز میگذازد و از هیچ کس چیزی نمی طلبید . جمعی  
 که بر حال او و قوف داشتند گاهی مقدار طعام پیش

(۱) و در نسخه های دیگر لفظ درب قطبی چاق

موجود نیست .

اوبر دندی اگر شبهتی داشتی تناول نکردی و اگر  
شبهتی نداشتی در آن تصرف کردی واکل نمودی  
و قبرش در همان محل است که در حین حیات می  
نشست اما تاریخ وفاتش محقق نشده .

## سید محمد اشرف [رح]

مقتدای اعظم افتخار اتقیاء فی العجم سید شمس الملة  
و الدین محمد بن اشرف از اکابر سادات و متعینان  
اشراف روزگار و صاحب ولایت تمام وزهد و تقوی  
با نظام داشت خاقان سعید او را در هرات برار باب  
عمایم قبه الاسلام تقدیم می فرموده و مکارم اخلاق  
فراوان داشت و بغایت واجب التعظیم می بود عمرش  
از هشتاد گذشته بود و وفاتش در سال هشتصد و پنجاه  
هجری مدفنش در خیابان است محاذی مدرسه ابوسعید  
میرزا .

## بابا کیلانی [رح]

از ملامتیان بوده مدتی در گلخن حمام  
میر علی شیر که در محاذی درب عراق است بسر می  
برده بعد ازان جای رفت و در جوار باغ زبیده قریب



قریه مغولان تکیه بساخت و بعضی اراضی آن موضع را  
 صالحه زراعت گردانید و در آخر طریق خمبول اختیار  
 کرده پیوسته جمعی از قلندران و ملا متبان ملازم  
 او بودند و مردم شهر بدیدن او میرفتند و پیوسته دیک  
 کلان صرف آینه و زونده میکردند و مدفش در همان  
 محل است که خود اختیار کرده بودند و خوارق عادات  
 از و مشاهده میرفت .

## مولانا سراج الدین ملتانی

مولانا اعظم اعلم العلماء ذی الفضل العالی و الفقر  
 المتعالی و الورع الدائم مولانا سراج الدین ملتانی  
 از متعینان زهاد و وقت خود بوده و تربیت یافته شیخ  
 الاسلام و المسلمین شیخ زین الدین الخوافی است و  
 منظور نظر خواص آن بزرگوار دین بوده و بعد از آن  
 قایم مقام او و مقتدای مریدان ایشان بود و طریقه به  
 غایت عالی داشت و فقر و سلوک و ولایت او بر هر کس ظاهر  
 میشد و بطریق اختیار میکردانید فوتش در سال هشتصد و چهل  
 و یک است مدفش در تخت مزار شیخ زین الدین  
 الخوافیست .

## شیخ بهاء الدین عمر جفاره کی

شیخ الاسلام و کھف الانام ملجاء الخاص و الامام قبلۃ  
 السالکین بعلو الہمة و سمو النظر شیخ بہاء الدین عمر  
 از مریدان حال خود شیخ محمد بن شاہ فراہی  
 بعلوم ظاہر و باطن بسیار بلند و صائم الدھر و  
 مشرف بہ قلوب و قبور و معتقد فیہ سلاطین و حکام و  
 ملائکہ و ملجاء خواص و عوام بودہ مولدش در فراہ  
 و در ہرات نشو و نما یافتہ و کارش بغایت بالا گرفت  
 و کرامات و مقامات وی درین مختصر کجا بیان کرد  
 شرح او صاف بزرگی او نتوان نوشت در ایام سلطنت  
 امیرزادہ بابر دعوت حق را لیبک اجابت نمود و در  
 تقدیمی کہ داشت بخلف الصدق خود گذاشت و فاتریشان  
 در روزہ شنبہ سلخ ربیع الاول در ستہ ہشتصد و پنجاہ  
 و ہفت ہجری واقع شد مدفن ایشان در شمال زیارت  
 شیخ زین الدین الخوافی جنب عید گاہ ہرات است .

## مولانا جلال الدین الکرمانی

مولانا شیخ الاسلام و المسلمین عارف یکانہ زمان  
 خود بودہ و جامع میان علم ظاہر و باطن و مریدی



تربیت شیخ الاسلام و مرشد الانام بالاتفاق شیخ  
جمال الدین ابوبکر اسحاق کازرونی المریدی بود و  
میان شیخ و اولیاء عظام سفارت مینمود و اخبار غیبی  
می آورد و میبرد و سلوک وافیه داشت و ریاضت  
شاقه کشیده تا بمقصد اصلی رسید و کشف بصحت  
مه صوفی و اخبارش بصدق معروف و همواره شعر بافی  
کسب میکرد و از همین درک معیشت عیال داری خود  
مینمود و در وقت خاص بدرس طلبه مشغول میشد و توجه  
دایم داشت و نور بشره از حضور دل خبر میداد مدفنش  
در خطیره امام فخر رازی در خلف پنجره که محیط  
است بر قد امام مذکور و فیض وافیه از روح آن  
بزائیران میرسد .

### مولانا سعد الدین الکاشغری (رح)

مولانا شیخ الاسلام قدوة العرفاء و اسوة الکبراء فی  
عهد و او و انه مولانا سعد الدین الکاشغری قدس سره  
از اکابر اولیاء الله بوده و بطریق عالی درجات خواجه  
کان نقشند به قدس ارواحهم سلوک میفرموده و در  
انجمن بخلوت میگذرانید و مقامی بغایت شکر داشت  
و معتقد فیه تمام اعز و حکام و خواص و عوام

بوده و خلیفه حضرت مولانا نظام الدین خاموش قدس  
سره بوده اند و بخدمت حضرت سید قاسم تبریزی و  
مولانا ابویزید یورانی و شیخ زین الدین خافی و شیخ  
بهاء الدین عمر جغاره کی رسیده اند و صحبت هائموده  
و حضرت مولانا عبدالرحمن جامی قدس سره شاگرد  
و مرید و داماد ایشان بوده و وفات ایشان در اثنای  
تماز ظهر روزی چهارشنبه هفتم جمادی الاخری سال  
هشتصد و شصت هجری مدفن ایشان در خیابان درتخت  
مزاری که بجهت ایشان تعیین نموده بودند و مولانا  
عبدالرحمن جامی قدس سره وصیت فرموده بود  
که در پیش روی ایشان مدفون گردند در همان جای  
مدفونند .

## مولانا جلال الدین ابویزید یورانی

مولانا شیخ الاسلام مغفور سعید القطب التورانی  
مولانا ابویزید یورانی قدس سره بر طریقه سلف  
و شیوه اقطاب و اولیای ارباب و صحابه کبار میگذرانید و  
مناقب علیه او بیش از آن که در حین تحریر در آید  
و به صحبت مولانا ظهیر الدین خلوتی رسیده اند و  
معتقد طریقه ایشان بوده اند و حضرت مولانا عبدالرحمن



Page  
Missing

و با خواص خود میگفت که بمن نمودند که عرصه مملکت  
 آن صاحب کمال همایون و اصل و متواصل گردد  
 و عمر شریفش به نود سال رسید و در آخر  
 سال هشتصد و شصت و دوی هجری بجوار رحمت ارحم  
 الراحمین پیوست و مدفون ایشان در قریه پوران  
 خاصه در تخت گاه که بجهت ایشان ساخته شده است.

### مولانا شمس الدین محمد کوسوی

وی از اولاد کبار و احفاد بزرگوار کهن  
 الانام منظور نظر ملک علام شیخ الاسلام احمد  
 الجامی قدس سره است خواه معین المله و الدین  
 محمد المشهور بخواجه محمد کوسوی از اقطاب  
 روزگار و مشایخ کبار و ناصح جمیع خلائق و  
 صاحب کشف و شهود و عارف بحقایق قرآنی و حدیث  
 بود و در هنگام وجد نظر مبارک او بر هر کس که افتادی  
 آنکس البته بی هوش شدی و در منبر و قش بسیار  
 خوش میشد و در مجلس شریفش فیوضات ربانی بر  
 مفارق مستمعان نثار میشد و اخلاص تمام و اختصاص  
 با نظام بدولت خواهان حضرت خلافت پناه خاقان  
 سعید داشت و در آن وقت که در هر ات فتور واقع



شده بود بمجا هده مردم بیکانه و اهل فجور اشتغال  
مینمودند روزی جمعه اتفاقاً از حمام بیرون آمده  
بودند در راه بر منکرات و قوف یافتند عظیم  
ملول شدند بعد از نماز جمعه که مجلس میفرمودند  
تفاقاً ناظم الحروف در آن روز خود را مشرف  
داشته در اثنای ر عظ استغراق واقع شده و  
حکایات بلند بزبان ایشان بگذشت و در انمیان  
فرمودند که ایها الناس عجب حالست که جماعت  
اجنبی اند و حال پیدا شده اند و در مملکت دیگران  
بغیر حق تصرف کرده اند تا باین غایت بی راهی  
و فجور مینمایند و خبر ندارند که خداوند ملک عنقریب  
مظفر و منصور میرسد خلاق متحیر شدند و با یکدیگر  
گفتند که آیا مال این سخن بکجا خواهد رسید و فقیر  
تاریخ آن روز را نوشته چهل روز بگذشت که عسکر  
همایون حضرت خلافت پناه در صحرای کازان **ر**گاه  
فرمودند و فائش در سال هشتصد و شصت و سه  
هجری مدفنش در کنج مغربی مسجد جامع از طرف جنوب در  
همان خانه که منزل ایشان بود در جوار مزار متبرک  
خواججه مرغزی رحمة الله علیه .

## مولانا جلال الدین محمود امامی

مولانا شیخ الاسلام اعظم جامع اقسام کمالات  
ذی اطلاع المسعود والخلق المودود مولانا  
جلال الدین محمود امامی از اعیان اکابر قبة  
الاسلام هرات و مقتدای قبایل و اقوام و خلیفه و  
تابع بدر منیر سلطان سید احمد کبیر رفاعی قدس سره  
بود و اوراد و اذکار عالی داشت و با اکابر و افاضل  
بسیار صحبت میداشت و جمیع محصولات و اسباب مورثی  
خود را صرف فقرا و مساکین احمدیه و مرشدیه و غیرهم  
مینمود و لقمه آرباب مناصب تناول نمیکرد و عمرش  
به نود سال رسید و دو در سال هشتصد و شصت و سه هجری  
وفات یافت مدفنش در خطیره امام فخر رازی در  
جوار مشایخ بسطامی قدس الله ارواحهم .

## بابا کوکی مجذوب

دیوانه کرم بود و هیبت تمام داشت و سخنان تلخ  
بسیار میگفت و او را از مشاهیر مجانبین میشمردند و روزی  
شیخزاده بیرقوام که در ایام دولت بابر بمرتب  
صد ارت رسید و دو سواره در سرپل انجیل میگذاشت



یا با کوی سنگی چند در دست داشت یکی از آنها  
 را بطرف شیخ زاده انداخت بمیان دو شانه او  
 خورد و عظیم متاذی شد بانو کران خود گفت  
 تا با بار بسیار کردند یکسال بسر نکشید که درات  
 او منقضی گشت نه شیخ زاده ماند و نه مریدان به یک  
 باره کی خراب و برهم شدند و فاتس در سال هشتصد  
 و هشتاد و چهار هجری مدفنش در خیابان است \*

### مولانا محمد جرجانی

مولانا اعظم اعلم العلماء فی المعجم حاوی الفروع  
 و الاصول جامع المعقول و المنقول المشتهر طینة و فضائله  
 بین الامم معدن العلوم و الحکم مولانا شمس الملة  
 والدین محمد الجرجانی از فحول علماء و اعیان فضلاء  
 و استاد اکثر طلبه خراسان و عقیده پاک و بدایه بغایت  
 خوب داشت و مدتی سی سال کتب متداوله مشکله مثل شرح  
 قاضی مصباح و شرح موافق و شرحین مفتاح و کشف  
 را بی مطالعه درس میگفت و شاگرد مولانا اعظم علامه  
 العلماء فی العالم مولانا جلال الملة والدین یوسف  
 الحلاج بوده و ازو تربیت یافته و عمرش از هشتاد  
 سال گذشته بود و در سال هشتصد و شصت و چهار هجری

وفات یافت مد فتنش در تخت گاه شیخ زین الدین  
الخوافی است .

### مولانا زاهد طفلكانی

مولانا اعظم المشایخ و الاماخذ العالم الر بانى  
مولانا زاهد طفلكانی از اعزّه روزگار و صالحاء نامدار  
و در علوم صوری و معنوی صاحب اعتبار و متقی و عابد و زاهد  
و بر طریقه زمینه سلوک میفرمود مولانا اعظم قدوة  
السا لکین مولانا سراج عالم باطن تمام داشت فی الواقع  
از اکفاء و اقران خود ممتاز بوده و در سال هشتصد و شصت  
و چهار هجری وفات یافت مد فتنش در تخت گاهی شیخ  
زین الدین الخوافی است .

این بود اسامی اکابر و اعیان افاضل و اشراف مشایخ  
واقطاب که در خطه قبه الاسلام هرات و بلوکات آن در  
برده اند و همواره مقصد زوار و معاذ و ملاذ صغار و کبار  
اهالی مملکت از خواص و عوام میباشند و در فوشنج (۱)  
که از نواحی قبه الاسلام هرات است و حال مشهور به قریه

(۱) فوشنج شهری بود که آن را قبل از بنا هرات  
یوشنک بن افراسیاب بنا کرده بود که افسانه عجایب  
البطلان .



زنده جان میباشد و بسیاری از اکابر و محدثان و فضلاء و بزرگان مثل شیخ ابوالحسن فوشنجی و شیخ عبدالحق که از اهل حضرت شیخ احمد جام است و غیره بزرگان مد فو نند؛

استقصای مزارات هر اوقات را نمودن امر خطیر (۱) است و در تاریخ ماکمل که از مولفات این فقیر است استقصای آن واقع شده و امل و انتق که بمیان نظر عنايت و مساعدت اهتمام ارکان دولت حضرت خلافت پناه کشور سلطان سلطان ابوسعید گوهران خلد الله تعالی ملکه و سلطان ابوسعید شریفه و سایر توالیف این فقیر که مدتهاست در پس پردخفا مانده بر منصفه [۲] ظهور و عرصه عرفاناشتها و منظور مطالعه و ملا حظة اهل روزگار کردد \* و الله علی کل شیء قدیر \*

خاتمه و عوده؛ مشتمل بر چند کلمه که اظهار آن

بر این مسکین واجب است مثل ادای دین و استماع آن حسب الامکان بر نواب کا مکار فرض عین است

(۱) خطیر بالخاء المعجمه امری امری بزک \*

(۲) منصفه تخت جلوگاه عروس \*

امید است که بشرف قبول مشرف گردانند انشاء الله تعالی  
 بر مرآت ضمیر مطیعان سرا دق دوات و سعادت که  
 سجنجل الارواح عالم غیب و شهادت است معروض  
 میگردد که نعمت منتهای حضرت الهی بمرتب بر مفا ر ق  
 عظمت و ابهت ملازمان این آستان ظفر آشیان فائض  
 میشود که عقول افهام انام با دراک کیفیت و کمیت  
 آن نمیتوانند رسید و بمقتضای قضیه شریطه و لثن شکر  
 تم لازید نکم بر ذمه همت حجاب با ره گاه کیوان یفا  
 لازم و محتتم است بتمهید قه اعد شکر و اهب العطا یا  
 اشتغال فرمودن تا مستوجب زیادت گشته هر ساعت  
 دوات تازم و هر لحظه نصرتی بی اندازم بر روزگار  
 همایون و صول یا بد چون مقرر است که این فیوضات  
 لاریب بمدد عنایت عالم غیب بی شائبه نقص و عیب  
 متعاقب بر ساحت آمال و انانی معتکفان این عتبه [۱]  
 سپهر مرتبه نزول مینماید پس واجب که بر طبق فرمان  
 واجب الاذعان و احسن کما احسن الله الیک عنان  
 عاطفت را بصوب تفقد و ارضاع مستمند ان معطوف  
 دارند هر آئینه مستلزم استخلا دوات دو جهانی  
 است چون در جمع نمودن این رسالده توجه خاطر

(۱) عتبه پیش گاه در است .



در یا مقاطر خداست به تحقیق و یقین نمودن مراقب  
اولیاء و اکابر و اشراف تا بعد از معرفت مزایا رات  
آن طایفه در هنگام ظهور مهمات استمداد همت از  
روحانیت ایشان طالب نموده مقاصد و مطالب حاجات  
و مآرب بحصول موصول برآید بهمین منوال اگر در  
چنین مجال بترقبه احوال کسب و کمال و ترقی برمساعده  
اقبال شان که متفق علیه است پردازند یقین که اثر این  
معنی از غیر آن کمتر نخواهد بود بعد از ایضاح مقدمات  
اگر بتفصیل حکایات شروع مینمایند مقصد بطول می انجامد  
و با برام منتهی میشود حسن ادب تجویز این معنی نمی  
نماید بر وفق کلام معجز نظام که (خیر الکلام ما قل  
و دل) عرضه داشت ارکان دولت می نماید که دفع بدان  
وقوع دادن و کشف استار ظلم و شقاق و تحقیق معاملات  
مرد زان و قلابان و فریاد رسی مظلومان و افتاده گان و  
غریبان و استخلاص تجزیه از دست تطاول اقویه و بد  
گویان و تمیز رسوم ظلمه جافیه از صواب شریعت  
محمد به تابه الصارات و التسلیمات و التحیه و قواعد سلاطین  
ما ضیه و کسب ذکر جمیل و ثنای جزیل و تاسیس سنت  
حسنة چند تا قیام قیامت متمسک آیند. گان باشد از اهم  
مهمات است مناسب حال این دولت ظاهره چنان مینماید

که چندان خیرات بمساعدت نواب کامکار فلک اقتدار ممضی  
ومجرا شود که سلاطین روی زمین دستور دولت خود  
شناسند دلیل صدق این معنی خبر معتبر [ من سن سنة  
حسنة ) کافی و وافی است تمت الکتب جلد اول  
و سألته مزارات هرات بتاریخ یوم دو شنبه بیست  
یکم شهر ذی قعدة الحرام سنه یکهزار و سه صد و چهل  
و هشت من هجرة النبوی صلی الله علیه و علی آله و اصحابه  
و سلم حرره العبد الفقیر دین محمد بن مر حوم تاج محمد  
بن مر حوم آخند ملا شهاب الدین قوم فوفلزائی  
زندجانی آلهی ببرکت ارواح پاک مزارات کثیر  
البرکات دارالانصرت هرات را قدس الله ارواحهم  
و این بنده کسکه کار شرمساز و باقی اهل هرات را هدایت نمائی و  
توفیق بر طاعت و اجتناب از معصیت کرامت فرمائی  
آمین نم آمین یا رب العالمین برحمتک یا ارحم  
الراحمین .





- [بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ] -

سیاس و ستایش مر خدای را سزا است که آئینه  
دل دوستان را جلوه گاه جمال ذات کریم خود  
گردانید و بحکم [الاناء یترشح بما فیہ] بر تو نور  
قدیم خود در ابر صفا یخ و جود ایشان هویدا ساخت  
کما قال رسول الله (ص) الذین اذا رادوا ذکر الله و صلواته  
ورحمت خدای به افضل ارباب فنا و بقا یعنی سرخیل انبیاء صلواته  
الله و سلامه علیه و علیهم و رحمت بر خانوادہ پاک او و  
بر اصحاب و جمعی که پیروی ایشان گشته اند الی  
یوم القیام باد؛

بعد برای صواب نمایی حقایق آگاهان معارف  
التبایه مخلصان و معتقدان اهل الله عرضه میدارد  
فقیر حقیر بر تقصیر لازم التصغیر عبید الله بن ابو سعید  
هر وی که چون کتاب مقصد الاقبال که عالم کامل و  
عارف فاضل امیر سید عبد الله الحدیثی المشهور به  
اصیل الدین و اعظم که در سنه هشتصد و شصت چهل و  
هجری تصنیف نموده بود و مزارات عالی درجات هرات  
و اکه تا ایام سعادت فرجام ایشان بحکم (اولیاء  
الله لا یموتون بل ینقلون من دار الفناء الی دار البقاء)

بسرای دیگر نقل نموده اند در آن رساله تحریر شده  
و ذکر خود ایشان و اولیاء عظام و مشایخ ذوی  
الاحترام که بعد از ایشان بوده اند و ذکر آنها  
متفرق بود در سنه یکهزار و صد و نود و هشت هجری که  
سه صد و سی و چهار سال از تصنیف کتاب سابق گذشته  
بود هیچ یک از فضایل بلاغت شعار بخیا ل این نیفتاد  
که در یکجا جمع نمایند

بنام علیہ ابن بندہ محقر با وجود قلت بضاعت و عدم  
استطاعت بسبب کمال اعتقاد و ذوق زیارات عالی  
درجات جمعی از اولیاء اللہ که ذکر ایشان در نفعات  
الانس و رشفات و حیب السیر و سبله الشفاعات  
و سایر کتب که بنظر رسیده در جزوی علیحدہ در آخر  
کتاب رساله مزارات سابق تحریر نموده که هر کس ذوق  
زیارت داشته باشد مطالعه کند و زیارت بزرگان  
اشتغال نماید تا بمضمون حدیث شریف نبوی صلی اللہ  
علیہ و سلم اذا تحیرتم فی الامور فاستعینوا من اهل  
القبور اعانت از اولیاء اللہ خواسته بمطالب و بمقاصد  
برسد

فائده زیارت : حضرت حقایق و عرفان پناہ مولانا  
عبدالرحمن جامی قدس سرہ در کتاب نفعات الانس



در ذکر ابوالمکارم رکن الدوله احمد بن محمد  
نقل کرده اند که در ویشی از وی سوال کرد که  
چون ابن بدان را در خاک ادراکی نیست و روح  
از وی مفارق شده در عالم ارواح حجاب نیست چه  
احتیاج است بسر خاک رفتن چه در هر مقام که  
توجه کنند بروح آن معلوم است حضرت شیخ فرمودند  
که فائده بسیار دارد یکی آنکه چون کسی زیارت  
کسی میرود چندان آن زیارت خوش میشود و چون سر خاک رود  
و بحس مشاهد کند حس او نیز مشغول شود و بکلی  
متوجه شود فائده بیشتر داشته باشد بیکر آنکه  
هر چند ارواح را حجاب نیست و همه جهان او را  
یکی است اما در بدن که هفتاد سال با وصفت داشته  
و بدن محسوس را و که بعد از حشر ابد الابد خواهد  
بود آنجا باشد بآن بدن نظری و تعلق بیشتر باشد فوائده  
زیارت بسیار است اگر کسی اینجا توجه کند بروحانیت  
حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم فایده می یابد  
و اگر بدمین مشرفه منوره رود و روحانیت حضرت  
رسول الله صلی الله علیه و سلم از رنج رام او باخبر  
باشد و چون آنجا رود و به حس مشاهده کند و بکلی  
متوجه شود فائده آن را با این چه نسبت است اکنون

بذکر مزارات عالیقدر جانت و تار بیخوفات و مدفن  
ایشان که در کتب مذکور شده قیدام نموده خواهد  
شد و منه الاغانی و التوفیق .

## مولانا نورالدین عبد الرحمن

الجامی قدس سره

فضائل و کمالات آنجناب مانند آفتاب جهان تاب  
منور عرصه ربیع مسکون است و رشحات اقیلام فیض  
انجام آن زبده شیخ و شایبسان قطرات سحاب  
حضرت بخش افضای بوقلمون از جواهر نظمش صد ف  
! لافلاک پرورد در افروز است و از لآلی تدرش عرصه  
عالمه خاک جواهر اندوز و تصانیف ایشان بعدد لفظی  
جامی پنجاه و چهار است و همه در عالم مشهور مثل  
شرح ملا و تفحات الانس و هفت اورنگ مشتمل بر  
هفت کتاب و بهارستان و غیره و حضرت مولانا را فہمی  
و طبعی بود کہ بالآخر از ان کس را نباشد و بسیار  
خوش خلق و خوش تکلم بود و مطائبهای پشربین میفرمود  
لقب اصلی ایشان عماد الدین و لقب مشهور نور الدین  
و تخلص جامی و نام و والد ماجد ایشان نظام الدین  
احمد بن شمس الدین محمد دشتی است و دشت محلہ



ایست از اصفهان حنفی مذهب بوده اند و حضرت  
 مولانا عالم و فاضل و در قنون علم ظاهری و باطنی  
 جامع و مقبول عالم و مقتدای اهل ماوراءالنهر و خراسان  
 و پیشوای زمان بوده اند و سلطان حسین میرزا را  
 کمال عقیدت و نیابت مندی بخدمت ایشان داشت و از  
 کمال مریدان مولانا سعدالدین کاشغری بوده و حضرة  
 خواجده محمد یار سارا در ایام طفولیت ملازمت کرده  
 بودند و حضرت یاره نیابت کرمانی بدیشان عنایت نموده  
 بود و خواه عید الله احرار قدس الله سره کمال تعظیم  
 و احترام شان مینمودند چنانچه در مکاتیب خود لفظ عرضه  
 داشت می نوشتند و میفرمود که آفتابی در خراسان است  
 مردم آنرا گذاشته بروشنائی چراغ بماوراءالنهر  
 می آیند با وجود این بزرگی گاهی اظهار درویشی و کرامات  
 قبی فرمودند و خود را بلباس عالم ظاهری و گاهی برصفت شعر و شاعری  
 پنهان میداشتند و میفرمودند که ستر حال شرط این  
 طریقه است و هر کس از فقر ابلباسی مستور است و این  
 فقیر با حسن لباسی که لباس علماست مستورم و لادت با  
 سعادتش در شب بیستم شعبان المعظم سال هشتصد و هفده  
 هجری و مدتی بعد ایشان به هشتاد و یکسال رسید  
 و فاتش بعد از فوت حضرت خواجده احرار پسه سال در

سال [۱۸۹۸] هشتصد و نود و هشت از هجرت روز ۵ شنبه  
 هجدهم محرم الحرام در وقت اذان صبح وفات نمودند  
 خاقان کبیر سلطان حسین میرزا و امیر علی شیر و سایر  
 وارکان دولت و از سادات و علما و مشایخ بمنزل آن  
 جناب که قریب پل تولکی بود و مشهور است بدو لتخانه  
 تشریف برده بعد از لوازم تجهیز و تکفین بعید گاه هرات  
 برده و در پیش روی پیر بزرگوار ایشان مولانا سعد  
 الدین کاشغری دفن نمودند و مزار آنحضرت قبله حاجه  
 و کعبه مرادات است و اکثر مردم هرات روز شنبه بزیارت  
 ایشان میروند و فیض و فتوح میبردند مناقبشان بسیار  
 است درین مختصر نمیکنند.

## خواجه محمد اکبر [قدس سره]

مشهور به خواجه کلام پسر کلان حضرت مولانا  
 سعد الدین کاشغری است از اصحاب حضرت خواجه  
 عبیدالله احرار قدس الله سراره بود و حضرت  
 مولانا عبدالرحمن جامی قدس سره در صفت ایشان می  
 فرمودند (خاک او بهتر از خوان دیگران) وفات ایشان صبح  
 پنجشنبه دوازدهم جماد الاخری سال نهصد و چهار هجری  
 و قبر ایشان در تخت مزار والد ایشان است.



## خواجه محمد اصغر [رح]

فرزند خوردمو لانا سعد الدین کاشغری است مطلع بر  
 دقایق تفسیر و حقایق تاویل بود وفات ایشان در ولایت  
 زمین داورد رسال انهد و شیش هجری و بعضی از خدام  
 نعل مبارک ایشان را در هرات آورده در عقب والد  
 ایشان مدفون نمودند مخفی نما تا ده که هر دو خواجه  
 حافظ قرآن مجید بودند و در علوم ظاهری و اخلاق  
 باطنی شهرت تمام دارند \*

## مولانا محمد جامی [رح]

برادر مولانا عبدالرحمن جامی قدس سره اند و حضرت  
 مولانا جامی صاحب درتر جیب بند مرثیه ایشان فرموده  
 اند !

—\* بیت \*—

من بودم از جهان و کرامی برادری \* در سلك اهل فضل کرامیه کوهری  
 ز انسان برادری که در اطوار علم و فضل \* چون او نژاده مادری ایام دیگری  
 و وفات ایشان در سال هشتصد و هفتاد و هفت هجری بود  
 مدفنش در تخت مزار مولانا سعد الدین کاشغری است \*

## مولانا عبد الغفور لاری

لقب اعلیٰ شان رضی الدین است و اصل ایشان از لاری  
 است از اعیان آن دیار بوده و از اولاد ابن سعد  
 عباده (رض) اند که مهتر قبیلہ خرزج است و از کبار صحابه  
 انصاری است و از اصحاب مولانا نور الدین  
 عبدالرحمن جامی است در طریقت و شاگرد رشید  
 ایشان بود در علوم و بر کتاب شرح ملا و تفحات  
 الانس حاشیه نموده و حضرت جامی صاحب در مدح  
 ایشان گفته اند .

### بیت

آنجا که فهم و دانش مرغی بود شکاری \* باز است تیز رفتار عبد الغفور لاری  
 و در علوم عقلی و نقلی یکانه زمان و فرزانه دران  
 بوده و در روز وفات شان حضرت مولانا عبدالرحمن  
 جامی حاضر بوده اند و کمال محبت و اخلاص بخدمت  
 ایشان داشته اند و وفات ایشان بعد از طلوع آفتاب  
 روز یکشنبه پنجم شعبان سال نهصد و دوازده هجری است .

### قطعه

چه شد عبد الغفور آن کامل عصر \* بعقبی غرقه در یای غفران  
 چو خواجهی روز ماه و سال فوتش \* بگو یکشنبه و پنجم شعبان



و قبر ایشان در پایان یای پیر ایشان مولانا عبد  
الرحمن جامی است زهی سعادت مند مریدی که  
که بعد از مردن هم در خدمت پیر خود باشد .

### مولانا شهاب الدین برجندی

از کبار اصحاب مولانا سعد الدین کاشغری بوده اصل  
ایشان از برجند بوده که قصبه ایست از قاین و نام  
ایشان احمد بن محمود است سن شریف ایشان پنجاه  
و پنج سال بود و در سال هشتصد و هشت هجری و به  
روایتی در سنه هشتصد و پنجاه و هفت وفات نمودند و  
قبر ایشان در تخت مزار مولانا سعد الدین کاشغری است .

### مولانا علاء الدین

نام ایشان محمد بن المومن است و مولد ایشان  
آب پز است که دهی است در ولایت قهستان از کبار  
اصحاب مولانا سعد الدین کاشغری است و بعد از نقل  
ایشان بدار عقبی به خدمت مولانا نور الدین عبد  
الرحمن جامی بازگشت تمام داشته و میفرمودند که در  
زمان سلطان ابوسعید گورکان که حضرت خواجه  
عبید الله احرار در هرات تشریف آورده بودند

اول بار بنده که بملا زمت ایشان مشرف شدم فرمودند  
 که چه کسی و چه نام داری و چه کار میکنی گفتم نفری ام  
 از خادمان مولانا سعدالدین کاشغری و مکتب داریکی  
 میکنم فرمودند داریک مگوی و به تصغیر نام او مبر  
 که مکتب داری کار بزرگ است و بسی فوائد و عوائد  
 بران مرتب است و فوات ایشان در سال هشتصد و نود  
 دو هجری مدفن ایشان در تخت مزار مولانا سعدالدین کاشغری است. [۱]

### خواجه قاسم جامی

از عرفاء عصر و از اولاد حضرت مولانا شیخ الاسلام  
 احمد الجامی است تاریخ و فوات ایشان معلوم نشده  
 و قبرش در تخت مزار مولانا سعدالدین کاشغری است.

### مولانا غیاث الدین شمع ریز

از فضلا و عزیزان بوده و قبرش در تخت مزار مولانا  
 سعدالدین کاشغری است.

### امام شش نور

از سادات اند و کیفیت ایشان در لوحی بالای سر  
 ایشان ثبت است در قریه که بنام ایشان مشهور است  
 [۱] ذکرشان در شحات مذکور است.



کنبدی است عالی و شیش قبر در آنجا موجود است و از باب  
 حاجت در آن منزل بفیوضات مبرسند گویند که حضرت  
 شیخ الاسلام و المسلمین شیخ زین الدین الخیرا فی  
 زیارت مزارات سادات سته میر فزند و مریدان  
 و مخلصان را بزیارت شان امر میفرمودند و فی الواقع  
 بغایت پر فیض و نورانی است تاریخ وفات ایشان معلوم  
 نشده .

### میر عبد الله الحسینی

المشهور باصیل الدین واعظ از سادات والا تبار  
 بوده و در علم و زهد و تقوی درجه علیا داشت و  
 در ایام خاقان سعید سلطان ابو سعید گورگان از شیراز  
 که وطن اصلی ایشان بوده در هرات تشریف آوردند  
 و همیشه در هفته یک نوبت در مدرسه کوه شاد آغا  
 که در خیابان است بموعظه و نصیحت خلق می پرداخت  
 و از مؤلفات آن ستوده خصال است کتاب درج الدرر  
 و رساله مزارات هرات و کتاب معراج الاعمال در بیان  
 او را در عبادات است در میان افاضل و اعیان مشهور  
 است انتقال سید بزرگوار همد هم ربیع الاخر سال  
 هشتصد و نود و سه هجری و قبر ایشان در جنب مدرسه

گوهر شاد آغا .

## مولانا خواجه کوهی

در بدایت حال ارادت بخدمت حضرت خواجه محمد کوهی  
داشت و چهار سال در خدمت ایشان بوده اما در آخر  
وی را تربیت از روحانیت پدر وی مولانا حافظ  
شمس الدین محمد بوده مدفنش در کوه شمال ساق  
سلمان است .

## مولانا حاجی محمد فراهی (رح)

از اصحاب مولانا شیخ زین الدین الخوافی  
و بغایت بزرگوار و بسیار عالی مقدار و در ترک  
و تجرید یک نه روزگار بوده و اوقات شریف  
خود را بمطالعه علوم دینی و معارف یقینیه میگذرانیده  
و فاتش در سال هشتصد و شصت هجری و قبرش در  
خیابان در خطیره امام فخر الدین رازی است (رح)

## قاضی نظام الدین محمد

ولد ارشد مولانا حاجی محمد فراهی است و مولانا  
حاجی محمد دز سلك اعظم و فقهای زمان ابو



القاسم با بر بها در انتظام داشت اما قاضی نظام  
 الدین محمد بمزید زهد و تقوی مهارت داشت و  
 و در امور درس و قنوائی مشهور بود و مدت مدید  
 در مدرسه غیاثیه و مدرسه اخلاصیه بمراسم تدریس  
 قیام مینمود و خاقان منصور به تکلیف او را قاضی  
 هرات مقرر نمود و در فیصل قضا یا نهایت امانت مرعی  
 میداشت و فائش در ماه مجرم سال نهد هجری و  
 قبرش در گاه در مزار حضرت خواجه عبد  
 الله انصاری قدس سره .

## مولانا معین الدین واعظ

فراهی برادر امجد قاضی نظام الدین محمد  
 بوده و در زهد و تقوی درجه علیا داشت و در مسجد  
 جامع هرات و عظمی در کمال تاثیر میگفت و بامر ای  
 که در مجلس میبود ملتفت نمیشد و در نصیحت آن طائفه  
 سخنان زشت بر زبان او میکندشت و بعد از فوت برادر  
 خود یکسال صاحب منصب قضا بود بعد از آن ترك کرد  
 دیگر هر چند مبالغه نمودند قبول نکرد و از آثار قلم  
 لطایف نکاتش کتاب معارج النبوة و تفسیر [۱] فاتحه

[۱] که مسمی است به اسرار الفاتحه .

الکتاب و قصه یوسف زلیخا در میان عالم مشهور  
 است و غیره تصانیف نیز دارد و فاتش دیرسال نهد  
 و هفت هجری و قبرش در مزار مقرب حضرت باری  
 خواجه عبدالله انصاری در بهلوی برادر خود خواجه  
 نظام الدین احمد در پایان یسای حضرت خواجه  
 عبدالله انصاری است قدس سره .

### مولانا کمال الدین حسین واعظ کاشفی

بآواز خوش و صوت دلکش بوعظ نصیحت میپرداخت  
 تصانیف وی بسیار است از انجمله جواهر التفسیر  
 و تفسیر موهب علیه و روضة الشهداء و انوار سهیلی  
 و مخزن الانشاء و اخلاق المحسنین و اختیارات  
 در میان عالم مشهور است و در سده نهد و هشت هجری  
 وفات یافت و قبرش در شمال عید گاه است .

### شیخ نورالدین محمد

ولد امجد شیخ بهاء الدین عمر جناره گی بود و سلطان  
 ابو سعید کورگان در تعظیم ان جناب مبانیغه تمام  
 می فرمودند و فاتش در صبح جمعه بیست و سیم رمضان  
 المبارک سال هشتصد و هفتاد و هشت هجری و مدفنش



۱۵۳

در خیابان در پهلوی والد خود مدفونند •

## حافظ غیاث

قد و ار با ب علم و حلم و عمدۀ مجددان زمانۀ  
خود بود و فائش در سال هشتصد و نود و هفت هجری  
و قبرش در شمال خیابان در مقبرۀ مولا عمر مدفونند •

## شیخ شاه محمد

بغایت از رگوار بوده و کرامات و مقامات داشته  
و پیوسته یادشاه اسلام سلطان ابو سعید کورگان  
به صحبت وی رفتی و قبر وی در شمال عید گاه  
سابقه است •

## مولانا حافظ روجی

قاری سبعه و صاحب کرامات و مقامات بوده و قبر وی  
در جنوب استاد وی حافظ علی روجی است •

## حافظ علی روجی

وی نیز قاری سبعه و صاحب کرامات و مقامات بوده  
و قبر وی در قبلۀ عید گاه هرات است •

### شاه طیب الخوافی

از مریدان شیخ الاسلام والمسلمین شیخ زین الدین الخوافی است و حج گذارده و از وی کرامات بسیار منقول شده و فاتش در سال هشتصد و نوسود و چهار هجری و قبرش در خیابان در خطیره علما مدفون است .

### سلطان محمد و سلطان محمود

هر دو از اولاد شاه طیب الخوافی و خلفای وی بوده اند قبر ایشان در خیابان در مقبره شاه طیب است .

### درویش خداداد [رح]

سیاه پوش از خلفای شاه طیب است و قبرش در تختگاه شاه طیب است .

### مولانا شمس الملت والدین قدس سره

از مریدان کارکرده شیخ الاسلام والمسلمین شیخ زین الدین الخوافی است و جامع بوده میان علم



ظاهری و باطنی و کرامات و مقامات او فوق  
الحصر و البیان است کتاب منازل السائرین که  
از تصنیفات حضرت شیخ الاسلام خواجہ عبد اللہ انصاری  
است شرحی نیکو کرده است هر که اندک حالتی داشته  
باشد داند که اکثر سخنان که در آنجا مذکور است  
مبنی بر قواعده علم و عرفان است و مبسوط از خصایص  
ذوق و وجدان است و قصیده متبر که برده را بر بی  
و فارسی مخمس نموده در نهایت فصاحت شرح کرده  
که صاحب کمالان از تحریر آن متعجب اند و بر اسماء  
الحسنی شرح بسیار نیکو کرده است یکی از علماء  
گفته که مرا مهمی پیش آمد بخد مت وی رفتم با التماس  
آنکه سفارش من به پادشاه وقت بکند پیش از آنکه  
اظہار کردم کاغذی از آستین مبارک خود بیرون  
آورده بمن داد چون نگاه کردم آن نوع که میخواستم  
نوشته بود بخد مت پادشاه بر دم مهم من کفایت شد  
و گویند قوت حافظه وی بحدی بود که در ماه مبارک  
و رمضان هر روز یک جزء قرآن مجید را حفظ میکرد  
و شب تلاوت میکرد تا آخر ماه مبارک کلام الله را حفظ  
کرده بود وفاتش در سال هشتصد و نود و یک هجری و قبرش  
در خیابان و امیر نظام الدین علی شیر در جانب جنوب

مزار فیض آنارش خانقاہی ساخته است .

## مولانا شمس الدین محمد عطار

از اصحاب شیخ الاسلام و المسلمین شیخ زین الدین  
الخوافی است و عالم به علوم ظاہری و باطنی بوده  
و قبرش در خمیچہ آباد در درون روضہ حضرت امام  
عبدالواحد شہید است .

## امیر خواجہ خواند محمد

حضرت مخدوم امجد از سادات عظام و در علوم معقول  
و منقول مہارت تمام داشت و در تالیف کتاب افادت  
ایاب روضہ الصفا نہایت بلاغت بکار بردہ و در آخر  
حیات انزوا اختیار کردہ مدت یکسال بہ گزرگاہ بسودہ  
کسب عبادت اخروی مینمودہ در آخر مریض شدہ بشہر  
مراجمت نمودہ مدتی ہژدہ ماہ صاحب فراش بودہ  
و در دوم ذی قعدۃ الحرام سال نہصد و سہ ہجری از  
محنت آباد جہان بریاض راحت افزای جنان خرامید  
و عمرش بہ شصت سال رسیدہ بود و قبرش در مزار شیخ  
بہاء الدین عمر جبارہ کی است .



# مولانا شمس الیدین محمد بروجی (رح)

مقتدا می مشایخ زمان و پیشوای اصحاب زهد و عرفان  
بوده و قریب هفتاد سال در سلوک طریق هدایت و  
سنن سنیه حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم سعی می  
نموده و جمعی کثیر از درویشان و طالبان طریقه ایشان  
و اسلوک مبنمودند و بآستانه کرامت آشیا نش میر سیدند  
و از باطن فرخنده میانش اقتباس انوار سعادت  
نموده بمرادات خود فائز میگردد و در سال  
نهمصد و چهار هجری از جهان رحلت نمود امیر نظام الدین  
علیشیر بعد از تقدیم غسل و تکفین نعش مبارک مغفرت  
صفا تش را بعیدگاه هرات بردند و نماز جنازه گذاردند  
و در پهلوی قبر مولانا سعد الدین کاشغری که پیر  
ارشادش بود دفن کردند بعد از چندگاه جمعی  
میریدانش بآن مقبره رفتند آن عزیز را از قبر بیرون  
کردند به گزرگاه بردند و نزد یک بمزار حضرت  
خواجه عبدالله انصاری قدس سره تختی ساخته مدفون  
نمودند.

### مولانا میر حسین معنائی (رح)

در تزکیه نفس نفیس و تصفیه باطن شریف عدیل  
فداشت و چندین سال در مد رسه اخلاصیه ساکن بود  
و به سلب علوم مشغول بود از تالیف آن سید استود  
خصال رساله معنائی است در کمال بلاغت و در سال  
نهد و چار هجری بمصر از اسفند در گذشت و در گذشت  
مد رسه اخلاصیه مدفونند \*

### مولانا کمال الدین مسعود شیرازی

در علم کلام و منطق و حکمیات و سائیر  
علوم معقول و مقول اعلیٰ علمای زمان خود بوده و در  
سال نهد و پنج هجری وفات نمود و در خدابان در  
مزار پیر سید ساله مدفون است \*

### مولانا قطب الدین یحیی

ولد مولانا شمس الدین محمد بن مولانا سعد الدین  
مسعودا لتفنازانی وفاتش روز دوشنبه سال هشتاد و  
هشتاد و هفت هجری و مدفنش در مزار مقرّب حضرت  
باری خواجه عبد الله انصاری است \*



## قاضی نورالدین محمد الامامی

مدت هجده سال بشغل قضاوت در دارالانصرت هرات  
اشتغال داشت و بمقتضای فاحکم ابن الناس بالحق از مضمین  
فتاوی اهل اسلام تجاوز نمی نمود و در بیستم جمادی  
الاول سال هشتصد نو دیک هجری دست قضا سجدل حیاتش  
در نوشت در گرزگاه بخطر ه که نزدیک مزار خواجه  
عبدالله انصاری قدس سره ساخته بودند مدفون شد .

## مولانا شمس الملت والدین

محمد امین زیارتگاهی [رح]

از اصحاب شیخ اسلام و المسلمین شیخ زین الدین  
الخوافی است و عالم بوده باعوم ظاهری و باطنی  
و کمالات و مقامات وی بیش از آن است که در حیز  
تحریر در آید و کرامات فراوان از وی منقول است  
آورده اند که هر شب دو شبه حضرت رسول الله صلی  
الله علیه وسلم را در خواب میدید و مشکلات خود دواز خلايق  
را از آن حضرت صلی الله علیه وسلم میبرسید و جواب با صواب  
می شنید ، و فاتش در سال هشتصد و هشتاد و پنج هجری  
مدفن ایشان در قریه زیارتگاه معروف و مشهور است .

## درویش عباس زیارتگاهی [رح]

وی از اصحاب و مریدان شیخ زین الدین الخوافی  
است مدت سی سال در ملازمت وی گذرانید و  
بغایت بزرگواری و در وقت خورد سر حلقه عارفان روزگار  
خود بوده و مقامات و درجات عالی داشت و در  
آخر نابینا شد و بیوسته این بیت را میخواند!

بیت

چشم از آسیب مردم در بروی خود به بست \* گوشه عزت گرفت و با خیال او نشست  
گویند روزی در قبریه زیارتگاه در مسجدی که در میان  
ده بود شخصی قرآن میخواند از اجتماع آن و قتش  
خوش شد از مسجد بیرون آمد در حوض که بر در  
مسجد بود در آمد و مدت مدیدی بر روی آب دوید و  
سمع کرد که قدم و دامن او تر نشد و مد قتش در  
زیارتگاه است .

## مولانا عبدالرحمن

کاردار زیارتگاهی

از اصحاب مولانا سراج الملة والدین عالم است  
مشرقی بغایت صافی دارد و از مقام ابدال و اوقاد



بهره وافی داشت و حضرت مولانا نورالدین عبدالرحمن  
 جامی قدس سره با وی صحبت میکرد و وفاتش در  
 سال نهصد و نه از هجرت مدفون در قریه زیارتگاه  
 است .

### شیخ صوفی علی [رح]

از زهاد کبار و عبادنا مدار و متقیان روزگار  
 بوده و چند نوبت حج اسلام را گذارده و بسیاری از  
 مشایخ و بزرگان را دیده و اهل دنیا در نظرش بی  
 اعتبار بوده و در وقتی که خالقا بازاری فبروز آب در  
 میساختند خادم آمده و گفت چیزی خرچی ضرور است  
 یکی از مریدان در مراقبه بود سر بر آورده گفت زمانی  
 توقف کن که از غیب میرسد چون لحظه برآمدتاجری  
 هزار دینار زر در نزد شیخ آورد گذاشت خادم زر  
 را گرفته رفت شیخ هر دو گوش درویش خود را بتافت  
 و گفت دیگر این نوع کرامت نکنی و فزولی نکنی وفاتش  
 در سال نهصد و هشت از هجرت و فبرش در خیابان در خطیره  
 علیحده که از برایش ساخته اند مدفون است .

۱۶۲

## مولانا شمس الدین

محمد اسد کازر گاهی

عالم معلوم ظاهری و باطنی و از مریدان شیخ  
الاسلام و المسلمین شیخ زین الدین الخوافی است  
و فاش در سال هشتاد و هفتاد و چهار هجری شده  
قبرش در کازرگاه در اندرون خطیره حضرت خواجه  
عبدالله انصاری در زیر قدم آنحضرت است .

## مولانا شمس الدین محمد

وی نیز از اصحاب شیخ زین الدین الخوافی است  
و کمالات و مقامات بلند داشته گویند وی را بیماری  
دست داد بعد از چند روز بر خواسته و وساخت و  
بجماعت با مریدان خود نماز گذارد و بعد از آن بدکرد  
کلمه لا اله الا الله مشغول شد در اتنای ذکر تکیه بر  
یکی از اصحاب خود کرد و گفت لا موجود الا الله و  
جان بجان داد قبرش در کازرگاه است در کوه  
شمالی نزدیک بقبر خواجه خیر چه .



## مولانا درویش احمد کازرکامی

از اصحاب و مریدان شیخ زین الدین الخوافی  
است و عالم بعلم ظاهری و باطنی و فاضل در سال  
هشتصد و هفتاد و چهار هجری بود قبرش در گازرگاه  
در پایان یابی حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس  
سره است .

## مولانا ابوالخیر درب خوش

از اصحاب شیخ الاسلام و المسلمین شیخ زین الدین  
الخوافی است بغایت بزرگوار و در طریق تجرید  
و توکل سردقتر روزگار بوده و بیوسته بخلوت میکذرا نید  
و ایشان را در برادر دیگر بود که آنها نیز اهل حال  
بودند یکی مولانا شهاب الدین دیگری را مولانا خواجه  
کوهی گفندی و از اولاد صلیبی مولانا حافظ شمس الدین  
محمداند که وی نیز از خلفای شیخ زین الدین الخوافی  
است و کرامات بسیار از وی نقل کرده اند و قبرش در  
جنب تربت شاه ابوالقیدس است در بیرون درب  
خوش .

## مولانا درویش علی کازرگاهی

از مریدان مولانا شمس الدین محمد تباد کانی است  
و نظری که بوی داشته بر هیچ کس نداشته از بزرگی  
استماع افتاد که حضرت مولانا عبد الغفور لاری  
که از محققان زمان خود بوده میفرمودند که هر  
گاه مرا از سخنان شیخ محی الدین بن العربی قدس  
سرا مشکلی پیش آید آن را بخد مت مولانا درویش  
علی القا میکنم فی الحال رفع آن مشکل میشود با  
وجود بکه آن امی است و چیزی نخوانده و قبر وی  
در کازرگاه شریفانز دیک بحوض آشکارا .

## شیخ درویش محمد کازرگاهی (رح)

سرد فتر مشایخ روزگار بوده و کرامات  
بسیار از وی منقول است گویند از تاجران هرات  
بسفر دریا رفته بودند و در میان دریا کشتی ایشان  
نزد یک بود که غرق شود التجابد رویش محمد برده  
بودند ناگاه دیدند که در روی دریا پیدا شد  
و کشتی ما را نجات داده در کنار کشید و فاش  
در سال هشتصد و نود هجری و قبرش در



کا زر گاه است .

## مولانا شمس الدین

محمد پای گنبد رح

از علوم ظاهری و باطنی صاحب کمال بود .  
عزیزی نقل کرده که بعلازمت وی ر قتم لطف بسیار  
نمود و گفت ما را فرا موش مکن من متحیر شدم چون  
یک هفته بگذشت از دنیا رحلت کرده بود و فاش  
در سال نهد و پنج هجری مدفنش در قریه تراشان  
است .

## خواجه عبداللطیف الصوفی

بسیار بزرگوار و عالیقدر بوده و حالات  
عجیبه و مقامات غریبه داشت و گفت در آن  
سلوک روزی مرا میل ماهی شد بجای ماهی فروش  
رفتم و چند ماهی بریان خریدم و بدکان در شدم  
دیدم که بیری بغایت با صفا و نورانی نشسته  
بروی سلام کردم و ماهی را پیش وی نهادم وی  
جواب سلام مرا با زداد و از سرایشها تناول کرد  
من گفتم دیگر میل داری گفت دارم رفتم دیگر

خریدم و آوردم و آنرا نیز خورد و گت ای  
 عبد اللطیف تو ما را خدمتی کردی بابتا ترا خدمت  
 کنم و دست خود را بر من زد و خورد را ظاهراً کرد  
 حضرت خضر علیه السلام بوده در قدمش افتادم و بوسه  
 بر پای وی دادم و رسید بر من آنچه رسید و از آن  
 وقت هر چند روزی بمن ظاهر میشود در فم مشکلات  
 من میکند و فاش سال نهد و هجده هجری قبرش  
 در قریه فراشان در خطبه مولا تا شمس الدین  
 محمد پای کند است .

### مولانا جلال الدین سعید ابومکی

شیخ المشایخ حرم محترم کعبه معظمه بود و کرامات  
 و مقامات و خوارق عادات فراوان از او ظاهر  
 شده و عابد و عالم و محدث زمانه و یگانه عصر و  
 طریقه بغایت پسندیده داشت و فاش در سال  
 نهد و سی هجری و قبر وی در خیابان در شرقی  
 زیارت صوفی علی است .

### خواجه محمد شمعان

از مشایخ عظام و علمای کرام و عالم بوده به



علوم ظاهری و باطنی و در زهد و تقوی درجه علیا  
داشت و فاته ایشان در سال چهار صد هجری  
واقف شده و قبر ایشان در قریه کورت خواجه قریب  
شاهان است و زیارت کردن وی جهت مطالب  
و مقاصد مجرب است .

### خواجه شمس الدین مطهر اوبه

خلف اصدق حضرت شیخ الاسلام و کعبه الانام  
مرحوم شد الخاص و العام منظور نظر خاص ملک علام  
احمد جام قدس سره شرح کمالات وی از تعریف  
و توصیف مستغنی است تاریخ وفاته وی معین نشده  
و قبرش در قطبران [۱] ولایت اوبه است .

### خواجه محمد المسجور (رح)

بسیار بزرگ و یگانه عهد بوده مدفونشان در  
سبستان بلوک گذاره است و درویش سید عبدالحی  
که از اولاد غوث اعظم شیخ عبدالقادر جیلانی  
بود یکی از خلفاءشان است بترت منورشان درویش  
عبدالحی خاتقاه بس عالی بنا نموده گویند که درویش

[۱] والحال انرا پنج میران نامند .

عبدالحی از آغاز بنای خانقاه تا انجام آن کمر خود را نکشوده  
 و دانه کندم در گریبانش افتاده و سبز شده و خوشه نموده  
 مدفن درویش عبدالحی در قریه سنوگرد است و  
 فوتش در سنه یکهزار و هشتاد و هشت هجری است اما تاریخ  
 فوت شیخ محمد مسجور معلوم نیست همانا که بعد قرن  
 مولانا عبدالرحمن جامی باشد .

## خواجه محمد کامل

از متقدمین اولیاء الله بوده اند و از قراری که  
 از نقش لوح سنک که در بالای سر مبارک ایشان  
 است نسب شریف وی بدین نوع که امیرالمومنین علی  
 ابن امیرالمومنین عبدالله ابن امیرالمومنین عباس  
 رضوان الله تعالی علیهم اجمعین که عم رسول الله صلی  
 الله علیه و سلم بود و لادت با سعادت وی در کوفه  
 در بیست یکم رمضان سنه هفتاد و چهار هجری و رحلت  
 وی بقصبه او به در سیزدهم ربیع الاخر سنه یکصد و سی  
 و دوی هجر و قبر وی در او به در محل که اکنون بخواجه  
 کامل مشهور است و لوحی که در میان پای مبارک ایشان  
 است بعینه مرقوم میگردد تا باعث ازادیاد  
 زائران گردد :



هو الله الباقي

الحمد لله الذي نعمائه شامل آلائه كامل ذوالقدر و الفضائل  
 و الصلوة و السلام على نبيه محمد الفارق بين الحق و الباطل  
 اما بعد فهذه اثار يخبر بها ابن عم الرسول كمالاته  
 مير هن با الدلائل المهتدى الهادى العادل امير  
 المؤمنون محمد الملقب بخواجه كامل ابن الامام الورى  
 و الهدى و النقى امير المؤمنون على ابن ابن عم النبى  
 امير المؤمنون عبد الله ابن اهل السخا بين الناس  
 امير المؤمنون عباس رضوان الله تعالى عليهم اجمعين  
 مولده بکوفه در بيست و يك روز مضان سنه هفتاد و چهار  
 خلافة به خراسان شانزدهم ذى حجه سنه يكصد  
 و بيست و پنج و رحلة بقصبة او به دوازدهم ربيع  
 الاخر سنه يكصد و سى و دو اين رباعى بر سنگ مزار  
 ایشان مرقوم است .

رباعى

حکم نيك راى خير انديش \* بيروى اهل فاقه و درویش  
 سال نهصد بد \* کم از هجرت \* کردا حياى قبر آن حضرت  
 ينجر \* کرد قبر پير نهاد \* در دو کينى خدش خير دهاد

مزارات سادات چشت اولهم

## خواجده ابو احمد ابدال

وی پسر سلطان فرستاده است که امیر آن ولایت  
بوده وی را خواهری بود بغایت صالحه شیخ ابواسحق  
شامی بخانه وی آمدی و طعام وی خوردی روزی وی  
را گفت که برادر ترا فرزندی خواهد بود که وی  
را شانی عظیم باشد میباید که محافظت حرم برادر خود  
بکنی تا در ایام حمل چیزی که در آن حرمتی و شبهتی  
باشد نخورد آن ضعیفه صالحه که بموجب فرموده شیخ  
ابواسحق بدست خود در بسمان ریشتی و فروختی و ما  
یحتاج حرم برادر خود را مهیا ساختی و در تاریخ  
سال دو صد و شصت هجری در خلافت معتمد بالله ابو  
احمد متولد شد همان ضعیفه در خانه خود پرورش می  
داد که که که شیخ ابواسحق بخانه وی آمدی و  
در آن صبا که خواجده ابو احمد را بدیدی گفتی  
از این کودک بوی آن می آید که از وی خاندان عظیم  
ظاهر گردد و احوال عجیبه و آثار غریبه از وی مشاهده  
می افتاد و قتیکه خواجده ابو احمد بسن بیست ساله  
کی رسید به همراه پدر خود سلطان فرستاده جهت



شکار بکوه رفته بود در اثنای شکار از پدرو اتباع  
جدا افتاد. بمیان کوه رسید دید که چهل تن از رجال  
الله بر سری سنگ ایستاده اند و شیخ ابواسحق در  
میان ایشان است حال بروی بگشت از اسپ  
فرو آمد و در پای شیخ ابواسحق شامی افتاد  
اسپ و سلاح هر چه داشت بگذاشت و بشمینه پو شد و  
با ایشان روان گشت هر چند پدرو اتباع او را طلب  
کردند نیافتند بعد از چند روز خبر آوردند که وی  
با شیخ ابواسحق در فلان موضع از کوه ها بوده است  
پدرش جمعی را فرستاد تا وی را آورند چندانکه پند  
دادند و بند نهادند از آنچه در آن بود باز نتوانستند  
آورد گویند که پدرش را خمخانه بود روزی فرصت  
یاخته و در آنجا درآمد و در آن را محکم به بست  
و خمخانه را فرو کوفت پدرش را آگاه کردند بیام  
بر آمد و از غایت غضب سنگی بزرگی را برداشت  
که از بالای بام بروی اندازد روزنه فرام  
آمد و سنگ را فرا گرفت سنگ در هوا معلق با ایستاد  
چون پدرش این حال را مشاهده کرد بر دست وی  
توبه کرد و از وی مثال این کرامات و خوارق  
عادات نه چندان ظاهر شده است که بتفصیل بیان

توان کرد و فات ایشان در سال سه صد و پنجاه و پنج  
هجری و قبر وی در چشت است .

## خواجه محمد

بن ابی احمد ابدال چشتی

وی بعد از وفات پدر خود قائم مقام وی شده به  
موجب فرموده پدر از بیست و چهار ساله کی پیش  
تحصیل علوم دین و معارف یقین کرده بود و زهد و  
ورع تمام داشت و از دنیا و اهل آن بغایت  
مجتنب بوده همواره بزه و ترک دنیا تحریش می  
نمود و می گفت چون اول و آخر ترک دنیا است خود  
را از غرور نگاه می باید داشت سلطان محمود سبکتگین  
بقره و (۱) سؤمنات رفته بود و خواجه را در واقعه  
فمودند که بعد دگاری میاید رفت در سن هفتاد ساله  
کی با در و ایشان متوجه شد و چون آنجا رسید به نفس  
مبارک خود با مشرکان و عبده اصنام جهاد نمود روزی

(۱) سؤمنات بتی بود معبود هند در هند و ستان که

آن شهر را بنام آن بت میگویند بهندی بمعنی ماهی خدا  
سلطان محمود آن شهر را بغلبه از هندوان گرفت و سؤمنات  
واشکست [رح] .



مشرکان غلبه کردند و لشکر اسلام پناه به بیشه آوردند  
 نزدیک بود که لشکر اسلام شکست خورند خواه را  
 در چشت مریدی بود آسیابان محمد کا کو نام خواه  
 آواز داد که کا کو دریا ب در حال آسیابان رادیدند  
 که اضطراب میکرد و لکله آسیار ابد رود یوار میزد  
 و محاربه مینمود تا لشکر اسلام قوت یافت و کافران  
 رو بهزیمت کردند در همان وقت محمد کا کو را در  
 چشت دیده بودند که ده مرده آسیار را برد رود یوار می  
 زید از وی سبب پرسیده بودند همین قصه را گفته اند.

## استاد مردان

از قصبه سنجان خاف (۱) بوده و از مریدان  
 خواه محمد چشتی است و سالها کلوخ استنجا و آب  
 وضوء و یرا مهیا میداشت روزی که او را بمراجعت  
 وطن امر نمودند بگریست و گفت من طاقت مفارقت  
 ندارم خواه کرم نمود و گفت هر وقت که ترا آرزوی  
 دیدار ما بوده باشد حجاب های جسمانی و مسافت  
 های مکانی مرتفع میکردد و ما را در آنجا به بینی  
 (۱) سنجان مغرب سنکان است و آن قریه ایست در  
 خواف نزدیک ابراباد .

و همچنان بود دائماً استاد میکفت که من از سنجان  
چشت را می بینم و فات ایشان در سال چهار صد و  
یازده هجریست و قبر وی در چشت است .

## خواجه یوسف

بن محمد سمعان

وی خواهرزاده خواجه محمد بن ابی احمد چشتی  
است و مرید تربیت یافته وی خواجه محمد نصرت  
پنجسال متاهل نشده بود همشیره داشت که خدمت وی  
میکرد و خوردن و پوشیدن از دست رفته وی بودی  
و از سبب خدمت برادر خود میل تزوج نداشت و به  
طاعت و عبادت خدا بتعالی مشغول بودند شبی حضرت  
خواجه محمد خواجه احمد را در خواب دیدند که  
فرمودند در ولایت شافلان مرید است محمد سمعان  
نام تحصیل علوم کرده و صالح است خواهر خود را  
با و عقد کن خواه او را طلب داشته همشیره را با او  
عقد کرد و خواجه یوسف در چشت از ایشان متولد  
شد خواجه محمد بعد از شصت و پنجسال متاهل شده بود  
اما وی را پسر بزرگ نرسید خواجه یوسف را به  
منزله فرزندی پرورید و تربیت میکرد و بتحصیل



علوم و سلوک راه خدا بتعالی دلالت مینمود بعد از  
 وفات وی قایم مقام شان شد خواهی بود که بعد  
 از پنجاه ساله کی میل انزوا و انقطاع پیداشد خواست  
 نزد یک مزار خواهی مکی که بسیار بزرگ بوده و شیخ  
 ابواسحاق شامی زیارت ایشان بسیار میکرد چله خانه  
 در زمین بکند با شارت هاتقی غیبی ان مومنین را که  
 حالا چله خانه است اختیار کرده چون کلند و بیل  
 آوردند زمین بغایت محکم بود چنانکه هیچکس  
 نتوانست بکند خواهی کلند برداشت و بدست خود داز  
 چاشنگاه تا نماز پیشین آنرا با تمام رسانیده و مدتی  
 دو از ده سال در آنجا بسربرد و چندان سکر و  
 وحشت و ولوله و جبروت بروی غالب شده بود که گناه  
 بودی که خادم آب و وضوء بردست وی ریختی در اثناء  
 و ضواز خود غائب شدی و یکساعت یا بیش غائب بماندی  
 و باز حاضر شدی و وضو را با تمام رسانیدی در آن  
 وقت که شیخ الاسلام ابواسمعیل خواهی عبدالله انصاری  
 قدس سره بمنزارات چشت رسید بود با وی ملاقات کرده  
 بود و بعد از معاودت بهرات استحسن وی کرده  
 وفات ایشان در سال چهار صد و پنجاه و نه هجری  
 است و مدت عمر هشتاد و چهار سال بوده و در وقت

رحلت خواجه قطب الدین مودود پسر کلان خود را  
قائم مقام خود ساخت و قبر ایشان در چشت است .

## خواجه مودود چشتی

در سن هفت سالگی تمام قرآن را با ظاهری معنی آن  
حفظ کرده بود و بتحصیل علوم اشتغال میداشت چون  
بسن بیست سالگی رسید والد بزرگوار وی خواجه  
یوسف رحلت نموده بود و وی را بجای خود بنشاند  
بود و بخصال حمیده موصوف بود و با فعال پسندیده  
معروف و مردم آن ولایت همه در مقام اعتقاد و محبة  
و اتقیاد و ارادت وی بودند و توفیق شرف صحبت و  
دولت تربیت حضرت شیخ الاسلام احمد جام قدس  
سره نیز یافته در آنوقت که حضرت شیخ الاسلام از  
جام بهرات تشریف آورده بودند و خاص و عام مشاهده  
کرامات و مقامات و خوارق عادات از ایشان می  
نمودند و خواجه بامر پدایان خود سواره و پیاده به  
هرات آمده که شیخ الاسلام را از هرات بیرون  
کند بعد از آن که کرامات را مشاهده نمود در حینی  
که دو هزار سواره همراه داشت پیاده شده و بوسه  
بر پای شیخ الاسلام احمد جام داد و شیخ دست



بر پشت وی میزد و میگفت کار ولایت چون مبینی که  
ولایت مردان سلاح و حشم نباشد برو و سوار شو  
تو کودکی و نمیدانی که چه میکنی و چه میکنی و در  
تفحات الانس مذکور است که بعد از مقدمات شیخ  
الاسلام فرمود که مردم را مرخص کن و دو خادم  
با خود نگاهدار و سه روز توقف کن خواه چه چنان  
کرد شیخ اسلام فرمود که مصلای بر طاق نه و برو علم  
بیا موز که زاهد بی علم مسخره شیطان است گفت  
قبول کردم دیگر چه فرمائی فرمود که چون تواز  
تحصیل فارغ شوی احیای خاندان کن که آبا و اجداد  
تو مردم بزرگ بوده اند و صاحب کرامات حضرت  
خواججه بودند فرمود مرا احیای خاندان میفرمائید  
هم شما بر وجه تیمن و تبرک مرا اجلاس فرمائید  
شیخ الاسلام فرمود بیشتر آی خواججه آمد و دست  
وی را بگرفت و بر کنار چار بسالتش خود بنشاند و  
صد نو بت گفت بشرط علم پس سه روز در خدمت شیخ  
الاسلام بود و فواید گرفت و نوازش یافت و باز  
گشت و بعد از آن باندک فرصتی بجهت تحصیل  
علوم و تکمیل معارف بجانب بلخ و بخارا تشریف برده  
و مدتی چهار سال بقدر رسم و امکان در آن

باب اجتهاد نمود و در آن دیار هر جا آیات  
غریبه و کرامات عجیبه که تفصیل آن باعث تطویل  
است به ظهور رسیده است و بعد از آن بچشت مراجعت  
نمودند و به تربیت مریدان و مستفیدان مشغول شده  
و از اطراف طالبان روی ارادت بخد مت و صحبت  
وی آوردند و وفات ایشان در سال پنجمصد و بیست و پنج  
هجری و قبر وی در چشت است .

## شاه سنجان

نام ایشان محمود است و لقب رکن الدین ازده  
(۱) سنجان خاف بوده و مرید خواجه مودود چشتی است  
و گویند در مدت که بچشت اقامت مینمود هرگز در  
چشت نقض طهارت نکرده چون خواستی که طهارت  
کند سوار شدی و از چشت بیرون رفتی و طهارت  
ساختی و مراجعت نمودی و میفرمود که مزار چشت  
مقامی مبارک و منزل متبرک است روا نباشد  
که آنجایی ادبی کنند و گویند که بیشتر وی را  
خواجه سنجان میگفتند و خواجه مودود وی را شاه  
سنجان لقب نهاد و همیشه به آن می نازید و مفاخرت  
(۱) معرب سنگان است .



می کرد و فات ایشان در سال پنجم و نود و هفت  
هجری و قبر ایشان در چشت است و ذکر ایشان  
در کتب مشایخ مذکور است .

## خواجده احمد [رح]

بن خواجده مودود چشتی رح

وی بسیار بزرگ بوده و بعد از وفات پدر بمقام  
وی نشست و مقبول همه طوایف بوده و بر کافه انام  
شفقت عام و مروت تمام داشت و گویند که حضرت  
رسالت پناه صلی الله علیه وسلم را در خواب دید  
فرمودند که ای احمد اگر تو مشناق مانیستی مامشفاق  
تو ایلم چون بامداد شد سه بار موافق اختیار کرد  
و مجهول وار چنانکه کسی وی را نشناسد بزیرت  
حرمین الشریفین زاد همما لله شرفاً و تکریماً متوجه  
شد چون اقامت ارکان و شرایط حج کرد بحر  
محترم مدینه مقدسه منوره معطره مشرفه مصطفویه عالی  
صاحبها الصلوات و التسلیمات و التحیر توجه نمود  
و آمدنی بشش ماه مجاورت کرده گویند که مدامت  
و مواظبت وی بر مجاورت خادمان حرم را گران  
آمد خواستند که وی را برنجانند از روضه مقدسه

مشرقه معطره رزقنی الله زیارتهای آواز آمد چنان  
چه همه حاضران شنیدند که وی را امر نجائید که از  
مشاقان ماست و بعد از مراجعت مدینه منوره به  
بغداد رسید در خاتمه حضرت شیخ شهاب الدین  
سهروردی قدس سره فرود آمد و شیخ وی را تعظیم  
و احترام نمود و خلیفه بغداد بنا بر خواهی که دیده  
بود وی را طلبیده و وظایف اکرام و احترام بجای  
آورد و وی خلیفه را نصیحت جایگیر و مواعظ دل  
پذیر گفت و همه در محل قبول افتاد فتوحی که آورد  
بجمله استمالت خاطر خلیفه ازان محقری برداشت و چون  
بیرون رفت به فقر او مساکین قسمت کرد و بخراسان  
توجه نمود و فاته وی در سال پنجم و نود و هفت  
هجری و قبر ایشان در چشت است .

## شیخ احمد چشتی

غیر ابو احمد ابدال است زیرا که وی متقدم است  
و شیخ الاسلام وی را ندیده بود و غیر خواهی ابو  
احمد مودود است زیرا که وی متاخر است و شیخ الاسلام  
گفت من هیچکس را ندیده ام قوی تر در طریق ملامت  
و تامل از احمد چشتی و چشتیان همه چنان بودند



از خلق بی باک و در باطن سادات جهان و وی سه  
 بار در بادیه رفته بود و باز گشته که از خود در آن  
 اخلاص تمام ندیده بود و همه احوال ایشان  
 با خلاص و ترک ریای بود حضرت شیخ الاسلام خواجه  
 عبدالله انصاری قدس سره گفت که احمد چشتی بزرگ  
 بود و مرا تعظیم داشتی و حرمت کردی که هیچ کس  
 را نکردی و پیش تر کسی که موی خود را در پای  
 من میمالید و وی بود تاریخ وفات وی معلوم نشده  
 و قبر وی در چشت است [رح] .

### خواجه اسماعیل [رح]

برادر خواجه احمد چشتی است شیخ الاسلام خواجه  
 عبدالله انصاری قدس سره گفت که من هیچ کس را  
 ندیده ام بفرست چون برادری احمد چشتی وی خدمت  
 من کردی و مرا تعظیم تمام کردی من در قهندز مجلس  
 میگردم و از مجلسیان من کسی بود که با وی محبت  
 داشت و سخنان من را بوی باز میگفت که ابن  
 دانشمند شما از کوی ماست خدا دادند که از سخنان  
 وی در سر من چیست یعنی از طمع سخن او مرا مایه  
 است پس ازان مراد عوت گردد و همه دنیا ئی خود

بر من پاشید تا ریخ و فات وی معلوم نشد . و  
قبر وی در چشت است .

## خواجه حاجی مکی

اصلش از مکه معظمه بود و حضرت شیخ ابواسحق  
شامی زیارت وی بسیار میکرد . و مشایخ و بزرگان  
چشت زیارت وی نموده اند و از قدماء اولیاء الله  
و اکابر این طائفه بود و خواجه بسف و اولد خواجه  
مودود در جوار مزار وی چله خانه با شارت  
ها تف غیبی کده است و در انجا ربعینات نشسته و قنوجات  
یافته تا ریخ و فات وی معلوم نشد . و قبر وی  
در چشت است .

## شیخ ابن یمین کوسوی

ز بدۃ السالکین و عمدۃ الواسلین صاحب الوجد  
و التمکین از خلفای برگزیده و مقتدای ابن طائفه  
صوفیه بود بخلوات و اربعینات نشسته و ریاضت  
شاقه کشیده و کرامات مشهور و خوارق عادات  
معروف از وی بظهور رسیده و مدتی مدیدی در  
شهر هرات پیشوای و مقتدای خلق بوده و مرقد



مبارکش در قریه سینان است در غربی  
شهر هرات .

## مقبری در ویش احمد صوفیانی

وی خافی الاصل بوده و در قریه صوفیان  
هرات بوده سالک طریقت ناظر حقیقت و مخصوص  
بواردات غیبی و از اصحاب پسندیده ر خلفای بر  
گزیده حضرت شیخ ابن یمن کوسوی است و کرامات  
بسیار از وی بظهور رسیده روزی بعد از فراغ  
اوراد فرمود که دوش در واقعہ صحن عظیم  
مفروش بنظر در آمده ناگهان شخص جمله فروش را  
در نوردید و جمع نمود و شخصی دیگر همین صحن  
را بفروش ملوکانه مفروش نموده تعبیر این واقعہ  
چنان بخواطر میرسد که این فروش تعلق بپادشاه عصر دارد  
و دولت وی در نور دیده شد فروش دویم اشاره  
بآنست که پادشاه او بعرضه ظهور در آید چون  
چند روز ازین واقعہ گذشت اخبار متواتر شد که  
پادشاه عصر رحلت نموده برهم زده کی بسپار شد  
تا آنکه ملک پادشاه دیگر قرار گرفت و در تاریخ  
هزار و هشت هجری ازین سراجہ فانی رحلت نمود

مرقد وی در قریه صوفیان است و بعد از وفات  
وی ملامحی باغدشتی در هرات خلیفه وی شد .

## شیخ شاه محمود کا ریزکی

از اصحاب شیخ درویش محمد داشکر بوده و مدتی  
در هرات بخلوت و انزواء و عزالت بسر برده و زاهد  
متورع و عالم بوده طاعات و عبادات بسیار بجای  
می آورده و مردم هرات او را بسیار مخلص و  
معتقد بوده اند و احیای سلسله شریف میکنند چون  
صحبت شریف ایشان دست دهد از مغنمات است، اللهم  
متع المسلمین بطول حیاته از بعضی اعز استماع  
افتاده که بعضی اعمال که بضبط و ربط محصور هرات  
معین بودند بمزرعه که مولانا شاه محمود دخل داشته  
اند دعوی و منازعه انداخت و لکدی بر پشت حضرة  
شیخ زده از وی آزرده خواطر گشت دیگر روز  
آن عامل از پشت اسب بیفتاد و کردش بشکست و قات  
وی در غره ذالحجه سال هشتصد و هفتاد و سه هجری  
و قبر وی در محله باغدشت است .



## ملا میرزا انگری

وی نیز از خانای شیخ درویش محمد داشکر بوده است و مدتی در شهر هرات بخلوت و عزلت بسر می برد و زاهد و متورع بوده و طاعات و عبادات بسیار بجای آورد و مردم هرات آن را عزیز داشتند و مخلص و معتقد بوده اند وفات وی در سال نه صد و نژده هجری است و قبر وی در قبله مزار شیخ محمود است در قریه باغدشت \*

## ملایحیی باغدشتی [رح]

وی مرید مقرب درویش احمد صوفیانی است و بعد از وی جا نشین و خلیفه وی بوده و مدت بیست سال بعد از وی بارشاد طالبان قیام مینموده و در سال هزار بیست و هشت هجری از جهان فانی وداع کرد و بسرای جاودانی خرامید و قبرش در محله باغدشت در مزار شیخ محمود شاه است و عزیزی تاریخ وفاتش را بنظم گفته!

— نظم —

شیخ محی قدوه اهل یقین \* زاهد خوش صحبت نیکو سرشت  
 بود مستحق چنان کن خود نبود \* بیمی از دوزخ امیدی از بهشت  
 کاشتی در مزرع دل تخم ذکر \* در جهان این بود او را کار و کشت  
 باغ داشت از فیض او پیر نور بود \* حالبا که دید داشت خوشک و زشت  
 ذکر حق چون بود درش کلک فهم \* ذکر حق تاریخ فوئس را نوشت

۱۰۲۸

### میر شمس الدین خیاط

مشهور بمیر قناد از سادات عظام و زهاد کرام بوده بزیارت  
 بیت الله حرام و روضه منوره حضرت سید الانام علیه  
 صلوات و السلام مشرف شده و فاتش در شب پنج  
 شنبه بیست پنجم محرم الحرام سال هشتصد و هشتاد و نه  
 هجری و قبرش در محله باغداشت و در جانب جنوب مزار  
 وی مسجد است در کنار جوی انجیل .

### مولا نامحمد مقیم

از اولاد شیخ شاه محمود است و مدتی در هوا  
 دشتک بر جاده شیخوخیت مستقیم بوده و طریق اجداد  
 کرام را بجای آورد زاهد و عابد بوده تاریخ



وفات وی معین نشده و قبرش در هراد شك است و  
حالا بده شیخ پروانه مشهور است \*

## شیخ فضل الله

سروستانی

عابد و زاهد و مقبول اهل و از اصحاب و خلفای  
شیخ ابن یمن است خو افی الا صل بوده و در هرات  
ساکن شده در تقوی و ورع بی نظیر بوده علی الدوام  
بمراقبه و بذکر مشغولی داشت و بمقامات بلند و کرامات  
ارجمند رسیده تاریخ وفات وی محقق نشده و مرقد  
وی در قریه سروستان است \*

## امیر صدرالدین صوفیانی

در بلده هرات مدتی ریاضت و مجاهدت مشغول  
بوده صاحب تقوی و ورع بوده تاریخ وفات وی  
محقق نشده و قبر وی در خیابان است \*

## میر محمود [میر محسن] سروستانی

بسیار متواضع و متخشع و بعبادت و ریاضت مشغول  
بوده و تاریخ وفات وی معلوم نشده و قبرش در  
سروستان است \*

## مقبری علی زاهد

موصوف باوصاف جلی و خفی تربیت یافته شیخ  
محمد داشکر و بغایت متدین و متورع بوده و ریاضت  
و مجاهدت کشیده و زیارت بیت الحرام مشرف  
شده و زیارت حضرت سید الانام صلی الله علیه وسلم  
را نموده تاریخ وفات وی معلوم نشده و قبرش در  
قریه ملاسیان است بر کنار راه مزار حضرت خواجه  
ابوالولید قدس سره است .

## ملا مومن

ملا سیانی رح

مدتی در جاده شیخوخیت مستقیم و جماعت مریدان را  
در خلوت و عزلت امر میفرمودند افاده و استفاد  
رسانیده و تاریخ وفات وی معلوم نشده و قبرش در  
ملاسیان است .

## میرزا مظفر

ملاسیانی رح

دواماً ملا مومن رقایم مقام وی بوده است .



Page  
Missing

شیخ المشایخ شیخ درویش محمد داکتر بود اند نمود  
 و حضرت شیخ صبیبه عقیقه خود را بعقد مناکحت وی در  
 آوردند نقل است در آن شب که عقد مناکحت واقع  
 شده حضرت شیخ که خال وی بوده اند حضرت رسول  
 الله صلی الله علیه و سلم را در خواب دیدند که بغایت  
 مسرور بودند و یقین شد که ابتهاج و سرور آن  
 حضرت جهت این وصلت بوده است شریف وی بسادات  
 عظام که در قریه شمعان هرات اند میرسد و بحضرت  
 مولانا مقیم که از اعزّه وقت و بسلسله علیه حضرت  
 خواجگان نقشبندیه بوده اند رابطه مودت و اتحاد  
 تمام داشته و بزیرت حر مین شریفین رسیده اند و  
 بعد از مراجعت چند وقت در مسجد زیارتگاه ریاض  
 شاقه کشیده اند و از وی کرامات فراوان بظهور  
 رسیده چون مریض شده ایشان را بمحل ایشان  
 آوردند و وفات نمود مدفن ایشان در قریه شمعان  
 است مشهور است که در آخر سخن ندوی نمیکفته  
 خاموش بوده اند روزی مولانا محمد حسین سیاه  
 شانی که از اعزّه وقت بوده اند التماس سخن  
 کرده بعد از مدت سر بر آوردند گفتند!



بیت

هرگز نفسی ای رخ آن ماه نباشم \* ترسم که نکاهی کند آگه نباشم  
و د بگر هیچ نگفتند ملا محمد حسین را تا تیر عظیم کرده  
بیر و ن رفت و فات وی در سنه هزار و بیست و هشت  
هجری واقع شده تاریخ وفات شاعر استادی چنین  
بنظم آورده است !

قطعه

قدوة الاولیاء فی الافاق \* میرجعفر چو سوی عقبارفت  
غلغل افتاد در ملائک عرش \* که ولی خدا زد نیارفت  
بهر تا ریخ فوت او گفتند \* قدوة الاولیاء بعقبی رفت

باباعلیشاهم جذوب

از ابدالان زمان خود بوده امورات غریبه و حالات  
عجیبه از وی بسیار نقل میکنند از ان جمله آن است که  
در آوان سلوک جذبه بایشان رسیده بود و در ان  
حالت آلت رجولیت خود را بر سنگی نهاده و سنگی  
دیگر برداشته و بران چندان زده که ریشه ریشه شده  
و بعد از ان آنرا شانه میکرده یقین تا آدمی را موهبت  
عالی از عالم بالا نرسد طاقت چنین مشقت نخواهد آورد  
روزی سلطان حسین میرزا را بر تخت دیده که از درب

فیروز آباد بیرون میاورند پرسید که این چه مرغ است  
 که در قفس کرده اند حاضران گفتند که این پادشاه  
 عصر است سلطان حسین میرزا جواب داد که مگر شاه رخ  
 میرزا مرده است که پادشاهی بدور رسیده است و ازین  
 سخن چنین معلوم میشود که با با از زمان میرزا  
 شاه رخ تا ایام سلطنت سلطان حسین میرزا در استغراق بوده  
 و از گردش اطوار سلطنت خبری نداشته و نیز آورده  
 اند که روزی حضرت مولانا عبدالرحمن جامی قدس  
 سره و شیخ الاسلام هر ات و چند نفر دیگر از علماء  
 در مجلس بابا حاضر شدند وقت نماز با با بقصد امامت  
 پیش رفته این بیت را خوانده .

بیت

ای پری گرمی پری بر بام قصر آن پری \* نامه خود را بدست میدهم آنجاری  
 و احرام نماز بسته مولانا عبدالرحمن جامی بی توقف  
 اقتداء کرده و شیخ الاسلام اقتدا نکرده و لیکن می  
 گفته که از نمازهای مدت عمر خود آن قدر امید ندارم  
 که ازین دو رکعت نماز و ایکن رعایت ظاهری شریعت  
 پسندیده تراست و در جای دیگر نقل کرده اند که  
 روزی وقت نماز شام حضرت با با بر دری مسجدی  
 ایستاده بودند و حضرت مولانا عبدالرحمن جامی



و شیخ الاسلام هرات رسیدند آنها گفتند ای ذبیحانه  
 نماز! میگذاری گنت نماز میگذارم آن ها هر سه در  
 مسجد آمدند و با با بقصد نماز پیش شده گفتن بیت  
 کرده که بگذارم سه رکعت نماز عاشقانه عارفانه الله اکبر  
 و بعد از فاتحه این بیت را خواند .

بیت

هیچ میدانی چه کردی بردل افکار من \* روی نمودی و شد آتش پرستی کار من  
 و در رکعت دوم بعد از فاتحه این بیت را خواند .

بیت

ای کبوتر گری بر بام آصر آزیزی \* زاده خودم بکنام برگردت اجابری  
 شیخ الاسلام قطع نماز کرده و حضرت مولانا عبدالرحمن  
 جامی قدس سره بعد از نماز به شیخ الاسلام فرمود نمازی  
 که در تمام عمر مقبول درگاه بود از دست دادی تاریخ  
 وفات وی تحقیق نشده و قبر وی در کنار کار اباد قریب  
 محله ساربان ها و در شرقی مزاروی چشمه ایست .

## مولانا عبدالله هاتقی

خواهرزاده حضرت مولانا عبدالرحمن جامی است عالم و عامل  
 بوده و در نظم مثنوی از سائر شعرای زمان خود گوی سبقت  
 بریده و از جمله تصانیف آن مثنوی لیلی و مجنون است

و دیوان غزل نیز دارد نقل است که در  
 انشاء انظم لیلی و مجنون از حضرت مولانا عبدالرحمن  
 جامی قدس سره استیذان نمود حضرت مولانا ویرا  
 بجواب گفتن قطعه مشهوره حکیم فردوسی علیه رحمه امتحان  
 فرمود قطعه فردوسی اینست !

قطعه

درختی که تلخ است ویرا سرشت \* کرس درنشانی بیباغ بهشت  
 وراز جوی خلدش بهنکام آب \* به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب  
 سرانجام میوه چو بار آورد \* همان میوه تلخ بار آورد  
 جواب مولانا هاتقی :

کز از بیضه زاغ ظلمات سرشت \* نهی زیر طائوس باغ بهشت  
 بهنکام آن بیضه پروردنش \* زانجیر جنت دهی ارزنش  
 دهد آیش از چشمه سلسبیل \* دران بیضه دم در دهد جبرئیل  
 شود عاقبت بیضه زاغ زاغ \* کشد رنج بیهوده طائوس باغ  
 چون قطعه را بنظر مبارک حضرت شان رسانید  
 فرمودند اگر چه در همه بیت يك بیضه نهاد اما  
 گفتن لیلی و مجنون ترا اجازتست و فاش در سال  
 نهد و بیست و هفت هجری و قبری وی در پاریان پای مولانا  
 سعدالدین کاشغری است و تاریخ وفات آنرا عزیزی  
 چنین گفته !



تاریخ فوه او طلبیدم ز عقل و گفت از شاعرشها ن و شهمی شاعران طلب

## مولانا حمید الدین

✽ ولد مولانا شمس الدین محمد تباد گانی رح ✽

سالها با فاده و استفاده اشتغال داشت و فائس در سال  
نهد و هفده هجری و قبرش در جوار قبر والدش در خیابان  
است .

## سید محمد شهری

در باغ مراد نزدیک حوض آسوده است و از  
سادات عظام و صاحب کرامات و مقامات بوده .

## شیخ یحیی بخاری

از واصلان و کاملان بوده و ریاضت شاقه کشیده و از  
ابدالان زمان خود بوده و در پایان چشمه کازر گاه  
آسوده است و در نزدیک مقبره او غاریست که آنجا  
چندین بز رگان بسر بردند و ده کس از بز رگان نزدیک  
مرقد وی مدفونند .

## مقبره سنگ چل

مشهور بخواجه عبدالله سنگ چل و خواجه کباب یزد  
راه پای کو. قریب تخت سفر و مقبره ایشان سنگ چل  
است صاحب کرامات بوده اند .

## خواجه محمد خداز

از بزرگان صاحب کرامات بوده اند و مولانا  
معین الدین سبزواری در کتاب خود تعریف ایشان را  
نموده و در سر چارراه گازرگاه آسوده اند .

## خواجه محمد خلوتی

در سر بل گازرگاه مدفون است گویند که از جمله  
کرامات او حوضی است که بی گل پوشیده اند .

## شیخ شبکیر

از ابدان زمان خود بوده و در سر چارراه گازرگاه  
آسوده اند .



قطب الاقطاب

### شیخ نجم الدین

درس زینه کازرگاه در تخت آنها مدفونند صاحب  
کرامات و از ابدالان زمان خود بوده و جدا ایشان  
فیز شیخ نجم الدین نام داشته و قبر ایشان در کناره  
راه کازرگاه است نزدیک بر راه ملا اشرف قاضی  
رحمة الله تعالی علیهم اجمعین .

### خواجه سیاه پوش

از پیران طبقات معدود گذشته و کرامات او در  
میان اهل هرات شهرت یافته مدفنش هم در قرینه  
شمعان است .

### شیر سمرخ

از ارباب وجد و حال بوده قبرش در غوران  
گذاره است .

### ذکر مولانا درویش احمد سمرقندی

وی نیز از اصحاب و مریدان کار کرده شیخ الاسلام

و اسلامین شیخ زین العله و الدین الخوافی است  
و عالم معلوم ظاهری و باطنی بود و در توحید و  
عرفان یگانه دوران بود و سر دفتر کاملان زمان  
وی پیش از سفر خراسان و عراق و حجاز در ماوراء  
النهر بصحبت حضرت قطب الاقطاب خواجه علاءالدین  
عطار قدس سره رسیده بود و بعد از آن در خطه شام  
در خدمت مولانا شمس الدین محمد سیرین که از  
کبار مشایخ آنجا بودند بسر میبردند اما هیچ یک  
را تسلیم نشده بود تا آنکه مولانا شمس الدین  
حیات را سپرده بعد مولانا درویش احمد در طلب  
درویش و مرشد کامل بگردان عالم سرگردان شد در هر  
ولایت و دیار که میرسید طلب درویشان بزرگ میکرد و هر که رامیدید  
از وی بهتر می طلبید تا آنکه بخطه روم رسید و از مردم آنجا احوال اهل  
دل پرسید گفتند که در مسجد جامع ما زنگی مجذوب است  
و با هیچکس سخن نمیکند در هفته یک نوبت طعام اندک می  
خورد و شب و روز آنجا میباشد درویش احمد بآن  
مسجد رفت دید که زنگی سر برهنه بر روی فرش خسته  
پخته رو بقبله افتاده پیش او رفت و با دلب تمام بایستاد  
بعد از زمانی زنگی سر برداشت و گفت ای درویش  
احمد آنکس که تو میخواهی در خراسان در ولایت



خاف در قریه بر اباد می یابی و مراد از آن حضرت  
شیخ زین الدین را داشت این یک گفت و سردر کشید و  
خاموش شد فی الحال در ویش احمد از آنجا متوجه  
خراسان شد چون؛ بقریه بر اباد رسید وقت نماز پیشین  
بود خدمت شیخ در مسجد تشریف داشته بودند آنجا  
رفته نماز جماعت بگذارند و بعد از فراق نماز بر  
خواست و بر حضرت شیخ زین الدین قدس سره سلام  
کرد بعد از جواب سلام فرمودند که ای درویش احمد  
در روم آن زنگی مجذوب چه گفت درویش احمد  
قدس سره گفت مصرع ( ندیدم در جهان مردی که باشد  
همچنین کامل ) فی الحال پیش رفت و در قید ارادتش  
در آمد و بکار مشغول شد و بیمن همت و حسن تربیت شیخ  
بدرجات بلند و مقامات ارجمند و مرتبه کمال رسید  
و کرامات و خوارق عادات مثل احیای اموات و اماتت  
احیای از وی منقول است قال العبد المفقرا الى الله الغنی احمد  
ابن جلال الدین السمرقندی ایده الله تعالی که در اربعین  
میلاد که اختیار و خاصه شیخ کامل مکمل شیخ الاسلام  
و المسلمین شیخ زین العله والدین شیخ زین الدین  
الخوافی است دام الله تعالی ظل الارشاده در خلوت  
درویش آباد بودم در شب دوم از خلوت حضرت

رسالت پناه صلی الله علیه و سلم دیده شد جامه سفید  
 در برو موی ها بغایت سیاه و بافته و عصا بدست زنبیل  
 بگردن من نهادند و سه بار در بازار فیر و زآباد  
 که در شهر هرات است شیدا لله میگفتم و میرفتم و فرمودند  
 که حلال ترین لقمه ها درین زمان همین است و درین  
 حال جمعی که در گرد حضرت علیه الصلوات و السلام  
 بودند زنبیل مرا بر گهر کردند و باز بحضرت نبی علیه  
 الصلوات و السلام ملاقات افتاد فرمودند که فصوص  
 را درس بگوئی و فرمود که خاک زیار تکام به از مال  
 دنیا قبرش در شرق تخت آستانه در شمال جوی بردست  
 راست راه چون به گزرگاه روند به پل نزدیک است

## ذکر مولانا زاده

وی از اصحاب و مریدان مولانا سراج الملة والدین  
 است و عالم بود بعلوم ظاهری و باطنی بودند و در زهد  
 و صلاح و تقوی نظیر خود نداشتند و از وی کرامات  
 فراوان منقول است و فائش در سال هشتصد بیست و  
 چهار است قبرش در تخت مزار حضرت شیخ الاسلام  
 و المسلمین شیخ زین الدین الخوافی است و بسیار  
 بزرگ بوده (رح) .



ذکر شیخ زین العله والدین

## اسفر غابادی [رح]

وی نیز از مریدان حضرت مخدومی اند و پیوسته در کازرگاه در خاتقاه والد بزرگوار خود مهلا نام شمس الدین محمد اسفر غابادی بسر میبرد و بدکردن فکر و تلاوت و عبادت میکند و در آخر حیات به شهر تشریف آورده و در خاتقاه شیخ صوفی علی بوده و اهالی شهر بصحت وی میرفتند و تبرک میجستند و روزی با جماعتی قصد زیارت وی کردند در راه یکی از ایشان گفت اگر در ویش را بعد از انابت احتیاج به توبه شود خود توبه کند یا باز؛ بدست شیخ خود توبه باید کرد چون بخدمت وی رسیدم آن شخص را مخاطب کرده فرمود اگر در ویش گناه از و صادر شود احتیاج نیست که آن را اظهار نماید و باز بدست شیخ توبه کند باید که بخود در خفیه توبه کند و آن را پوشیده دارد و دیگر کرد آن نکرد و امثال این حکایت بسیار است که از وی واقع میشد و فاش در سال نهصد و سی و دو است قبر وی در کازرگاه در جنب قبر والد وی که

است .

## ذکر مولانا حاجی ابراهیم

عالم معلوم ظاهری و باطنی بود و عارف و موحد  
 و حاجی الحرمین الشرفین بود و کرامات فراوان ازان  
 منقول است و بغایت خلاق نبود داشت شمایل ملیح و زبان  
 فصیح داشت و سفر بسیار کرده بود و لقمه ارباب دنیا  
 کم تناول کرده و از کدیمین معاش میگذرانیده و بشره  
 بغایت نورانی داشت چنانچه هرگاه ابن فقیر حقیر بی  
 بضاعت را غم با حزن روی دادی قصد ملازمتش میکردم  
 چون چشم من بر روی مبارک وی می افتاد فی الحال  
 آن غم بشادی و آن پریشانی بجمعیت مبدل میشد و این  
 معنی از تجربیات بود و فاتش در سال لهصد بیست هشت  
 و قبرش در مقبره مخدوم می تابادگانی است .

## ذکر شاه خورد (رح)

بغایت بزرگوار بود و کرامات و مقامات داشته  
 بیوسنه پادشاه مرحوم ابو سعید سلطان صحبت وی می  
 و فتنه و مقبره مذکور در شمال عیدگام است .



## حضرت شیخ کمال الدین حسن رح

علامه زمانه بود و بسیار دانشمندان از دامن او  
بر خواسته اند و فاتش در سال هشتاد و هشتاد و هشت  
از هجرت است قبرش در شمال عند گاه است .

## ذکر مولا فاشمس الدین محمد (رح)

شیخ الاسلام و افضل الزهاد و مرشد الالام مولانا  
شمس الدین محمد ابن حاجی ابل بعلم و زهد و تقوی  
و فتوی از اقران امتیاز داشت و پیوسته اهل هرات  
را تزهید مینمودند و در اصل از سنو جرد (۱) بود از  
بلوک گذاره پیوسته اهالی هر مملکت از خاص و عام  
در آن تردد میکردند و بدعی او تبرک می جستند و علم  
ظاهر رباطن ایشان به تعریف آراسته و عمرش هشتاد  
رسیده مدفنش در قریه سنو جرد سال فوت وی سنه ثمان  
و اربعین و ثمان مائه .

## ذکر بابا حسین ترک (رح)

در اول سیداهی بود و ظلم و تعدی میکرد نوبت به

(۱) سنو جرد معرب سنو کرد قریه ایست در هرات .

تحصیل مقدار مال بطوس رفته اخی محمود طوسی او را  
سیاست فرمود چون بهرات آمد اسپ و سلاح بدرویشان  
داد ویوستین کهنه در یوشید و در خیابان ساکن  
شد جذبۀ او را فرا گرفت و آن جا بود تا ازین دنیا  
رحلت کرد قبرش هم آن جا است در غرب خیابان .

### ذکر بابا جمال مجذوب

مشهور به بابا علی مست از اعزّه مجانبین بود در مقصد  
حال مکتب داری میکرد و بعد از آن مجذوب شد و در  
میدان جوی های آب در زمستان و تابستان ایستاده جوی  
پاک میکرد بعد بعضی از سوره قرآن مجید میخواند  
و بدعی مانده بعد از قرائت قیام می نمود بسیار قوی  
متراب بود و بعضی آنرا بخانه خود می بردند بگروزی  
یک شب آنگاه میداشتند و هر که بدل خود گفتی این مرد  
جز انمیرود فی الحال برجستی و برفتی و دیگر التفات  
نکردی مدقتش در بار (۱) اسپ فروشان است .

### سید غیاث الدین مجذوب

سالك عارف نامکین سید غیاث الدین از اهل کمال  
(۱) درین زمان سعادت اقران آن موضع را بازاریای حصار میکنند .



بود و سخندان کا النص القاطع واقع میشد متغیبات؛ بر او  
 مکشوف میکشت و نظر آن حکم کیمیای احمر داشت و فاش  
 سال هشتصد و شصت و هشت از هجرت قبرش در اندرون  
 خطیره خلوتیان در میان دوجوی واقع شده .

### میر محمد طاهر

از اکابر سادات بوده اند و در مرغاب آسوده اند  
 هر کس ایشان را در روز دوشنبه زیارت کند مقصد  
 وی حاصل گردد و کرامات فراوان داشته اند .

### مولانا عبد الصمد بخارا ئی (رح)

عالم و فاضل و مجتهد دین بوده اند و در درون  
 خطیره حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره در  
 یا ثین پای ایشان آسوده اند در بیرون مقبره بزرگ لוח  
 چاهی است و هفتاد و دو شهید در همان چاه مدفونند  
 در زمان هلاکوت بشهادت رسیده اند و زیارت ایشان را  
 اهل مرات لازم دانسته اند .

دیگر در باغچه سفید فروشان حضرت خواجه کازر  
 و شیخ زین الدین و بیر مراد بخش و شیخ قبر بنج در کازرگاه  
 است هر مطلب که داشته باشند بر سر تربت شیخ قبر بنج روح

بروند و باین ترتیب بخوانند که ذکر میشود بمراد میرسند  
یک هفته روزه هر روز هزار بار این آیت کریمه به  
خوانند و ذکر حضرت شیخ قرین نیز علیحده ذکر شده  
بود مدفن ایشان در طرف کوه زنجیر گاه است

و حضرت خواجه عبدالله انصاری قدس سره هفتادستک  
بدور مقبره ایشان آورده نصب کرده اند جهت اخلاص  
که داشته اند و آیه کریمه اینست ( فله الحمد رب  
السموات ورب الارض رب العالمین وله الکبریا فی  
السموات والارض وهو العزیز الحکیم )

دیگر در مقبره خمچه آباد از طرف شرقی خطیره  
امام امیر عبدالله الواحد شهید مسجد است او را توجه  
هیگویند همواره محلی غیبیان میباشد و تنها در آن جا  
بسر بردن کار هر کس نیست بسیاری از اولیاء و درویشان  
بسر می بردند بقایت منزلی است سهمناک و دور کت  
غماز در آنجا گذاردن تریاق اکبر است و در خمچه  
آباد در الدرون معوطه تنها مشهور بخواجه مراد  
بخش خمچه آبادی معروف است و مردمان هرات به  
زیارت میروند و بمراد میرسند .



# خواجہ غفر بیان

از مشاہیر بزرگان بوده و مدفنش در قریه ده کنارا است •  
 دیگر (شیخ کذرائی) و سه نفر دیگر مثل (ملا  
 یحیی بخارائی) و (شیخ نجم الدین مالائی) • قطب الاقطاب  
 در سرزینہ گاروگام بربک تخت آسوده اند دیگر مسما  
 در طرف خانہ ملا اشرف قاضی مستجاب الدعوت بود  
 و هیچکس از برادر قبر ایشان سوارہ نتوانستی گذشت •  
 دیگر (شیخ احمد مرجانہ رح) بسیار بزرگ بوده  
 دیگر (شیخ عالم تیزائی) از بزرگان و سادات قوم  
 بوده رح •

الحمد لله على التمام والصلوة والسلام على سيد الانام  
 و على آله واصحابه مصابيح الظلام و آخر دعوانا ان  
 الحمد لله رب العالمين •



(مصحف بالزبور والقرآن مسطور)

﴿ هوالله تعالى ﴾

﴿ حصه سوم ﴾

(رساله مزارات بابرکات)

هرات

﴿ طبع ۱۳۱۰ ﴾

﴿ در مطبعه دانش ﴾





# (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

الحمد لله الذي نور قلوب العارفين بنوار التجليات  
والواردات وعطر مشام المشتاقين بنفحات الانس  
والمشاهدات والصلوات الزاكيات التامبات على اشرف  
الموجودات ومجمع المعجزات وعلى آله واصحابه الذين  
استقوا وواصبته على المقامات والكرامات

وبعد برای خدا شناسان دل آگه و مخلصان و معتقدان  
اهل الله عرضه میدارد فقیر حقیر محب درویشان و خوشه  
چین خرمین ایشان محمد الصدیق الهروی ابن العارف  
العالم الربانی مولینا عبد الحمید السیاضانی (۱) غفر الله  
له و لوالدیه و احسن الیهما و البه که چون کتاب مقصد  
الاقبال را اعنی حصه اولی از شرح مزارات عالی درجات  
هرات در سنه ۸۶۳ هجری قمری عالم کامل و عارف فاضل  
سید عبدالله الحسینی الهروی مشهور با صیل الدین الواعظ  
تصنیف و تالیف نموده بود و بعد از آن در سنه ۱۱۹۸  
هجری مولینا العالم الفاضل و العارف الکامل عبیدالله  
بن ابوسعید الهروی حصه دوم مزارات هرات را که  
مشمول است بر ذکر حضرت مولینا العارف الجامی تابعه

(۱) سیارشان قریه بزرگ است واقع در بلوک گذاره هرات -



وقت آن مؤلف جمع و تالیف کرده بود و ازان وقت تا این زمان که سنه ۱۳۵۰ هجری قمری است عرفا و اولیائی که خاک پاک هرات بوجود مبارک ایشان زیب و زینت یافته است در پس پرده شده اند و تا حال هیچکس متعرض شرح حالات شان نشده است بنسب علیه جمعی از مجیدان و مخلصان اولیاء الله درین زمان سعادت اقتران ازین فقیر بی سامان التماس نمودند که شرح حالات آن بزرگان را بطریق اختصار جمع و تالیف نموده آن را حصه سوم قرار دهم پس جهت خوشنودی ارواح بزرگان و اسعاف مرام اخوان مستعیناً بالله درین میدان صعب اقدام نمودم و رفته من اکجا و صف بزرگان کجا \* نجم کجا ماه درخشان کجا \* کیف الوصول الی سعاد و دنیا \* قلل الجبال و دوانهن خیوف \*

## حضرت آخند ملا گندم علی

صاحب رح \*

العالم العالم الولی واقف اسرار الخفی و الجالی حضرت آخند ملا گندم علی ولادت با سعادت شان در یوم جمعه ربیع الاول سنه ۱۱۰۰ یکم هزار یکصد هجری قمری در قریه خلچان که اکنون مسمی است بروضه باغ واقع شده است از والدۀ ماجده شان روایت است که در وقت ولادت حضرت آخند صاحب هر دو دست خود را



برداشت و باواز بلند گفت لا اله الا الله محمد رسول الله  
چنانچه حضرات همگی شنویدند و تا از نفس پاک نشدم بستان  
و انکرفت و در وقتیکه چنین بردا اگر لقمه شبیه میخوردم  
در شکم اضطراب مینمود و تا قی نمیکردم آرام نمیگرفت  
در وقت صبوته آثار سعادت از جبین مبارک او لایح بود  
فی المهدی ينطق عن سعادة جده \* اثر النجاة ساطع البرهان  
تقاسمت که میفرمودند در مبادی حال شبها را در تربت  
حضرت میرزا یحیی قدس سره احیا مینمودم و از روح  
پر قنوج شان افتتاح میجستم شبی در آن روضه مراقب بودم  
تا کام آوازی از آن تربت شنیدم که ای گندم علی  
قرآن بخوان گفتم من امی میداشتم قرآن خواندن نمیتوانم  
فرمودند پس مستمع باش تا من بر تو قرآن بخوانم چون استماع  
نمودم از اول قرآن شریف تا آخر ختم نمودند پس صبح  
صادق دمید بخود متوجه شدم دیدم که حفظ قرآن شریف  
با فتوحات و فیوضات بسیار چون صبح صادق از مطلع غیب  
برزمین دلم تا بیدن گرفت دیگر فرمودند که ای گندم علی  
بتحصیل علم اشتغال نما تا از تاریکی جهات برهی علی الصبح  
بعزم تحصیل علوم بجانب مدرسه حضرت اعلم العلماء و قدوة  
الفضلا مولانا ملا دولت محمد میر قتم در اثناء راه بحضرت  
خضر علیه السلام ملاقی شدم فرمودند بطلب علم میروی مبارک

با دینس لطف بسیار و مرحمت بشمار بر من نمودند که  
از ان علم لذتی امن حاصل شد (علم اهل دل نه از مکتب بود  
بلکه از تلقین خاص رب بود) چون بمدرسه رسیدم بهر  
کتاب از هر علم که نظر کردم بفضد ربانی بر ایم مکشوف  
بود چون حضرات مولانا صاحب موصوف نظر کردند که من  
کتب مطالعه میکنم از روی تعجب فرمودند ای کند معنی  
تو شخص امی میباشد چگونه کتاب مطالعه مینمائی ما چرا  
را بخدمت شان عرض کردم بسیار مسرور شده فرمودند  
﴿ ذَا لِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَلِيمِ ﴾  
حضرت ایشان کسب طریقت و خلعت خلافت از حضرت میر  
سید محمد قتالی و ایشان از حضرت شاه علی و ایشان از  
حضرت شیخ احمد اقطع و ایشان از حضرت شاه غیاث الدین  
و ایشان از حضرت خواجه محمد معصوم و ایشان از حضرت  
والد ما خد خود امام ربانی مجدد الف ثانی شیخ احمد  
سهرندی قدس الله تعالی اسرار هم حاصل نمودند ایام  
حیات را بعبادت و مجاهدت در غارات و قتل جبال  
بسر میبردند و از ایشان خوارق عادات بسیار بظهور رسیده  
است که این رساله گنجایش بیان آنرا ندارد حضرت مولینا  
عزیز الله که یکی از خلفای شان است مناقب و خوارق عادات  
ایشان در رساله علیحدہ بیان فرموده است •



نقلست که در یافت شب قدر از ابتداء سلوک تا وقت فوت  
 از ایشان فوت نشد چنانچه یکی از مخلصان این مضمول را  
 در رثه نظم در آورده است .  
 مر شد ما رهبر عالی تبار \* بر طریق استقامت یابدار  
 گفت تا این راه دین شد در هم \* فوت ناکشته شب قدر از برم  
 گاه شب در جفت رکه در طاق بود \* تا مرا این شهره آفاق بود  
 مطلع اسرار شد آن نامدار \* بود از نور تجلی بر قرا و  
 لطف او در باره محزون فتاد \* تا طریق راه او را جلو داد  
 ذکر انتقال و ارتحال شان از دار فانی بدار باقی در  
 سنه ۱۱۸۵ روزی در مجمع مریدان نشسته بودند فرمودند  
 در واقعه دیدم که عمرم از هشتاد و پنج تجاوز نمی کند  
 همانا که عمرم با آخر رسیده باشد عنقریب ازالم هجران  
 میرم و بدلت وصل محبوب حقیقی سرا فراز میشوم یکی  
 برود حضرت مولانا ملا دولت محمد را از قریه خلیچان  
 بیاورد که برایم جنازه بخوانند چون اثر بیماری در بدن شان  
 ظاهر نبود حاضرین در تعجب شدند لاجرم یکی از مریدان  
 بخدمت حضرت مولانا صاحب شتافت و ماجرا را بیان نمود  
 در همین شب در بدن مبارک تب حریقی پدید آمد و بحکم  
 الموت جسر یوصل الجیب الی الجیب آتش شوق در کانون  
 سینه شان اشتعال یافته اضطراب میکردند بلی (وعده وصل



چون شود نزدیک \* آتش عشق تیزتر گردد) چون فردا شد حضرت  
مولینا ملا د و لت محمد حاضر شدند بعد از اِجاء آوردن تکریمه  
و تحیه حضرت ایشان فرمودند که فردا انشاء الله تعالی  
صلوة جنازه ام را ادا خواهید نمود مخلصان از بن خبر  
دهشت اثر محزون شدند در شب سه شنبه هر دو بزرگوار با  
یکدیگر صحبت نمودند چون روز شد در خلوتخانه اندرون  
شده فرمودند حضار را که مراقب شوند چون صلوة ظهر  
را بجماعت ادا نمودند متوجه قبله شده در حق اولاد و  
مخلصین و باقی مسلمین دعا نمودند که بیک اجل رسیده و مرده  
ارجعی الی ربک راضیه مرضیه را خوانند پس حضرت شان  
یا و از بلند گفتند الله و جان بجانان سپردند و حاضرین  
یا و از بلند استرجاع انالله وانا الیه راجعون را ادا  
نمودند پس حضرت مولینا د و لت محمد تغسیل و تکفین شان  
را نموده همراه جمع کثیری نماز جنازه خوانده ایشان  
را دفن کردند مدفن مبارک شان قریه خسرو است (یزاد  
و یتبرک به) زیارت شان در اجابت دعا تریاق مجرب است  
یکی از فضلاء در تاریخ فوتش فرموده .

چونکه تاریخ وفاتش از خرد جسم یقین - از عنایات الهی گشت بر من این یقین  
سال غین وفا وها وقاف از غفران حق - جان پاکش شد جوار رحمة للعالمین  
از ایشان سی خلفای کبار و اولاد نامدار باقیمانده است



تا حال که سنه ۱۳۵۰ است هر يك از ایشان صاحب مدرسه  
و ختفا مینباشند و بطریق ائمه جدا مجد خاق خدا را  
ارشاد مینمایند و قهیم الله تعالی و ایانا الی یوم التناد  
آمین یا رب العالمین و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

## حضرت خلیفه

میر یحیی صاحب قتالی قدس سره

آن تاهج مناہج شریعت مصطفی صلی الله علیه وسلم سالک  
مسالك طریق ائمه حضرت خلیفه میر سید یحیی از اولاد  
واجفاد حضرت سلطان العارفین المشهور فی البلاد والجناب  
سلطان میر ابراهیم قتل است قدس سره و متصف بعلوم  
ظاهری و باطنی و بگانه زمان خود بود خرقه خلافت  
و اذن طریقه ائمه چشتمه را از والد ماجد خرد حضرت  
حاجی میر افضل شهید حاصل نموده و آن از یدران خود تا  
حضرت سلطان ابراهیم (۱) قتل و آن از مشایخ چشتمه عمر  
شریف را بعبادت و مجاهدت و ارشاد و هدایت خلق الله در کوه زور (۲)

- (۱) سلطان ابراهیم را ازان قتل نامند که نسبت طریقه ایشان  
بجندی و امط بشیخ ابن الدین قتل میرسد .
- (۲) آرا کوه زور ازان سبب مینامند که یکی از اولاد ضحاک  
مادرش از خوف گناوه دران کوه متحصن شده بود که آنرا زور نام داشت .

که در غریب محال غور و شرقی اسفزار است بسر میبرد و در اخیر  
عمر نزیل هرات شد و صاحب کرامات و خرق عادات بود  
\* نقلست \* عبدالرحمن خان بارکزائی تورچی باشی که  
یکی از مقر بان اعلیحضرت احمد شاه غازی سدوزائی بوده روزی بموجب  
کاری بشکنجه گرفتار شده و به آن سبب از طرف شاه حکم  
قتل شد ملازمان شاه آنرا بنزد فیل بردند حمله نکرد باز  
بنزد توب بردند در نگر فت تفتیش نمودند که با خود تعویذ  
داشته باشد نداشت متعجب شده شاه را مطلع نمودند شاه از  
رحمن خان پرسید که آیا بیکی از بزرگان اخلاص مندی  
که ترا از قتل مانع آمد گفت آری در ابتدای شب شبانی  
حیگر دم روزی نمود یوشی زولیده موئی در قلعه گوهی بامن ملاقی  
شد آنرا سلام نمودم و نامش پرسیدم گفت نام سید یحیی است  
و از سادات گوه زورم مخلص وی شدم و از وی استمداد  
طلبیدم گفت مدد کن بنزد احمد شاه معنی سخن آنرا ندانستم  
و از من غایب شد امروز که مرا بفیل حواله کردند  
دیدم که همان شخص حاضر شد و بعضای خود بطرف فیل  
اشاره کرد تا فیل گریخت باز که مرا بنزد توب بردند دیدم  
که حاضر شد و ابریق آبی را بدهان توب ریخت بر من کارگر  
نشد پس ازین ماجری شاه فرمود که رحمن خان را محبوس  
نمائید تا حضرت میر حاضر نشود رحمن خان را رها نمیکنم



پس بزمان اندک حضرت میربدو با ر شاهی حاضر شدند  
 و شفاعت رحمن خان را کردند پس رحمن خان بمنصب  
 اصلی خود مقرر گردید شاه نیز از مخلصان و بار یافته کن  
 حضرت میرشد و الطاف پادشاهی را بخدمت شان مصروف  
 نمود **﴿ نقلت ﴾** روزی مخلصان اسفزاری حضرت میر از  
 جور جعفر خان فوفلزائی که حاکم شان بود بحضور حضرت  
 میر صاحب شکوه نمودند حضرت میر بر آشت و در غضب  
 شد و آتش یاره ز ا بجزه خود انداخت و گفت ای خانه  
 بسوزنقارت الهی خیمه جعفر خان در اسفزار در گرفت  
 و جمیع متاع آرا بسوزت میر عبسی مجذوب همین مضمون را  
 در سلك نظر در آورده .

فضل باغ حاجی افضل سید یحیی ما - شیخ شیخان مکمل سید یحیی ما  
 قائل ذکر اله قابل انوار حق - لایق تاج مکمل سید یحیی ما  
 هم امیر و هم فقیر هم ندیم بزم شاه - در همه سادات مشعل سید یحیی ما  
 فخر اولاد نبی و سرور اهل بقین - صف رصافی همچو صاقل سید یحیی ما  
 طبل منشور خلافت در جمیع مسلمین - ز دباذن حاجی افضل سید یحیی ما  
 چون کرامات و مقاماتش ننگینجد در جهان - منکران را کرد احوال سید یحیی ما  
 شد بر حمن خان حواله قبل شه از روی کن - قبل را کرده معطل سید یحیی ما  
 شاه دران را کمر بسته بالطف اله - ناصر آن شاه عادل سید یحیی ما  
 دوات شاهی نابدالی (۱) میسر شد ازان - چشم عالم را مکحل سید یحیی ما

(۱) اعاب حضرت حمد شاه را ببدالی ازان نامند که جد اعلی آن ابدال خان است .

آتش اندر خانه زد خیمه ز جعفر خان بسوخت - خشم زد بر خان فرقل سید یحیی ما  
 دارد عیسی بر جناش روز محشر التجا - قطب دین وغوث اکمل سید یحیی ما  
 عمر گرامی شان بهفتاد و دو سال رسید و در سنه یکمزار  
 و یکصد و دو و دو هجری ندای ارجعی الی ربك را ضیة مرضیة  
 را بگوش هوش خود شنید و جان بجان سیرد مرقد منور  
 شان بجنوب قریه بیجقی است بکناره دشت یلان مرجع خواص  
 و عوام است ( یزاد و یتبرک به ) بران عمارت عالی است .

## جناب حضرت

سوفی اسلام کروخی (۱)

قطب الا و لباء و شمس الا صفیاء مرشد الانام حضرت صوفی  
 اسلام شهید و ال ماجد شان از بزرگان ولایت خوارزم  
 بودند و در اخبر عمر و وطن مالوف را گذاشته در قصبه  
 هرک که از مضافات میمنه است سکنا پذیر شدند و جناب  
 شهادت پناهی در سنه ۱۱۳۸ در آن موضع متولد شدند  
 و بعد چند سال والد شان در آن جا فوت شدند جناب حضرت  
 از تقدیرات الهی بعد از چند سال در بخارا رفته درجه  
 عسکر امیر بخارا محمد رحیم خان مندرج شدست بادانی وقت

(۱) کروخ بفتح کاف و تشدید و بضم راء مهمله و قیل بتخفیف  
 و خاء معجمه قصبه ایست که بشرقی و شمالی هرات واقع شده .



از حسن خدمت بمنصب عالی سرافراز شد است ميفرمودند  
 روزی جهت مجاز به سوی مرو و او را و رکنج مبرقتم در اثناء  
 راه حضرت خضر علیه السلام بصورت بسیار نیکوئی با من  
 صحبت نموده مرا نصیحت کرد که ای فرزندان از لعب و لعب  
 دنیا دست بردار خدمت پادشاه مجازی را ترک کنی  
 و بخدمت سلطان حقیقی بکوش که دنیا فانی است و عقبی بقی  
 آن نصیحت در دلم مؤثر گشت و حب دنیا در دلم سرد شد تا  
 ترک جاه و منصب کردم و هفت سال در غار نور عطا بخلوت  
 و انزوا بسر بردم و گاه گاه صحبت آن پیرزنده دلان  
 برایم میسر میشد جناب حضرت شهید در در طریقه ما ذوق  
 بودند در طریقه نقشبندی به خلعت خلافت را از حضرت خلیفه  
 غائب نظر حاصل نمودند و ایشان از حضرت شیخ الله یار  
 که ایشان مصنف مسلك المتقین است و ایشان از حضرت شیخ  
 حبیب الله و ایشان از حضرت میا معصوم صاحب و ایشان از  
 والد ماجد خرد حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی  
 شیخ احمد سرهندی قدس الله اسرارهم و در طریقه جهریه  
 مجازاند از طرف خلیفه عاشور قل که بچند واسطه نسبت  
 طریقه شان میرسد بسیادت پناهی سلطان خواجه احمد یسوی  
 قدس سره جناب شهادت پناهی مدتی در محال فرغانه و بخاری  
 شریف بهدایت خلق اشتغال داشتند اکثر آن دیار بخدمت

شان ارادت داشتند چون پادشاه وقت از اجتماع و کثرت  
مریدین شان دلتنگ شد ایشان بصفای باطن آن را دریافته  
عنان عزیمت را اصوب هرات کثیر البرکات منعطف کردند  
چند وقت در ولایت میمند و اون جلاد و خواجه کثیر طرح  
اقامت نمودند چنانچه مساجد و خانقاه شان تا حال  
معمور و معروف است بعد از چند گاه در هرات شرف ورود  
یافتند اولاً در قره چهار حیات نزول فرمودند پس از آن  
در علاقه کرونج رحل اقامت انداخته بارشاد و هدایت  
خلق و عبادت حق سبحانه تعالی بس میبردند **تلاوت** پیش  
از ورود شان در هرات حضرت شیخ عبدالخالق یلانی که  
صاحب کشف و کرامت بودند و از جمله توالیف شان دیوانی  
غزل و تفسیر سوره و العصر است در وقت فوت برای باز  
ماندگان خود توصیه نمودند که بعد از من فقیری ترک در  
هرات پیدا میشود عمامه و عصای مرا بآن شخص تسلیم نمایند  
چون جناب حضرت در هرات ورود یافتند در منزل حضرت  
شیخ که واقع است در بلوک گذارم و حال مشهور است  
بمنزل خواجه ها تشریف برد آن امانت را از بازماندگان  
حضرت شیخ باز یافت نمودند خوارق عادات جناب حضرت  
بسیار است درین مختصر نمی گنجد هر گاه طالبی خواهش  
اطلاع داشته باشد در رساله اسلامیة رجوع نماید شرح



شهادت باسعادت جناب حضرت در زمانی که حاجی فیروز  
الدین شاه خلف مرحوم تیمورشاه سدوزانی در هرات حکم  
ران بود و فتحعلیشاه قاجار در ایران پادشاه بود لشکر انبوهی  
بعزم تسخیر هرات آمدند و قلعه غوریان را محاصر نمودند  
جناب حضرت با مخلصین و مریدین و باقی اهالی هرات به  
حمیت حاجی فیروزالدین شاه برای حفظ دین و مملکت عزم محاربه  
نمودند در قریه شکیبان هر دو لشکر با یکدیگر تصادف نمودند  
بعد از محاربه مردانه اسلامیة جناب حضرت با اکثر خلفاء  
خود شریفت شهادت را نوشیده در زمره ولا تحسبن الذین  
قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون فرحين  
بما اتاهم الله من فضله داخل شدند .

دو مسلخ عشق جزانکورا نکشند \* لاغر صفدان دشت خود را نکشند  
گر عاشق صادق ز کشتن مکر بز \* مردار بود هر آنچه او را نکشند  
اهلی هرات نعت مبارکشان را در کرونخ در چهار باغیکه  
جناب حضرت بدست مبارک خود ناچوشانی کرده بودند دفن  
نمودند ( یزاد و یتبرک به ) در لوح مزار فیض آثارشان این  
رباعی ثبت است .

قال نظر نهان شده خورشید دین پناه \* کرد بدروز اهل ارادت شب سیاه  
سال شهادتش طلبیدم ز یر عقل \* گریان شد و بناله بگفتا ( غریو آه )

ایشان یکهزار و یک خلیفه داشتند که شرح و خوارق عادات  
شان در رسالهٔ اسلامیه مندرج است از ایشان بسی  
اولاد و احفاد نامدار باقی ماند که صاحب خاتمه و مدرسه  
بودند و خلق را بطریقهٔ انبیهٔ شان ارشاد و هدایت نمودند  
خصوصاً خلف الصدق شان جناب خلیفه الله بردی صاحب که صیت  
بزرگی شان کوش اهالی اسلام را بر در ساخت ✽ و آخر دعوانا  
ان الحمد لله رب العالمین .

## خلیفه میر ابراهیم

✽ صاحب ادرائی (۱) قتالی ✽

العالم الربانی و العارف السبحانی خلیفه میر ابراهیم  
ادرائی در یانوش خلف الصدق حضرت خلیفه میر سید محمد  
قتالی است ولادت با سعادت شان در کوه زور واقع شده  
است در ابتداء جوانی در هرات آمده بتحصیل علوم دینی  
اشتغال نمودند و در علم فقه و حدیث و تفسیر و اخلاق بر  
اقران فائق شده در قریهٔ ادران ازدواج نموده مسکن گرفتند  
و طالب مرشد کامل شدند اگر چه والد ماجد شان کامل

(۱) ادران بضم همزه و سکون دال مهمله و فتح راء مهمله  
قریه ایست در شرقی و جنوبی شهر هرات واقع بمسافت  
دو فرسخ ازان .



و مکمل بودند و بسیار سالکان بصحبتشان اكمال یافتند مثل  
حضرت آخوند ملاکند علی صاحب که شرح حالاتشان گذشت  
لاکن در زمانی که طالب مرشد گردیدند پدر بزرگوار  
شان فوت شده بودند لذا نسبت طریقت و خلعت خلافت را  
از حضرت میرزا عبدالرحیم صاحب مجددی حاصل نمودند و  
ایشان بچند واسطه از جد امجد خود حضرت امام ربانی  
مجدد دالف ثانی شیخ احمد - مهر وادی قدس سره اخذ کردند  
خلیفه موصوف اسی مجاهدات و ریاضات شاقه نمودند و  
در آجرید او تقریب یکانه زمان بودند از بسکه از بحر معرفت  
آشامده اند ایشان را در یانوش میکفتند ﴿نقلست﴾ روزی  
پادشاهی وقت در ادران جهت زیارتشان ورود یافت  
و مصارف زیادی جهت خرج لشکرشان مقرر فرمود هر چند  
سعی نمود حضرت خلیفه قبول ننمودند ﴿نقلست﴾ روزی  
حضرت خلیفه بمردم ادران فرمودند در واقعه دایم  
در ویشتی باین قیافه صاحب مقامات و درجات عالیه  
است اما از ارباب جهل است آن شخص را در هر جای  
که دید بد بحضورم بیاورید که باوی صحبت نمایم اتفاقاً روزی  
همان شخص را در یافته بیاوردند باری ملاحظه و صحبت نموده  
سوال کردند که این درجات را از چه یافتی و چه عملداری  
آن شخص فرمود که من ناخرانم و داخل عسکرا سلام لکن

کتابی دارم که آن بمنزله ییبر کامل و همیشه با من است و  
از آن تقرب میجویم شاید که از برکات آن باشد پس آن  
کتاب را در میانه گذاشت که مکتوبات حضرت امام ربانی  
بود حضرت خلیفه فرمودند که ای فرزند این عمل را لازم  
گیرید بعد مریدان را ترغیب نمود امر فرمودند بمطالعه  
مکتوبات شریف حضرت خلیفه بعبادت و ریاضت و تربیت  
مریدان شصت سال زیست کردند و در اخیرندای ارجمی  
الی ربك راضیه مرضیه را شنیده از دارالفنا بدارالبقا  
شناقتند مرقد منورشان در قریه آدران است مشهور و معروف  
(یزادو بتبرک به) بر مرقدشان عمارت عالی است و آخر  
دعوانا ان الحمد لله رب العالمین .

## حضرت خلیفه

میر عبدالباقی صاحب ادرانی قتالی

الشیخ العالم العارف الفانی الباقی خلیفه میر عبدالباقی  
صاحب ادرانی قتالی خلف الصدق خلیفه میر ابراهیم صاحب  
است نسبت ارادت و خلافت از والد ماجد خود داشتند از علوم  
شریعت و طریقت بهره وافی یافتند یکنه عصر و مقتدای  
زمان بودند خوارق عادات شان بسیار است درین مختصر  
نمیکنجد لکن برخی را جهت استماع مخلصین شرح میدهیم



\* نقلت \* شاه کلخان بادیه نشین گفت غلامی داشتم  
مفقود شده بود توسط بجناب شان جسته عرض مفقودی غلام را  
نمودم اولاً سکوت نمودند در ثانی فرمودند حالا بخواب دست  
غلام تو در دستم بود که از نزد مرجان نام بنزد خود می  
کشیدم و از من پرسیدند که آیا مرجان نام در هرات خواهد  
بود من عرض کردم که در موضع دهن دو آب است فرمودند  
که در قبله زمین خواهد بود بعد از چند یوم غلام آمد ازوی  
پرسیدم که درین اوقات کجا بودی گفت در سرحد مشهد به  
کوه سرخ نزد مرجان نام بادیه نشین بودم در شب جمعه به  
خواب دیدم که حضرت خلیفه مبر عبدالباقی صاحب ادراعی  
دست مرا گرفت و بجانب هرات کشیده از خواب بیدار شدم  
و از شوق دیدار شان بی طاقت شده روانه هرات شدم حضرت  
ایشان بداجوئی درویشان و بر آوردن حاجات مسلمانان  
و عبادت حضرت منان و تبریت مریدان بسی اهتمام داشته  
تمیزی سر بردند در سنه ۱۲۹۲ ز مان امارت مرحوم امیر  
شیر علیخان بمصدق مصدوقه ( کل من علیها فان ) طائر روح  
یرفتوحش تنکنای فانی را یدرود کرده در فضای وسعت افزای  
جنان خرا میده برحمت حق یدوست مرقد منور شان در مقبره  
ادران بخطیره رالد ماجد شان خلیفه مبر ابراهیم صاحب واقع  
است ( یزاد و یتبرک به ) ملا عبدالرحمن شاعر متخلص به

عاشق که ملک الشعراء آن وقت بود اشعار ذیل را در مرتبه  
و تاریخ وفات شان بسلك نظم کشیده این است  
مضمون اذا جاء الاجل مفهوم میگردد

که نتواند کسی بیچند سر از جیب قضا اینجا  
ز سوگ یکجهان فانی که شبهش نیست در گیتی

دل از هستی ببرد ازد مکن چون و چرا اینجا  
بقا بالله عبدالباقی آن پیری بحق رهبر

که در القاب بود سید و فخر الورا اینجا  
خهی خضر مساجد و ش که وقت خرق عادتها

ز انفاس خوش خود ساختی دار الشفا اینجا  
دعای حور من و جه قبول افتاد چون گفتش

مرا آجا رساند یا ترا خواهد خدا اینجا  
بود جایش جوار رحمت حق بهر تار بخش

۱۲۹۲ حساب اندر جمل کن تا بیابی مدعا اینجا  
(و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین)

### حضرت خلیفه میر محمد صدیق

ادرانی قتالی قدس سره

آن شهید از بلند پرواز عرش آشیان قدسی مکان قطب  
درسانی و غوث صمدالی مرشدی و مولائی خلیفه میر محمد



صدیق صاحب ادرانی خلف الصدق حضرت میر عبدالباقی  
صاحب ادرانی است در علم ظاهر و باطن و در طریق تجرید  
و تفرید یک آنه زمان بودند انقاس طیبه شاعر ا خالق تعالی  
شفاء امراض آفریده بود در یک توجه طالب مستعد را  
از حضيض خاک باوج افلاك ميرسايدان جامعه خشن و كهنه  
پوشیدی و بر ریاضت بدن کوشیدی هر کسی که ایشان را دیدی  
دلش از حب دنیا سرد شدی و طالب راه آخرت گشتی و  
مرد شدی هرگز املاك و اراضی و تنور نداشتی و با این  
در هر شب و روز خلق بسیار از خوان احسان شان طعام  
برداشتی محبوب القلوب جمع مسلمانان بودی قرآن مجید  
را حفظ داشته در هر شبی در نماز تهجد یک منزل را بتائی  
و تدبیر تلاوت نمودی بفقراء و مساکین بدرجه کمال متواضع  
بودی سفری حرمین شریفین را بطریقی رفتند که هیچکس  
بدان طور نرفته در هر منزل اهالی آن جا مرید و معتقد  
شان شدی خصوصاً مردم عرب و در مدینه مشرفه شب تنها  
در روضه مبارکه قیام لیل مینمودند در آنجا در طریقه علیه  
قا دریه و چشویه و سهروریه ممتاز شده مرید گرفتند  
خوارق عادات شان بسیار است که یکی از مخلصین آنها را  
جمع نموده در یک مجله مشتمل بر دو صد ورقه است ابن فقیر  
بعضی را تیمناً و تبرکاً در این رساله درج مینماید

﴿ نقلست ﴾ در سنه ۱۲۶۶ یکهزار دوصد شصت و شش هجری  
قمری که ولادت باسعادت شان واقع شد حضرت میر ابو الفیض  
صاحب سیو شانی (رح) که شیخ از رگ و معر و فاست و  
عنقریب شرح حالات شان می آید بمبارکبادی این نازم کل  
بوستان احمدی بقریه ادران در نزد والد ماجد شان  
خلیفه میر عبدالباقی صاحب آمدند بعد از فراغ حضرت میر  
ذکر نمودند که قره العین را بباورید که چشمه یجمال و ی  
منور شود خادمه که آن را خیری میگفتند ایشان را در  
قنداقه آورده زینت بخش مجلسیان گردانند حضرت میر  
صاحب قنداقه شان را در بغل گرفته ایستاده شدند و ایشان  
را از سر خود بالا گرفته بجوش و خروش آمده فرمود  
نوباده باغ احمدی مبارک ﴿ شمس فلك محمدی مبارک  
و چند فرد عاشقانه از اشعار حضرت شمس تبریزی (رح)  
خواند و فرمود میر محمد صدیق از من بالا و از خلیفه  
عبدالباقی جان بالا و از مشایخ وقت بالا از این حالت  
برای مجلسیان شوری و فغانی ظاهر شد بعد حضرت میر فاتحه  
خواند و عزیمت خانه خود نمودند که امات اولیا حقا است  
چنانچه حضرت میر فرمودند رتبه صاحب مبارک از همه بالا  
گرفت ﴿ نقلست ﴿ صوفی ملا احمد کورتی که یکی از مخلصان  
شان بود میگفت که من روزی شرف صحبت شان را حاصل نموده



فرمودند که ای احمد خوب شد که آمدی اسپ حاضر کن  
 که بشکار میرویم و هیچوقت بشکار نمی رفتند چون حاضر کردم  
 سوار شدند و میرفتیم باران گرفت من متفکر و متحیر به  
 رکاب شان میرفتم و با خود می اندیشیدم که تفنگ و آلت  
 شکار موجود نیست چگونه صاحب مبارک شکار خواهند نمود ناگاه  
 بکوه رسیدیم عنان اسپ را گردانیده در شعبه داخل شدند  
 که دو کوه سفید کوهی شاخ بشاخ پیچیده در آن شله افتاده  
 از حرکت مانده اند و توانائی رفتن ندارند فرمودند که ای  
 احمد این هارا ذبح کن که از عذاب خلاص شوند و با خود  
 ببریم چنان کردم فرمودند که ای احمد با خود میاندیشیدی  
 دیدی که بی تفنگ شکار میشود میفرمودند مرید گرفتار  
 کسی را شاید که اگر در هر ناحیه عالم افتاد مرید داشته باشد  
 و بیک زمان همگی موت شوند از حال هیچیک غافل نباشد  
 ﴿ قلست ﴾ میرا ابراهیم خواجه سیروانی (رح) در ابتداء  
 مرید شیخ ملا عبدالعزیز قشوری بود و در اخیر از مریدان  
 صاحب مبارک شد میگفت روزی در بادغیس خواب قیلو له  
 شدم و بیشتر بصحبت صاحب مبارک ترسیده بودم و اندیشه  
 آن هم نداشتم در خواب دیدم که کسی میگوید که خلیفه میر  
 محمد صدوق ( محی السنه و ممیت البدعة القوی فی الله الوائق  
 بالله المتوکل علی الله الذی لم یوجد مثله فی البلاد و لم یکن له

نظیر فی العباد و یقولون انه لمجنون و ما هو الا ذکر للعالمین )  
از خواب بیدار شدم و این عبادت را نوشتم و از مخلصان  
شدم ﴿ نقلست ﴾ صاحبزاده عبدالله جان مجددی که از مریدان  
حضرت صاحب چهار باغ جلال آباد است میگفت روزی بخدمت  
خلیفه صاحب عرض کردم که مرا اجازه خواندن درود صلاة نچندینا  
بدهید فرمودند اجازه دیگر درود میدهم که به خواندن  
این درود شمار احتمال ضرر است یک شب بی اجازه در مسجد  
نسان بخواندن این درود شروع نمودم ناگه دیدم که سه شخص  
مهیّب بر فیلهها سوار بر من حمله آوردند التجا بحضرت  
خلیفه صاحب آوردم حاضر گردیده فرمودند که مقرر  
فیلهها را در حال دفع کردند درین اثنا جدامجد خود اعنی  
حضرت مجدد صاحب را دیدم که میفرمودند حضرت خلیفه  
صاحب مددگری تو شد و اگر نه ترا هلاک میکردند در  
سنه ۱۳۲۵ هجری قمری که سراج الملة والدين امیر شهید  
امیر حبیب الله خان در هرات شرف و رود یافت بدیشان  
اخلاص مندی بسیاری بظهور رسانیده ازان چیزی قبول  
نمودند مگر یوستین سموری که جهة یادآوری گذاشتند  
﴿ بیان رحلت با سعادت شان ﴾ قبل از رحلت چند چیز ازیشان  
بظهور پیوست که مشعر بر قوت شان بود اولاً بر یک سال  
بیش از قوت بر خلاف عادت خود مدرسه و همین روضه



متبر که را که حال مرقد منور شان است بشوق تمام بدست  
مبارک خود اشجار ناز و دران غرس نمودند دیگر در همان  
سال در ماه مبارک رمضان بخلاف عادت سابقه خود  
مسلمانان را جمع نموده با ایشان نماز تراویح را به شش  
شب ختم قرآن مجید نموده امامت کردند دیگر در این  
سال صحبت و خلوت با مریدان بیشتر از پیشتر مینمودند  
دیگر در آخرین مجلسی که ابن فقیر شر فیاض صحبت شد  
بعد از ملاطفت فرمودند که شما را توصیه میکنم هر گاه  
که جهت نماز سحری برخیزید یکبار خود را بر خاک انداخته  
بگوئید الهی خلیفه را پیدا مرزای فرزند وجود شما سعادت  
دارین است انشاء الله تعالی از صحبت شما مسلمانان بدرجاء  
عالیه خواهند رسید چون عمر شان به شصت و سه سال رسید  
که مستوره حضرت سیدالانام است علیه و صلی الله السلام مرض  
مورثی که درد پا است با ایشان عارض شد در شب جمعه  
سبز دهم صفر المظفر سنه ۱۳۳۰ هجری قمری جمیع اقوام  
را حاضر ساختند و با ایشان وداع نموده در وقت سحر  
فرمودند که وقت رحلت است متوجه باشید هر یکی به  
تهلیل و ذکر اشتغال ورزیدند و خود صاحب مبارک متوجه  
قبله نشسته منظر بیک و پیام ملک اعلام بودند که آنگاه ندای  
ارجسی الی ربک راضیه مرضیه را شنیده لبیک گفته طائر

روح پر فتوحش تنگنای دنیای فانی را پدرود نموده بفضای  
دلکشای جنان خرا مبد حاضرین به آواز حزین استرجاع  
نمودند که ( ان الله وانا الیه راجعون ) در روز جمعه  
علما و مشایخ و حکام و اکثر اهل هرات در نوین علیا  
کرد آمده صلوة جنازه را بخشوع و خضوع ادا نمودند  
و چون در سه موضع مرقد مبارک را حفر نموده بودند در  
قریه تورت و ادران و نوین اهالی این مواضع بایکدیگر  
منازعه کردند اگر قوه عسکری نبودى بمقتله می کشید آخر  
الامر بحکم قاضی شریعت و علما در وسط نژوستان نوین علیا  
دفن نمودند در شب فوت شان جماعه از قلندران در خراب  
دیدند که قطب زمان از دارالفنا بدارالبقار حلت نمود در  
ایام تمزیه جمع اصناف بازار هرات از مسلمان و یهه د  
و هنود بی حکم دم دکان بندی نموده همراه باقی اهل هرات  
بسوک و رزی در نوین حاضر بودند تا به درماه گرتبا شور  
فیامت در نوین قایم بود در هر روز اهل بکفر یه با علمی  
محلل بعلهای فاخره بر افراشته مع مبالغ کثیره نعت خوانان  
و گریه کنان در نوین حاضر شده صدقه مینمودند که عدد  
حلهای بهفتاد میر سید روضه متبرکه یسی فرح بخش و دلکشا  
است در غربی تربت شان یکی از مخلصان بشاشرت خود شان  
ایوانی رفیع بنیادی تعمیر نموده است از زیارت شان فیوضات



وقتوحات بر زائیران ظاهر و باهر است داند آن کس  
که داند ( یزاد و یتبرک به ) و آخره عوانا ان الحمد لله  
رب العالمین .

## خلیفه حاجی سید احمد

✽ صاحب قنالی ✽

قدوة السالکین و زبدة العارفین حاجی میر سید احمد  
صاحب خلف الصدق حضرت حاجی میر سید محمد صاحب که  
برادر کلان حضرت خلیفه میر محمد صدیق صاحب بودند  
نسبت ارادت بخدمت عم بزرگوار خویش داشته و حضرت  
عم بزرگوارشان در باره شان همواره توجه و الطاف کاملی  
داشتند عم بزرگوارشان یکروز قبل از رحلت خود موصوف  
را در خلوتخانه که آنرا خوانه هشت مینامند طلبیده توجه  
دادند و بجای نشینی خود امر فرمودند بناء علیه ما دام  
حیات زاویه نشین آن بقعه مبارکه بوده بعبادت و ریاضت  
و ارشاد خاق کوشیده قدم بر قدم عم بزرگوار نهاده بدرجات  
عالیه مشرف شدند و قرآن شریف را حفظ می نمودند و  
باستعمال کتب فقه و تفسیر و حدیث شریف بسی شایق بودند  
✽ نقلست ✽ يك صر فی میکفت روزی در خاطر مگذشت  
که چرا حضرت خلیفه بتوجه سالکین بسیار نمی کوشند بمثل

دیگر شیخان در حال دریا رفتند و مرا بخلوت طلبیده فرمودند  
 ای فرزند اگر ما شیخی کنیم شیخان دیگر از کار میمانند  
 البته ما بکار دیگر اشتغال داریم پس خطر از من دفع  
 شد در اخیر عمر چند روز در بستر بیماری افتاده در یوم  
 پنجشنبه غره ذیحجه الحرام سنه ۱۳۴۱ بیک اجل را لبیک  
 گفته جهان فانی را بدرود نموده بجوار رحمت حق تعالی  
 پیوست در قریه نوین علیا در خطیره عم بز رکوار خود  
 مدفون شد .

## حضرت آخند ملا علی محمد

☆ صاحب اسفزاری ☆

الشیخ العالم العامل الامجد حضرت آخند ملا علی محمد  
 صاحب خلف الصدق حضرت صوفی ملانور محمد صاحب  
 است که یکی از بزرگان وقت بودند حضرت آخند صاحب  
 در عنقوان شباب بطلب علم شغل داشتند بعد از تحصیل علوم  
 بطلب مرشد کامل شدند مدتی جو یا بودند تا بخدمت حضرت  
 مولوی محمد جان صاحب که یکی از خلفای شاه صاحب  
 دهلی بودند در قندهار رسیدند دست ارادت و انابت  
 بدست مبارکشان دادند ریاضت و مجاهدت بسیار نمودند  
 تا از فضل کردگار بدرجات عالی رسیدند و با مر خلافت



ممتاز شده باسفرار رجوع نموده بهدایت و ارشاد طالین.  
عمر را بسر بردند حضرت ایشان دائم الصوم و دائم السکوت  
بودند \* نقلست \* روزی حضرت مولوی صاحب فرمودند  
در اثنائیکه از دارالفخره بخارا مراجعت میکردیم  
در هرات آمده از زیارات کثیر البرکات هرات رسیدیم  
و از آنجا عنان عزیمت را بجانب قندهار گردانیدیم در  
میان راه موضعی بود بسیار نورانی و فیضانی از اهالی  
آن دیار جو یا شدیم که درین موضع کدام بزرگ مسکن دارد  
که بوی عارفی حق پرستی بمشام ما میرسد گفتند این موضع  
از صوفی ملانور محمد است حال میدانیم که آن کس والد  
ماجد شما بوده است این درجه رفیعه که شما را رسیده  
است همانا چیزی از توجه آن بزرگ باشد از صحبت  
حضرت آخند صاحب بسی خلفاء کبار و نامدار بکمال رسیدند  
که شرح حالات بعضی از ایشان درین رساله مندرج است  
از ایشان پنج نفر اولاد باقی ماند که هر یک بمنزل ماه تابان  
عالم را منور کرده است این فقیر بصحبت اکثر آنها رسیده  
است خصوصاً حضرت صوفی صاحب علیه الرحمه مدفن شان  
در قریه عزیز آباد اسفزار است مشهور و معروف (بزرگ  
و یتبرک به) تاریخ فوت شان معین نشد \*

## حضرت میر ابوالفیض

صاحب قتالی سیدوشانی

آن خلاصه خاندان اصطفی نقاره دودمان ارتضای آن  
سوخته شوق الهی آن مرتقی مدارج اقطاب و ابدالی  
حضرت میر ابوالفیض قتالی قدس سره خلف الصدق میر  
ابوذر صاحب است که سلسله نسب شان میرسد بحضرت سلطان  
ابراهیم قتال قدس سره و لادت باسعادت حضرت میر صاحب  
در روز دهم رجب سنه ۱۲۲۱ در قریه آخری ساخر واقع  
شده است بعد والد ماجد شان در قریه سیدوشان نزول فرموده  
در زمانیکه حضرت میر صاحب سه ساله شدند پدر ایشان  
فوت شدند و در شمالی خائقاء حضرت شیخ عبدالحی صاحب  
در سیارشان مدفون شدند در صفر سنه اثربعدت از لاصیه  
حضرت میر صاحب لایح بود در مبادی حال در شهر هرات  
آمده بنزد حضرت خلیفه ملا عبدالاحد صاحب علم فقه  
و تفسیر و حدیث شریف را حاصل نموده بسلك ارادت داخل  
شدند در این اثنا قرآن مجید را حفظ نموده صیام  
حضرت داؤد علیه السلام را و وظیفه خود ساخت و ریاضات  
شاقه کشید بعد از چند سال باذن و اجازه خلیفه صاحب  
موصوف عزیمت سفر قندهار نموده بخدمت شمس المشایخ حضرت



مولوی محمد جان صاحب میر با زار که خلیفه حضرت غلامعلی  
شاه صاحب دہلی بودند رحل اقامت انداختند و دست  
اوارت بدامان شان آویختند در آن زمان حضرت آخند  
علاعلی محمد صاحب اسفزاری هم بخد مت مولوی صاحب در  
قندھار بریاضت و مجاہدت بسر میبردند جناب مولوی  
صاحب حضرت آخند صاحب و میر صاحب را بحفاظت باغ  
سنزری مقرر فرمودند این هر دو نفر ہرانی از حسن خدمت  
یادلی فرصت بدرجات عالیہ رسیدہ محسود ہمہ طالبان  
و مریدان شدند بعد از چند وقت حضرت آخند صاحب را  
بشارشاد طالبان ماذون نموده مرخص اسفزار ہرات نمودند  
در وقت آمدن کلام خود را بسر شان نہادہ و سبحہ خود را  
بدست شان دادہ تبریک و دعا کردند جای نماز نمودی خود  
و باحضرت میر صاحب عطا نموده فرمودند کہ ای سیدزادہ  
شما ہمراہ آخند صاحب بروید تا کار شمارا تمام کند پس  
ہر دو بزرگوار عازم سمت ہرات شدند چون برود ہیر مند رسیدند  
حضرت آخند صاحب فرمودند ای سیدزادہ شما را سفر ہندوستان  
لازم است بدہلی روید بزیارت حضرت غوث احدی شاه صاحب  
دہلوی چند سال خدمت نمائید و چند سال بتربیت میر صاحب  
حضرت امام ربانی تا کار شما تمام شود حضرت عزیمت دہلی  
نمودہ دو سال و سہ ماہ در آن روضہ متبرکہ بسر بردند بعد ازان جا

بسهر هند شریف در روضه متبرکه حضرت امام ربانی صاحب  
یکسال و چهار ماه خدمت و خلوت نمودند پس ازان مراجعت نموده  
عازم هرات شده هفت سال بخدمت حضرت آخذ ملا علی محمد  
صاحب در عزیز آباد اسفزار خدمت کردند آخر الامر که  
بدرجه کمال رسیده از طرف آخذ صاحب ماذون و مجاز  
شده وارد هرات شدند و در ادران بجوار حضرت خلیفه  
میر عبدالباقی صاحب سکنا نمودند بعد از هفت ماه در شهر  
هرات قریب مسجد نقاشی جای گرفته بارشاد و هدایت  
خلق بسر می بردند .

### بیان خوارق عادات شان

اگر چه کوش اهل هرات پر از خوارق عادات شان است  
لکن بعضی را درین رساله درج مینمائیم ﴿تقلست﴾ روزی  
حضرت میر صاحب در قریه کشک لمازظهر را در مسجد بجماعت  
ادا مینمودند ناگاه ابر شد و ژاله گرفت حضرت میر نماز  
جماعت را ترک نموده تنها ادا نمودند بعد از نماز امام  
و مقتدیان اعتراض نمودند که چرا جماعت را ترک نمودید  
فرمودند امام نماز را ترک کرده در باغ خود درفته است  
که باغ را ژاله زده است یا نه حقیر تنها مادم نماز را تنها  
خواندم امام تصدیق نموده که خاطر من متوجه باغ شده بود  
معذرت خواست ﴿تقلست﴾ خلیفه ملا محمد جان که



خلیفه شان بود میفرمود که روزی بحضرت منر صاحب عرض  
کردم که در مصر خ قلندری آمده است میگویند که سرمه  
سلیمانی دارد هر کس بچشم خود بکشد آن را کسی نمیبیند  
فرمودند آصف سلیمان باشماست سرمه سلیمانی از آن بخراید  
پس از آن زبان مبارک را بچشم من و آخند زاده ملا محمد  
امان و ملا ابراهیم و عبد الکریم پسر ملا حسینی کشیدند  
هر چهار نفر ما یان از صبح تا بنماز ظهر هر چه از چهار بازار  
هرات بر میداشتیم و می گذاشتیم کسی ما را نمی دید چون  
وقت ظهر در مسجد نقاشی بحضور شان مراجعت کردیم  
دست مبارک را بروی ما یان کشیدند نمایان شدیم در سنه ۱۲۹۰  
هجری قمری از شهر رخت اقامت بقریه کبر زان کشیدند  
در همان سال یازدهم ربیع الاول بوم پنجشنبه تنگنای جهان  
غالی را پدرود نموده بفضای دلکشای جنان خرا مبدند  
شرح فوت شان اینست که قبل از فوت خود حضرت  
خلیفه عبد الباقی صاحب ادراعی را خواسته تجهیز و تکفین  
و نماز را بدیشان توصیه نمودند و پسر مدائمه خود میر  
غلام علی شاه را در طریقه علیه قادریه خلیفه و جی نشین  
خود کردند در روز فوت شان سردار محمد یعقوب خان  
پسر امیر شبر علی خان مرحوم با مشایخ و علماء هرات و  
باقی مخلصین در قریه کبر زان حاضر شده نعش مبارک را

بنا بوسبت خود شان در قریه سیاوشان برده و در شمالی  
خوانقاه حضرت شیخ عبدالحی در جنب والد ماجد شان  
دفن کردند (انالله و الیه راجعون)

## حضرت میر غلام علی شاه قنالی

مجدوب حضرت اله العارف بالله میر غلام علی شاه  
خلف الصدق حضرت میر ابو الفیض صاحب در ماه رمضان  
سنه ۱۲۶۵ هجری متولد شدند در سن هفت سالگی با اجازه  
والد ماجد خود جهة درس خواندن در عزیز آباد اسفزار  
بخدمت شیخ زاده مکرم رفتند در سن شانزده سالگی از انجا  
در داخل قریه کره زور رفته از بعینات و ریاضات شاقه  
نموده بعد از دو سال بهرات مراجعت نموده بخدمت و اند  
ماجد خود کسب طریقه ائمه قادریه نمود بعد از فوت پدر  
بزرگوار خود مریدان را بتربیت طریقه قادریه با کمال  
میرسانید صیام حضرت داؤد علی نبینا و علیه السلام را لازم  
داشتند تلاوت قرآن مجید را بسیار می کردند شبها در مزارات  
عالی درجات هرات بسر می بردند از ایشان خوارق عادات به  
ظهور رسیده لکن این مختصر گنجایش بسط آن را ندارد  
آخر الامر مرض ذات الصدور با ایشان عارض شده چون اجل  
موعود رسید بود بعد از چند روز در شب دوشنبه ربیع الثانی



سنه ۱۳۱۱ يك اجل را ليك گفته جان را ايجان تسليم نمودند در يوم دوشنبه علما و سادات و حكام در قرينه كيرزان حاضر شده جنازه خوانده نعش شان را در الجا دفن كردند مرقد شان مشهور و معروف است (يزاد و بتبرك به)

### حضرت مير سيد سعد الله

صاحب قادري

آن خلاصه خاندان مصطفوی تقاوه دودمان مرتضوی العالم العارف بالله الواصل الى الله حضرت مير سيد سعد الله صاحب خلف الصدق حضرت سيد حميد الدین صاحب است که سلسله نسب و ارادت شان ميرسد بحضرت پير پيران و مير پيران غوث الثقلين و قطب الخاقين غوث الاعظم سيد عبد القادر جيلانی (افضل الله علينا من فيوضاته و فتوحاته آمين) حضرت ايشان در اخير عمر جهة زيارت كثير الفيوضات هرات زينت بخت اين بقعه مبارکه هرات شدند در علم تفسير و حديث شريف بي نظير بودند همواره مجلس و صحبت شان با علما بود بچود و سخا شهرتی دارند در طریقه عليه قادريه خلق را ارشاد و هدايت می نموده مرجع خواص و عوام شدند مرحوم شهزاده کامران سدوزائی بسیار معتقد شان شد بنت صلیبی خود را بحباله نکاح شان در آورده و هفت نفر غلام و کنیز و هفت

در بند حویلی که واقع است در جنب مسجد جامع شریف و هفت زوج اراضی غوران بانی را نذر الله نموده بخدمت شان تقدیم نمود پس ازان که الطاف پادشاهی دامت کبریا بر شان شد مقیم هرات گردیدند دو میوه نوباده تازه که یکی شان میر سید محمد شریف و دیگری میر سید محمد نجیب از نخل باغستان شاهی بوجود آمدند که شرح حالات هر يك علیحده در حیز بحر یرمی آید آخر الامر حضرت موصوف بحکم کریمه (کل من علیها فان) طائر روحش جهان فانی را بدرود نموده به آشیان قدس خرامید شهزاده گان نامدار و علما و سادات و مشایخ و باقی مخلصین بجزایزه شان حاضر شده لعش مبارک شان را در مزار فیض آسار حضرت ملا حسن مجزوب که واقم است به خیابان هرات دفن نمودند تاریخ فوت شان بتحقیق ارسیده است.

## حضرت میر سید شریف

صاحب قادری سیاهوشانی

زبدۀ سادات گرام و عمدۀ مشایخ عظام نمره شجره غوثیه تازه گل باغ احمدیه محبوب حضرت باری میر سید شریف قادری خلف الصدق حضرت میر سید سعدالله صاحب قادری است که مناقب شان گذشت تولدشان در شهر هرات سنه ۱۲۵۴ واقع شده است چنانچه شهزاده والا جاه جهانگیر شاه پسر مر حوم کامران شاه



در تاریخ ولادت شان چند فرد را برشته نظم در کشیده است  
 عیناً آن را تحریر مینمایم :-

ز نسل پیر پیران غوث اعظم آن شاه اکبر - چو فرخ سرو آزاده ز باغ احمد و حیدر  
 کلبی از گلشن سبطین و بارزوجه زهرا - خجسته میوه از فرآن خاتون نیکو فر  
 چه زیبا گوئی آمد برون از مطلع خربی - ز برج کامرانی گشت طالع چون مه انور  
 پد نسل چنان شاهی که شاهان همه عالم - ز خاک پای او سبزند کحل بر چشم و تاج سر  
 محی الدین چیلانی شهی کل اولیاء الله - که ز بر مقدمش گردن نهاده اصغر و اکبر  
 ورامادر بود دختر چنین شاهی که از عدلش - بود اندر هری با کوسفندان کر که ایاور  
 محمد کامران شه کز فروغ کوب بختش - بود شام هری روشن چو صبح مطلع خاور  
 زهی شهزاده و سید محمد شریف اسمش - زهی اسم زهی اصل زهی نسل زهی گهر  
 ز اولاد نبی چون بود این سید و شهزاده - بجز تاریخ مولودش جهان گیر از (بیتمبر)  
 ۱۲۵۴

در مبادی حال بتحصیل علوم و کمالات پرداختند و بهره وافق  
 یافتند چنانچه در کمالات ظاهر و باطن یگانه عصر شدند بعد از  
 فوت پدر بزرگوار هر دو برادر از شهر کوچ کرده در قریه سیدوشان  
 سکنی پذیر شدند اهالی آندیار بخدمت شان ارادت و  
 عقیدت نمودند این فقیر مؤلف بصحبت شان بسیار سیده است  
 خلق نیکو و خلاق دلجو داشتند این چنین صورت زیبا و سیرت  
 دلر با بکسی ندیدم مرجع خواص و عوام بودند دو مرتبه  
 بز یارت حرمین شرفین زاد هم الله شرفاً مشرف شدند در مرتبه

اخیر والد ماجدم بمعیت شان شامل بودند حالات عجیبه از  
 ایشان در یافتند به ترتیب مریدان و دلجوئی مسلمانان  
 بسیار میکوشند خرق عادات از ایشان بظهور می رسد .  
 ﴿اقلست﴾ مر حوم آخند ملاعبدا الخالق که امام و مدرس  
 شان بودند بی فرمود هرگاه سحر در مسجد می آمدم از دور مسجد  
 را روشن میدیدم چون بمسجد داخل میشدم میدیدم که  
 حضرت صاحب در مسجد مراقب نشسته و چراغ ایست میدانستم  
 که آن نور ذکر است چون عمر ایشان بشصت و سه سال  
 رسید بمرض سوزاکی گرفتار شده در سنه ۱۳۱۷ بیک اجل را  
 اینک گفته در جوار رحمة رب العالمین ( فی مقعد صدق  
 عند ملیک مقتدر ) شتافتند علما و سادات و مشایخ و اهل هرات  
 در جنازه شان حاضر شده در خطیره حضرت خواجه روشنائی  
 که واقع است در سیو شان قریب نهر گذاره نعش ایشانرا  
 دفن نمودند ( ان الله والایه راجعون )

## حضرت صاحبزاده

سید محمد نجیب قادری سیاهوشالی

عالم ادیب ادیب و عارف حسیب نسیب صاحبزاده میر سید محمد  
 نجیب خلف اصدق حضرت میر سید سعد الله صاحب و برادر  
 خرد صاحبزاده میر سید محمد شریف است ولادت باسعادت



شان در سنه ۱۲۵۹ در شهر هرات واقع شده است در  
 مبادی حال با برادر کلان خود بتحصیل علوم کوشیدند تا  
 در کمالات صوری و معنوی بر اقران فائق شدند در فن شعر  
 مهارت اعلی و ید طولی داشتند قصیده که در مزار فیض  
 آثار حضرت خواجه محمد کنجان است از نتایج طبع ایشان  
 است بر عایت دلها و خدمت علما و فقرای میکوشیدند بزیرت  
 حرمین شریفین بصحابت برادر کلان خود مشرف شدند  
 در سنه ۱۳۱۲ در حین حیات برادر بزرگ ایشان بحکم آیه  
 و افه (کل نفس ذائقة الموت) طائر روح پر قدر و حس از  
 تنگنای قفس بدن یرید و بآشیان اصل رسید (انالله وانا  
 الیه راجعون) علما و سادات و سایر اهل هرات در سیاهوشان  
 جمع شده جنازه شایسته خوانده در مزار فیض آثار حضرت  
 خواجه روشنائی دفن نمودند .

## حضرت آخندزاده

— ملا یحیی صاحب زیارتگاهی —

آن خزانه علم و حکمت آن یگانه حلم و عصمت آن حامل  
 شریعت مصطفوی صلی الله علیه و سلم و عامل طریقه مرتضی رضی  
 الله تعالی عنه آخندزاده ملا یحیی خلف الصدق مرحوم  
 آخند ملا عبد الله فاضل بخارائی است که در علم و تقوی

یکانه عصر و فرزانه دهر بودند آخذ زاده موصوف در عنقوان  
شباب جهت تحصیل علوم بسی ریاضات و مجاهدات نمودند.  
تا علوم عقلیه و نقلیه و اصول و فروع را بخدمت والد ماجد  
خود حاصل کرده بتدریس طلبه در مدرسه والد ماجد خود  
عیکوشیدند و ضالِب مرشد کامل امیبودند چون ایشان شافعی  
میرزا رحیم الله عزیز آبادی که از اعظام خلفاء قطب العارفین  
حضرت غلام علی شاه صاحب دهلوی بودند و در هرات شرف  
ورود یافتند جناب آخذ زاده موصوف بخدمت شان  
شکافتند ربقه ا را دت شان را بدوش همت خورد انداخت  
و چنان ریاضات شاقه کشید و رنجها دید که زیاده از طاقت  
بشر است تا بخلعت خلافت شان مشرف گشت با وجود این تدریس  
طلبه را ترک نمودند اکثر اهل هرات از علما و امرای  
و معتقد شان شدند امیر محمد یعقوب خان یسر امیر شیر علی  
خان مرحوم با اعیان و ارکان دولت روزهای جمعه  
در زیارتگاه بخدمت ایشان میرسیدند کرامات و خوارق  
عادات ایشان بسیار بظهور میرسید که تفصیل آن درین  
نمی گنجد در سنه ۱۲۹۳ طائر روح بر فترحتش از تنگنای  
دنیا ی دلی یرید و به آشیان اصل خود در سید علما و سادات  
و مشایخ عصر و حکام و مریدین در قریه زیارتگاه نماز  
جنازه را خوانده در دشت یلان قریب مرقد پدر بزرگوارش



د فن نمودند از ایشان خلفاء نامدار و اولاد کامکار  
 باقی مانده تار بیخ و فوات از طبع فقیر مؤلف است .  
 ز فضل عالم عارف که نام نامیش یحیی - زیارتگاه عالم شد زیارتگاه بیهمتای  
 لقاء حضرت حق راز نس و شتاق بیبودی - بشدت آری بیخ فوت ادر ( ائمه خالق یکتا )  
 ۱۲۹۳

## حضرت خواجه خلیفه

— مولانا صاحب حوض کرباسی —

آن مقتدای طریقت و پیشوای شریعت سلاله مشایخ عظام  
 حضرت خلیفه مولانا صاحب رحمة الله علیه خلف الصدق  
 حضرت خلیفه خواجه محمد یوسف اجامی است که مناقب  
 شان در کتب مسطور است سلسله نسب شان میرسد بحضرت  
 شیخ الاسلام و قطب الانام حضرت شیخ احمد الاجامی الناقی  
 قدس الله تعالی سره که از احفاد حضرت جریر بن عبد الله  
 اجیبی است که یکی از کبیر صحابه بوده است رضی الله تعالی عنه  
 نام مبارک ایشان خواجه عبد الرحیم عماد الدین است ایشان  
 در طریقه علیه نقشبند به مرید و خلیفه پدر از رکوار خود  
 بوده اند درجه عالیه داشتند در علم فقه و تفسیر و حدیث  
 یکنانه عصر خود بودند و اکثر اوقات همراه علما مجالسه و مذاکره  
 مینمودند تحصیل علوم را از خواجه ضیاء الدین محمود که

داماد ایشان نمودند همواره اوقات را باوراد و وظایف و ریاضات  
 شاقه مصروف میداشتند در نصاب خلق و دلجوئی شان سعی بلیغ  
 مینمودند در اداء فرائض بجماعات و اتباع سنه سنیه کوشش  
 زیاد داشتند خوارق عادات از ایشان بسیار بظهور رسیده  
 ﴿تقلت﴾ بعضی مخلصین شان از ظلم محمد علم خان فراموشی  
 شکوه و استغاثه نمودند که بسیار شخص جابر و ظالم است  
 و تعدی آن از حد گذشته که شب و روز در ایدای خلق  
 خدا میکوشد فرمودند که عرض شمارا امشب بخود مت  
 بزرگان خواهم نمود و امیدوارم که باین نیزه شکم  
 او را یاره کنند و اشاره بر نیزه خود کرد در همان  
 شب شکم خان مذکور در فراره یاره کرده او را هلاک  
 ساختند ﴿تقلت﴾ خواجه قطب الدین که همشیره زاده  
 و امام و مدرس مسجد شان بود میگفت روزی حضرت  
 ایشان بر این فرمودند ای فرزند چرا درس طلبه را نمیکوئی  
 در جواب شان گفتم که طالبان از علوم بلند میخوانند و بنده  
 از درس آنها عاجزم فرمودند هر کتاب که میخواهی  
 تدریس کن انشاء الله تعالی میتوانی همان بود که هر کتاب  
 از هر علم که مطالعه کردم منکشف شده تدریس نمودم  
 عمر شان بهفتاد و شش سال رسید در سنه ۱۳۹۳ هجری قمری  
 یوم پنجشنبه هشتم جمادی الاخری مرغ رو حش بجوار رحمته



حق بیوست مرقد مبارک شان در شرفی مزار فیض آثار  
حضرت خواجه ابوالولید احمد است • بزاد و یتبرک به

## حضرت حاجی خواجه

احمد الجامی حوض کر باسی

عارف اوحد و شیخ امجد حضرت حاجی خواجه احمد  
الجامی رحمه الله علیه خلف الصدق حضرت خواجه عبدالرحیم  
عمادالدین الجامی است وی فرزند ارشد و مرید و جای  
نشین پدر بزرگوار خود بودند از اکابر مشایخ عصر است  
تعلیم فقه و تفسیر و حدیث و تجوید را در نزد مرحوم ملا  
مقری محمد که امام و مدرس شان بودند نموده اند و از علم  
طب نیز بهره وافق داشتند در ریاضات و مجاهدات و اتباع  
سنت حضرت خیر الانام علیه الصلوة والسلام بسر میبردند  
در نصایح و دلجوئی خالق بسیار میگردیدند هینت و شکوه  
شان قلوب را فراهم میکرد که در حضورشان اکثر مردم را  
یارای سخن گسفتن نبود مرجع خواص و عوام بودند  
امرا و حکام بخدمت شان عقیدت و ارادت داشته بصحبت  
شان میرسیدند و استفاد می نمودند بمثل مرحوم سردار  
محمد ایوب خان پسر مرحوم امیر شیرعلیخان و مرحوم فراموز  
خان سپه سالار هرات \* نقلست \* نایب میر خان بر درانی

حوض تر با سی میکفت روزی حضرت حاجی صاحب مرا امر  
 فرمودند که اسپ مهیا کن تا با تو بزیارت حضرت خواجه  
 ملا کوهی برویم همان بود که رقتیم و تا عصر در آنجا بسر  
 برده نماز عصر را در آنجا خوانده مرا جعت نموده نماز  
 شام را بکنار حوض دشت خواندیم در اثناء نماز هر دو  
 اسپ گریخته رفتند که از چشم غایب شدند من مضطرب شده  
 بعد از نماز اراده کردم که آنها را تعقیب نمایم مرا منع  
 کردند و فرمودند که تا نماز خفتن را بخوانیم خود آن ها  
 می آیند چون نماز خفتن خوانده شد هر دو اسپ حاضر  
 شده آنها را سوار شده آمدیم عمر شان بهفتاد و سه سال  
 رسید در یوم چهارشنبه پانزده هم محرم الحرام سنه ۱۳۰۷  
 بود که بیک اجل را لینیك گفته بجوار رحمت حق جل شانہ  
 بیوستند مرقد مبارک شان در جنب والد بزرگوار شان  
 است یزاد و یتبرک به )

## حضرت مولینا عبد الغفور

صاحب خواجه چناری

صاحب الفیض والنور ما وجد نظیره فی الدهور حضرت  
 مولینا عبد الغفور قدس سره خلف الصدق حضرت ملا قریبان  
 و ابشان خلف الصدق حضرت آخند ملا کندعلی صاحب است



و سلسله ارادت شان بجد بزرگوارشان میرسد در تجرید  
و تنزید و ترک دنیا در عصر خود نظیر نداشت اکثر اوقات را  
در مغاری کوه و قلل جبال بسر می برد جامه خشن و کهنه  
می پوشید و بمجاهدت و ریاضت نفس می کوشید **﴿تقلست﴾** در  
عبادی حال جهه صید و شکار در مرغزار می کشت و در سیر  
و سلوک نمی کوشید روزی در ویشی در قریه خواجه محمد  
چنار با ایشان تصادف نموده فرمود ای عبد الغفور تا یکی  
عمر را ضایع میکنی و بطریقه جد امجد خورد نمیروی فرمود  
که حلاوت و حرارتی در خود نمی بینم آن در ویش فرمود  
چهل شب در آستانه جد خود حضرت آخند ملا کند معلی صاحب  
قبام نما البته بهره و کام خود را خواهی یافت حضرت مواینا  
چهل شب در خرو چنانچه در ویش گفته بود بسر بردند  
شب چهلم حضرت حق سبحانه تعالی بر ایشان داد آنچه داد  
گرامت و خرق عادات شان در هر اوقات بعد تواتر است لکن  
در این مختصر گنجایش آن را ندارد و تاریخ ولادت  
و وفات شان معلوم نشد لهذا به تفصیل آن نپرداختیم  
مدفن شان در قریه خواجه محمد چنار مشهور و معروف  
است در اجابت دعا مجرب است بزاد و یتبرک به )



## حضرت شهزاده

حاجی کیتی ستان باشند

العارف بالله الذی اذا قال بالله واذا سکت سکت لله فرید  
العصر و وحید الزمان الشیخ حاجی کیتی ستان خلف الصدق  
شهزاده سلطان شاه است بن مر حوم امیر تیمورشاه بن مر حوم  
السلطان احمد شاه الغازی و ایشان از جمله مردان و مجزوبان  
سالك بود ند میفرمودند که پدرم شهزاده سلطان شاه اساس  
سلطنت را بعم محترم شهزاده محمد شاه گذاشت و مصاحبت  
قرا را بر خود لازم گرفت و همواره حدیث مبارک را تکرار  
مینمود که [ اللهم احببني مسکیناً و امتنی مسکیناً و احشرنی  
فی زمرة المساکین ] و مرا امر میکرد به آموختن علوم  
شرعیه و من در مدرسه پای حصار بخدمت حضرت خلیفه  
ملا عبد الاحد صاحب درس میخواندم در آن اثنا فقیری بنزد  
پدرم آمد و گفت کیتی ستان را بمن بسپارید که تربیت  
کنم از و فور عقیدت که برای درویشان داشت برایش  
مسکن و معاش مقرر نموده مرا بصحبت وی ترغیب نمود بنا به  
فرموده پدر خود که گاه بعد از فراغ درس بخلوت آن فقیر  
میرفتم و ازان حالات عجیبه مشاهده مینمودم مگر اینکه مرا  
تعلیم ذکر نمیکرد روزی بنزد پدرم آمد و باوی وداع نمود



و گفت امشب از دنیا میروم فر دادریش باین چهره حاضر میشود  
نعش مرا تکفین و تجهیز مینماید همان شب فوت شد فردا  
همان درویش حاضر شد و تجهیز نموده رفت بعد از آن جا  
مناثر شدم و محبت فقر ادر دلم جای گرفت درین اثنا پدرم  
فوت شد و آن آتش در دلم زیاده اشتعال یافت غلامها و کنیزها  
را آزاد کردم و عازم سفر حر مین شریفین شده ترک وطن  
حالیف نموده یازده سال مسافر بودم در اثنا راه بصحبت  
فقر اوزیارت مشایخ رسیدم بعد از زیارت حر مین شرفین  
به بغداد شریف بزیارت روضه مطهره حضرت غوث الاعظم  
محمی الدین عبدالقا در جبلانی مشرف شدم درین اثنا حضرت  
شیخ عبدالرحمن صاحب که یکی از خلفای غوثیه بود از کرکوک  
بزیارت حضرت شیخ شرف ورود می یافت بخدمت شان شدقم  
از بشان حالات عجیبه مشاهده کرده در مسلك ارادت شان  
درآمدم و بخدمت شان در کرکوک که هشت منزل است از  
بغداد رفتم و در جامع شن حجره نشین شدم هرگاه بخدمت  
شان میرسیدم بیدایستادم کلمات قدسی سمات شانرا  
استماع مینمودم بعد هفت سال مرا عاذین و مجاز گردانیدم  
بجانب هرات فرستادند و فرمودند در هرات که میروی اولاً  
بخدمت شخصی روی که در شرقی هرات مسکن دارد و نام شان  
مولنا عبدالغفور است و مرا عطا فرمودند اجازه خطی که

مشمول است بر ذکر مشایخ علیهم قلوبه از حضرت عبدالرحمن  
الی حضرت غوث الاعظم قدس سره چو در هرات آمد م بنا بقبر مودۀ شان  
اولا بصحبت حضرت مولانا در قریه خواجه، چنان رسیدم  
دمجرد که دست شانرا گرفتم فرمودند ای شهزاده تا لکنه نژد  
نیا مدی خورش آمدی من آب در ب خوانه بودم بارها مبدیدم  
که دست منصرفی از طرف بغداد میآید و مشایخ هرات رد میکنند  
تا اینکه ترا فرستادند الحمد لله علی ذالک و نیز فرمودند  
الحمد لله که نسبت صحیح از حضرات غوثیه حاصل  
نمودی حضرت غوث الاعظم صاحب فرمودند که طریقی  
لمن دانی و لمن رای من رانی الی سبعین درجه انتهى **﴿نقلست﴾**  
چون حضرت حاجی صاحب عازم هرات شدند بقریه پرک  
نوبادام مسکن گرفته خلقی بسیار برا هدایت نمودند درین  
اثناء در یوم پنجشنبه سنه یکزار دوصد و پنجاه شیش بود  
حضرت امیرزاده را حق جل و علی برای شان عطا فرمود  
که آثار سعادت از ناصیه شان ظاهر و هویدا بود  
در صغر سن بکمالات ظاهری و باطنی متصف شدند چون در سن  
سی سالگی رسیدند در نوزدهم شهر محر الحرام سنه ۱۲۷۶  
بجوار رحمت حق پیوست پدر بزرگوار شان بنا بسقا رش فی  
خودشان نعش شانرا در قریه یا شد ان بخطیر حضرت  
خواجه محمد بند کشا دفن نمودند پدر شان در مرتبه شان



بسی قصائد پر سوز انشاء فرمودند بعد از فوت شان یازده  
سان حضرت حاجی صاحب عبادت و هدایت خلق خدا بسر  
بردند در سنه یکهزار و دو صد و نود و هفت روح پر فتوح  
شان تنگنای نفس اندر ایدرود نمودند بجوار رحمت حق  
پیوست و در قریه یا شدان در خطبه حضرت خواجه محمد  
بند کشامد فون شدند ان الله وانا اليه راجعون مزار فیض  
اثار شان مرجع خواص و عوام است و آخر دعوانا ان الحمد  
لله رب العالمین

## حضرت پیر امان الله

صاحب غوری

آن فانی فی الله وبقی بالله حضرت پیر امان الله  
خلف الصدق مولینا رحمة الله قندهاری است در بدایت حال  
در شهر قندهار بتحصیل علوم اشتغال نموده علم فقه و تفسیر  
و حدیث را تحصیل نمودند بعد طالب مرشد شده دست  
اثبات را اولاً بدست حق پرست حضرت با رفعت مولوی  
محمد جان صاحب قندهاری دادند بعد از فوت شان رتبه  
ارادت حضرت حاجی دوست محمد صاحب دهلی را که  
خلیفه حضرت شیخ ابوسعید است و آن خلیفه حضرت شاه  
اولیاء غلام علی شاه صاحب دهلی قدس الله اسرارهم بردوش

همت خود انداخته مدت سه سال در صحبت شان کسب علوم  
باطن نموده خرقه خلافت پوشیده بعد عنان عزیمت را  
بجانب هرات گردانید و از آنجا بغور رفته رخت اقامت انداخت  
و بسیاری اهالی غور معتقد و مخلص شان شدند سال های  
بسیار در آنجا عبادت خدایتعالی و هدایت خلق الله بسر  
میبردند و از ایشان بسی کرامات و خرق عادات دیده شده  
که این رساله گنجایش آن را ندارد و در کتاب علیحده  
بعضی از مخلصان شان جمع نمودند آخر الامر در سنه ۱۲۹۳  
که غزوه مدوند در قندهار واقع شد و ایشان همراه مخلصان  
خود بغزای رفتند برای ایشان مرض ذات الجنب عارض شد  
از آنجا مراجعت نموده در خوانه خود رسیده بحکم و اقبه  
( کل من علیها فان و یبقی وجه ربك ذوالجلال و الاکرام )  
مرغ روح یرفتحش عالم فانی را بدرود نموده بسری آشیان  
اصل شتافت ( انالله وانا الیه راجعون ) نعش مبارک شان  
را در قریه طولی که من جمله قرای غزراست مدفون گردانیدند  
( یزاد و یتبرک به ) و از اولاد شان بعد از فوت شان دو  
فرزند ارشد بطریقه شان خلفا را ارشاد و هدایت نمودند  
حضرت ولی الله صاحب در غورات و حضرت مولوی ولی محمد  
صاحب در هرات حضرت ولی الله صاحب مدفن شان در  
یرچمن است تاریخ فوت شان معلوم نشد و حضرت مولوی



ولی محمد صاحب در سنه ۱۳۲۰ در هرات داعی اجل  
را لبیک گفته و بآشیدان اصل شنافت و در قریه ده ز برك  
مدفون شدند (رحمة الله تعالى عليهم اجمعين)

## حضرت - شیخ ملا عبدالرسول

صاحب اوکلی

آن سوخته عشق کبریائی بار بافته درگاه الهی مقبل مقبول  
شیخ ملا عبدالرسول مرید و خلیفه حضرت شیخ نور الله صاحب  
است که بچند واسطه میرسد بحضرت امام ربانی مجدد الف  
ثانی شیخ احمد سهروردی قدس سره شیخ موصوف در تجرید  
و تقرید یکانه زمان بودند اکثر عمر را بمزارات عالی درجات  
هرات گذرانیدند بفقرو صیام روز و صلوات و قیام شب طاقت  
قوی داشت از ایشان کرامات و خوارق عادات بسیار  
بظهور رسیده که این مختصر کنجایش آن را ندارد همواره  
لبچه نمدی پشمی میپوشیدند و بهجاهدت نفس میکوشیدند  
و با اقراء و بیجو شبند تا آخر داعیه اجل را اجابت نموده  
طائر روحش تنگنای دنیا را بدروود نموده بفضای دلگشای  
جنان خرامید (الله و انا الیه راجعون) مدفن شان در علاقه  
اوکل است مشهور و معروف بزاد و یتبرک به

## حضرت میا فضل الحق

صاحب مجددی

آن ناسک مناسک شریعت و قطب دائرة طریقت شیخ  
زاده برحق حضرت میا فضل الحق صاحب مجددی خلف الصدق  
شاه با ز بلند پرواز قدسی مکان عرش آشیان شیخ الشیوخ  
حضرت میا محمد عمر صاحب مجددی است حضرت مرصوف  
در عنقوان شباب علوم متداوله را بخدمت والد ماجد خود  
تحصیل نموده داخل طریقۀ علیہ نقشبندیہ شدند اینقدر  
ریاضت و مجاهدات و وظائف و اوراد داشتند که زیاده  
از طاقۀ بشر است در ادراک جماعات و استقامت شریعت  
مطهره و رعایه و استمالت قلوب مسلمانان بی نظیر بودند  
در ماه مبارک رمضان در نماز تراویح هر پنج شب یک ختم  
قرآن شریف مینمودند و به تربیت مریدان میکوشیدند  
همواره مصاحب شان علما بودند سفر حر مین شریفین را  
همراه چند نفر مخلصین بسیار بطرز نیکو و آداب داجوی بجای  
آور دهند عمر کرامی شان قریب بهفتاد سال رسید در  
سنه ۱۳۳۲ ندای ( ارجعی الی ربك راضیه مرضیه )  
را بگوش هوش شنیده طائر روحش تنگنای دنیا را بدرود  
نموده به آشیان قدس رسید ( الله وانا الیه راجعون )



در جنازه شان علما و مشایخ و حکام و مخلصین  
اجتماع نموده نعل مبارک شان را در خطبه علیحدہ غریبی  
مزار فیض آثار حضرت مولوی جامی قدس اللہ سرہما دفن  
نمودند بزاد و یتبرک به )

## حضرت خلیفہ

ملا عبد الاحد صاحب سلجوقی

قطب دائره شریعت و غراس بحر طریقت عارف امجد  
خلیفہ ملا عبد الاحد صاحب خلف الصدق مرحوم آخند ملا  
حیرزا است کہ یکی از اکابر و مشاہیر علماء ہرات بودند  
ولادت باسعادت شان در سنہ ۱۱۶۵ ہجری قمری واقع شدہ  
است در عنقوان شباب علوم متداولہ را در نزد والد ماجد  
خرد تحصیل نموده بتدریس اشتغال مینمودند در سن بیست  
و پنج سالگی اشتیاق صحبت مرشد کامل در کالون سینہ شان  
اشتغال نموده موصوف را بیتاب کردہ جو یا و یویای  
مرشد کامل شدند اولاً بخدمت باسعادت حضرت خلیفہ میر  
ابراہیم صاحب قتالی ادرانی شتافتہ استدعاء ارادت نمودند  
حضرت خلیفہ بعد از استخارہ فرمودند کہ نصیب شما در نزد  
مانیست بعد بخدمت باسعادت آخند ملا عبید اللہ صاحب کہ  
یکی از احفاد حضرت آخند ملا کند معالی صاحب بودند

تو سل نموده ایشان هم بعد از استخاره چنین فرمودند  
درین اثنا مکتوبی از دارالفاخره بخاری از حضرت  
قطب العارفین حضرت جی صاحب مسجد دی با سومی شان وارد  
شد که مطلوب شما درین جاست پس کمر همت را بسته با چند  
نفر از خا صان خود متوجه بخاری شدند در بادیه ها تله  
رسیده راه را کم کردند و متحیر نشستند در این اثنا حضرت  
جی صاحب دی بخاری این حال را دریافته یکی از  
مردان آن خلیفه ملا عثمان گواشانی بود فرمودند که بعضی  
از یاران شما در بادیه راه کم نموده بر نام مسجد بالا و  
و آهسته اذان بگری بعد از اذان بکوی که یاران بدست راست  
خلیفه موصوف مبادرت نموده بقدرت الهی این آواز بگوش  
راه کم کرده کان رسید دست راست را گرفته راه یافتند  
بعد که به بخارا رسیدند ایشان را بطریقه ائمه نقشبندیه  
داخل نمودند باندنی فرصت به درجات عالیه مشرف شده خلعت  
خلافت در بر کرده عازم هرات شدند باقی اوقات عمر عزیز  
و ابریا ضت نفس و هدایت خلق و تدریس کتب صرف نمودند  
خوارق عادات از ایشان بسی بظهور رسیده که این مختصر گنجایش  
آن را ندارد در اخیر که عمرشان به نود و پنج سال رسید جناب  
حضرت جی صاحب بخرقه در هرات فرستادند و نوشتند  
که این خرقه از ان ملا محمد حسین پسر شماست حضرت خلیفه



یاران را جمع نموده خرقه را در بری فرزند ارجمند خود  
 خلیفه ملا محمد حسین صاحب که عنقریب شرح حالات شان ذکر  
 میشود نمودند و فرمودند که ای فرزند این بار امانت که بر دوش  
 من بود بدوش تو انداختم متوجه خود باش و با یاران و داع نمودند  
 که این خرقه مزده فوت من است قریب بدان در بیست و پنجم  
 محرم الحرام سنه ۱۲۵۵ طائر روح پرفروش این ننگنای  
 دنیای دنی را بدرود نموده در فضای بیدای جنان خرامید  
 و نعش مبارک شان را در مقبره ساجزویه که غر بی ناژوستان  
 مزار فیض آثار حضرت مولای جامی قدس سره واقم است دفن  
 نمودند انالله وانا الیه راجعون )

## حضرت خلیفه

ملا محمد حسین صاحب

آن فاضل کامل و عالم عامل خلیفه ملا محمد حسین خلف  
 الصدق حضرت خلیفه ملا عبدالاحد است ایشان در عنقوان شباب  
 علوم متداوله را در نزد والد ماجد خود تحصیل نموده بخد مت  
 شان دست انابت دادند بحسن خلق و عبادت و گوشه نشینی معروف  
 بودند و در حسن خط نستعلیق شهره آفاق اند که قطعات شان  
 بزیر و زر محلی در جمیع ممالک افغانستان موجود است  
 و اکثر خوش نویسان هرات بالذات یا بالواسطه تلمیذ شان

است عمرگرامی شان از هشتاد سال متجاوز شد بالاخره ندا،  
(ارجعی الی ربك) را بگوش هوش شنیده طائر روح شان  
تنگنای دنیا را بدرود نموده بدارالخلد شتافتند و در مقبره  
سلجوقیه مدفون شدند انالله وانا الیه راجعون

## حضرت میر مصطفی

صاحب بیچقی قتالی رحمه الله علیه

ناسك مناسك شریعت مصطفوی و سالك مسالك طریقه  
مرضوی حضرت خلیفه میر مصطفی صاحب خلف الصدق  
میر سید اشرف است که سلسله نسب شان میرسد بحضرت  
میر یحیی صاحب که در اوائل ابن حصه ذکر شان تحریر  
یافت حضرت ایشان در عنقوان شهاب بتحصیل علوم دینیه  
پرداختند و ازان بهره وافی یافتند در زمان بدست و پنج  
سالگی بمطالعه کتب تصوف روی آوردند تا داعیه ارادت  
و انابت بدیشان مستولی شده بخدمت حضرت شیخ ملا محمد  
جان پسر بزرگ و جای نشین حضرت آخند ملا علی محمد  
صاحب اسفزاری که مناقب شان گذشت شتافتند و مرید  
شدند بعد از ریاضت چند سال بیخلعت خلافت سرافر از  
شده بتلقین و ارشاد مریدان یرداختند بعد از فوت پدر بزرگوار  
خود بصحبت صاحب مجذوب و حضرت صوفی صاحب که پسران



دیگر حضرت آخند ملا علی محمد صاحب بودند رسید و از نزد ایشان بزاز فن و اجازت خواست ایشان حالت قوی داشتند و با استقامت شرع شریف بسی اهتمام مینمودند در اکثر اوقات در مسجد جامع شهر هرات بسر میبردند بسن چهل و هشت سالگی بطرز نیکو از یارت حرمین شریفین مشرف شدند خرق عادات از ایشان بسیار نقل میکنند ﴿نقلست﴾ یکی از مخلصان میگفت نیم شبی در مسجد جامع هرات تظاہر اقب نشسته بودم دیدم که مسجد روشن شد و حضرت ایشان در آمدند از شوق دیدارشان بیهوش افتادم چون صبح شد ایشان را جویا شدم که دران شب در قریه بیجقی بودند چون عمرشان بشت و سه سال که عمر مسنونه است رسید در سنه ۱۳۳۷ هجری قمری طائر روح شان تنکنای دنیا را بدرود نموده بقضای باغ جنان خرامید علما و مشایخ و مخلصین جنازه خوانده نعش مبارک شان را در بیجقی دفن نمودند یکی از مخلصین شان بر مزار فیض آثار شان مسجد جامع عالی تعمیر نموده است یزاد و یتبرک به (

یکی از فضلاء وقت در مرتبه و تاریخ فوت شان چند فرد را در سلك نظم در آورده است عیناً نگاشته شد :-

یکانه قطب زمان شهسوار سیر وسلوک - مہین زمره سادات شیخ با تمکین  
نزول فیض الہی بعرصه امکان - عطای نامتناہی بساکنان زمین

رئیس اهل صفامیر مصطفی کو بود - خزینه کهری معرفت چراغ بقین  
 جمال ملت دین مطلع شمس هدا - ضیاء نیر ار شاد مقتدای مهین  
 چو بود طائر روحش ز آشیانه قدس - ز تنگنای قفس روی سوی علین  
 میان زشغل گرفت آن جناب درشوال - حساب رحلت او میشود ازین تعبیدین  
 چو بود عارف یکتا بسر غیب جلال - ز سر غیب جلال التقال فوتی بدین  
 ۱۳۳۷

## حضرت آخندزاده

◀ ملامحمد حسن اوبهی ▶

شمس فلک شریعت غواص بحر طریقت صاحب فیض الهی  
 آخندزاده ملامحمد حسن اوبهی خلف الصدق آخندزاده  
 ملامحمد الدین قوم طوخی قندهاری است اخذ طریقه  
 نقشبندی را از حضرت آخندزاده ملاکامران صاحب موسی  
 زائی نموده اند و ایشان از حضرت مولوی ملامحمد جان  
 صاحب میر بازار و ایشان از حضرت غلام علی شاه صاحب  
 دهلوی قدس الله اسرارهم تحصیل علوم را در پشت رود  
 قندهار کردند و در جوانی عازم هرات شده در قصبه اوبه  
 سکنا پذیر شدند عمر خود را بتدریس علوم دینی و ارشاد  
 و هدایت خلق بسر بردند بسیاری اهل هرات مخلص و معتقد  
 شان بودند بسی حالت قوی داشتند از صحبت حکام احترام از



و اجتناب می نمودند بز زیارت مزارات مشایخ بسیار مبرفتند  
 علی الخصوص در کازرگاه شریف بز زیارت حضرت شیخ الاسلام  
 مقبول حضرت باری خواجه عبدالله انصاری قدس سره دراستقامت  
 شرع شریف بسیار میکوشیدند و حال را از مردم بیگانه می  
 پوشیدند مخلصین شان کرامات و خوارق عادات از ایشان  
 بسیار نقل میکنند عمر شان قریب بهشتا دسال رسید در  
 سنه ۱۳۴۲ یرم سه شنبه هفتم ذیقعدة الحرام جهان فانی  
 را یدرود نموده بدار الخلد باقی شتافت و بمخلصان داغ  
 جدائی گذاشت نعش شان را درقریه بند بنوش او به دفن  
 نمودند (یزاد و یتبرک به)

## حضرت صاحبزاده

◀ ملا محمد جان صاحب ▶

آن رهنمای اهل ایمان و معتدای اهل عرفان صاحبزاده  
 ملا محمد جان خاف الصدق حضرت شیخ ملا عبد الرسول است  
 که مناقب شان گذشت نسبت ارادت و خلعت خلافت ازوالد  
 ماجد حاصل نمودند در عنفوان شبب مدت مدید و عهد بعید  
 درهرات و قندهار جهة تحصیل علوم دینیه و فنون یقینیه  
 التزام فقر و فاقه و ریاضات شاقه نموده قصب السبق ازهمکنان  
 و سائر اقران ربوده و از هر علم بهره وافر و حفظ متکاتر

داشتند خوارق عادات از ایشان بسیار ظهور رسیده که  
 تحریر آن درین مختصر نمیگنجد عمر گرامی شان قریب  
 به نود سال رسید آخر الامر بحکم آیه وافیہ ( کل من  
 علیها فان ویقی وجه ربك ذوالجلال والاکرام )  
 طائر روح بر قدرش تنکنای دنیا دنی را بدرود نموده  
 بقضای جنان خرامید در یوم یکشنبه نهم محرم الحرام سنه  
 ۱۳۵۰ در علاقه اوکل در خطیره والد ماجد خود مدفون  
 شد ان الله وانا الیه راجعون )

## میر بابہ مزدوب

﴿ قتالی رحمة الله علیه ﴾

وی از اقوام قریب حضرت خلیفه میر محمد صدیق  
 صاحب ادراعی بود عمر گرامی خود را در قریه ادراغ  
 به ترک عوائق و علائق گذرانید و در اخیر عمر در قریه  
 آزادان سکونت پذیر شد و اهل آن قریه مخلص وی  
 شدند از وی حالات غریبی مشاهده می شد چنانچه یکی  
 از اصحاء نقل میکنند روزی در قریه ادراغ بعد از نماز  
 صبح میر بابہ گفت دیشب آخندزاده ملا محمد حسن او بی  
 فوت شده است خدایش درجات رفیع دهد خوب شخصی بودند  
 من در تعجب شدم بعد معلوم شد که در همان شب فوت شده



بودند در شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۴۷ در قریه آزادان  
بجواری رحمت حق جل و علا یدوست و بنمت شمالی مسجد  
جامع زیارت حضرت خواجه ابوالولید احمد قدس سره  
مدفون گردید اللّٰهُ وانا الیه راجعون )

— ذکر علماء ربانی —

که درین خاک پاک هرات نشو و نما و تحصیل کمالات علمیه  
و عملیه نموده و از زبان دربار شان حلقه کوش هراتیان  
یر از جواهر و درر شده و از تفحات گلزار علوم شان مشام  
جان جهانی معطر گردیده و از انوار انقاس طیبه شان قلوب  
عالمی منور است آخر الامر جهان فانی را یدرود نموده به  
دار جاودانی شتافتند .

همین علما است که بقاء دین مبین حضرت خاتم النبیین  
صلی اللّٰهُ علیه و آله و سلم مر بوط بایشان است همین علما است  
که سواد خامه شان بخون شهداء وفی سبیل اللّٰهُ برابری میکنند .

مرحوم

— آخذ ملا خدا بخش رحمة اللّٰهُ علیه —

جامع المعقول و المتقون حاری الفروع و الاصول آخذ  
ملا خدا بخش ملقب به شیخ الاسلام خلف الصدق مرحوم آخذ



ملا محمد قاسم است ایشان بهر علوم عقلیه و نقلیه در حسن  
خط از اقران فائق بودند کتب درسیه را دو مرتبه به قلم  
خود نوشتند و یادگار زمان گذاشتند در فن شعر مهارتی  
تامی داشتند که اشعار آبدارشان در صفحه روزگار ثبت  
است و تخلص شان عطاء الله است چنانچه این فرد از ان نشان  
میدهد ( ای عطا جولان بمیدان سعادت میکنند \* آنکه  
دایم در رضای حضرت معبود بود ) و از توالیف شان رساله ایست  
در شرح کلمه طیبه بعبارات رائقه و مضامین فائقه در طلاق  
لسان و فصاحت بیان شهرتی دارند عمر کرامی را بر ریاضت  
و عبادت و اصیحت خلق و تدریس طلبه با انجام رسانیدند  
و از زبان شان عالمی مستفید شد و باقیات صالحات برای  
خود گذاشت با الاخره این دنیا فانی را یدرود گفته در  
سنه ۱۲۸۸ هجری قمری بسوی دار جا و دانی شتافت  
( انا لله و انا الیه راجعون ) مدفن مبارک شان قریب  
مزار فیض آثار حضرت موای جامی علیه الرحمه  
و مزار فیض آثار حضرت شیخ زین الدین الخوافی قدس  
سره در خطیره علیجده که مسمی است به خطیره ملا ذبیح الله  
خان واقع شده است .





## آخند ملار حیمداد [رح]

آن جامع علوم عقلیه و نقلیه حاوی علوم اصلیه و فرعیه  
 مرحوم آخند ملار حیمداد غلجائی در تربیت طلبه و استقامت  
 تدریس و زکاء عقل و فهم در زمان خرد بی نظیر بودند در هر  
 فن و هر علم قوت و قدرت تالیف و تصنیف داشتند چنانچه  
 تعلیقات و تحریرات شان در کتب معتبره اکنون مسطور  
 و موجود است اکثر علماء نامدار از تلامیذ شان بودند  
 عمری بتدریس طلبه و نصیحت مسلمانان و عبادت قادر منان  
 گوشیده با الاخره بحکم کریمه (کل من علیها فان و یبقی  
 وجه ربك ذوالجلال و الاکرام) طائر روحش جهان فانی  
 را بدرود نموده بسوی آشیان قدس شتافت ان الله وانا  
 الیه راجعون

## آخند ملا عبدالله

فاضل ز یار تکاهی رحمه الله علیه

جامع المعقول و المنقول حاوی الفروع و الاصول مرحوم  
 آخند ملا عبدالله فاضل والد ماجد آخندزاده ملا یحیی که  
 مناقب شان گذشت در علم و تقوی و انزوا منفرد عصر بودند  
 نجابت پناه مرحوم متوفی جامی علیه الرحمه جهة تدریس

شان در زیارتگاه مدرسه عالیہ بنا نموده است کہ اکنون  
 آباد است وی مرید رشید حضرت شاه افضل احمد صاحب  
 کہ مشهور است بحضرت جی بودند بسی ریاضات و مجاہدات  
 نمودند عمر کرا نما یہ خود را بتصیحت مسلمانان و تدریس  
 طالبین علوم بالجمام رسانیدند در بعضی کتب معتبرہ تخریرات  
 و تعقیلات شان دیدہ میشود بالجملہ عالمی از زبان قال  
 و حال شان استفادہ نمودہ بہرہ وافی یافتند بالاخرہ  
 بحکم (کل نفس ذائقۃ الموت) از دست ساقی اجل شربت  
 موت چشید و جان را بجالان سپرد خلف الصدق شان آخند  
 زادہ ملا یحیی صاحب باجماعہ مسلمانان نعش مبارک شان  
 را در مقبرہ زیارتگاہ دفن نمودند و بر آن عمارتی  
 تعمیر نمودہ اند اللہ وانا الیہ راجعون

## آخند ملا محمد اویسی

سید و شانی رحمة اللہ علیہ

جامع المعقول والمنقول حاوی الفروع والاصول  
 آخند ملا محمد صاحب خلف الصدق آخند ملا محمد صالح  
 کہ جد امجد فقیر مؤلف است رحمة اللہ علیہ ولادت باسعادت  
 شان در سنہ ۱۲۲۵ ہجری قمری واقع شدہ است در عالم وزہد  
 و تقوی بکائنہ عصر و فرید دہر بودہ است تحصیل علوم را



در نزد مرحوم آخند ملا میرداد روضه بقی و علماء شهر  
نموده قصب السبق را از همکنان ربوده معلوم عقلیه و تقلیه  
فائق شده است که اکنون تحریرات و تعقیلات که برکت  
معتبره نموده بدست خط مبارک شان بنزد این فقیر موجود  
است به تربیت و تدریس طلبه می کوشیدند تا از برکات  
شان علما و مدرسان و الاشان بهره رافی یافتند و ایشان  
بعد از چند سال از وطن مالوف خود انزوا و عزت گرفته  
در قلل جدال بسرمی بردند و آتش شوق پیر کامل در کالون  
سینه شان شعله میزد و نمی یافتند آخرالامر فقیری که نام  
مبارکش فقیر عبدالله هندوستانی بود با مر و اجازت حضرت  
قطب العارفین غلام علی شاه صاحب دهلوی آمده ایشان را  
شش ماه در قلعه کوهی تربیت نموده بعد از آن فقیر بهندوستان  
مراجعت نمود و ایشان بوطن مالوف خود باز آمدند از ایشان  
بسیار حالات عجیبه و کرامات غریبه مشاهده نموده بدرجات  
بلند و مقامات ارجمند رسیدند خوارق عادات بظهور رسیده  
که این مختصر کنجایش آن را ندارد مرید نمیکرفتند اما چند  
نفر از دزدان و قطاع انطریق و فاجران را توبه دادند  
و اهل آن زمان بخدمت شان اخلاص و عقیدت کاملی داشتند  
ایشان همواره از صحبت حکام و عمال احتراز و اجتناب  
مینموده شب بعبادت معبود حقیقی و روز بتدریس طلبه علوم

عمر گرامی را که شصت و سه سال شد بانجام رسانیدند بالاخره  
 بحکم و اقیهه کل من علیها فان و یبقی وجه ربك ذو الجلال  
 والاکرام طائر روحش تنگنای دلدای فانی را یدرود نموده به  
 آشیان اصل خود رسید ( انالله وانا الیه راجعون )  
 مدفن مبارک شان در مقبره سیاهوشان قریب مزار فیض  
 آثار حضرت خواجه محمد کنجان است و تا چند سال اهل  
 سیاهوشان از خاک مرقد شان جهت دفع امراض خود می گرفتند .

## مرحوم حضرت آخذ

ملا محمد عمر سلجوقی رحمه الله علیه

جامع المعقول و المتقول حاوی الفروع و الاصول حضرت  
 آخذ ملا محمد عمر سلجوقی در علم و ورع و استقامت  
 شریعت و جرأت ذهن و قوت زکاء فرید عصر و وحید  
 دهر بودند اکتساب علوم و کمالات را بخدمت آخذ ملا خدا بخش  
 و آخذ ملا رحیم داد و آخذ ملا گلزار نمودند فقیر مؤلف کتب معتبره  
 و علوم متداوله را بخدمت شان تحصیل نمودم و از صحبت شان  
 برکات کثیره یافتیم اکثر علما و مدرسین ابن زمان از  
 تلامذشان است خواه بالذات و خواه بالوا سطره عمر گرامی  
 را بمطالعه کتب و تدریس و تالیف بانجام رسانیدند  
 مؤلفات شان این کتب است : (۱) ملهم الاصول (۲) شرح



قارسی کافیه (۳) حاشیه بر ایسا غوجی (۴) حاشیه بر غلام  
 یحیی بهاری (۵) ردالرافض (۶) تفسیر سوره فاتحه  
 (۷) تفسیر سوره والعا دیات (۸) تفسیر سوره اخلاص رابطه  
 ارادت به آخندزاده ملا یحیی صاحب زیارتگاهی که مناقب  
 شان گذشت داشتند جهت جمع و قطع بدعتها جد و جهد قوی  
 مینمودند از قرآن مجید ده جزء حفظ داشتند و باقی را  
 نیز بسیار تلاوت مینمودند بحضرت خلیفه میر محمد صدیق  
 صاحب ادراکی اخلاص و عقیدت وافر داشتند چنانچه از  
 شهر تامنزل شان پناه یابی برهنه میرفتند مدتی چند سال در  
 حجره مسجد منزوی بودند آخر الامر در سنه ۱۳۳۱ هجری  
 قمری داعی اجل را لبیک گفته طائر روح بر فتوحش در  
 ساختی جنان خرامید ( انالله وانا الیه راجعون ) مدفون  
 شان در غربی نازوستان حضرت موازی جامی است مقبره سلجوقیه

## مرحوم آخند ملا عبدالفتاح

جامع المعقول والمنقول حاوی الفروع و الاصول آخند  
 ملا عبدالفتاح تحصیل علوم و کمالات بخند مت مرحوم آخند  
 ملا خدا بخش و آخند ملا رحیم داد نموده بودند از بدایت تحصیل  
 تا پانزده سال در تدوین کتب و نشر علوم بسیار کوشش  
 نموده طلبه علوم ازان استفاده نموده کامل شدند بعد بمرض

رعشه گرفتار شده از تدریس باز ماندند حواشی و تحریرات  
شان در بعضی کتب ثبت است شرح فارسی خلاصه الحساب  
از آثار خامه شان باقی است فقیر مؤلف کتاب مطول و خلاصه  
الحساب را بنزد شلن تحصیل نمودم نسبت ارادت بخدمت آخندزاده  
ملایحی صاحب زیارتگاهی داشتند قریب به نود سال عمر  
نمودند آخر الامر داعی اجل را لبیک گفته در سنه ۱۳۳۵  
بر حمت حق جل سلطانه یبوست ایشان را در سمت جنوبی  
خطبره حضرت مواری جامی علیه الرحمه دفن نمودند ان الله  
وانا الیه راجعون )

## مرحوم آخندزاده

ملا عبد الباقی سیاروشانی

جامع المعقول و المنقول و حواری الفروع والاصول  
آخندزاده ملا عبدا لباقی سیاروشانی خلف الصدق آخند ملا  
عبد الخاق اکتساب علوم و کمالات را از نزد والد ماجد  
خود نمودند در تقوی و انزوا و وحدت زکاء فرید عصر  
بودند کتب معتبره را تدریس مینمودند بزیاارت حرمین  
شریفین مشرف شدند در طریق علمیه قادر به نسبت ارادت  
و خلافت بحضرت صاحبزاده میر سید شریف صاحب قادری  
سیاروشانی داشتند بسیاری مسلمانان مخلص و معتقدشان



بوده و بعضی رسائل از تالیفاتشان باقی است در سنه ۱۳۳۷  
جهان فانی را یدرود آورده بدار الخلد باقی شتافتند مدفن  
شان در خطیره علیحده بایان مقبره سیاوشان است.  
(یزاد و یتبرک به)

## مرحوم حاجی ملا غلام محمد

معلم الحفاظ آزادانی

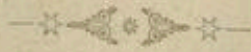
عالم عامل و فاضل کامل فرید عصر و زمان یکانه  
دوران رفیق شفیق حاجی ملا غلام محمد خان بارکزائی  
خلف الصدق مرحوم قاضی ملا محمد سلیم در علوم دینی  
از اکابر علما محسوب و از اعظم فضلا معدود میشد در عنقوان  
شباب تحصیل بعضی علوم و حفظ قرآن عظیم الشان را در هرات  
نموده و عنان همت را بسوی سفر سعادت اثر حرمین شریفین  
زاد هم الله شرفاً منعطف گردانیده و پیاپی و آزاده طی  
منازل و مسافات بعیده نموده و در شام شریف بعضی علوم  
دینی را تحصیل کرده بعد از لیل مرام و حج و عمره و زیارت  
حضرت سیدالانام علیه السلام بوطن مألوف خود رجوع  
نموده بقدریس کتب و تلاوة کلام مجید بسر می برد در زمان  
سأطنت مرحوم سراج الملة والدین امیر شهید حبیب الله  
خان که در هرات تاسیس دارالحفاظ میشد فقیر مؤلف

و حاجی موصوف را بتعلیم طلبه حفظ قرآن مجید مقرر نمودند  
از خلوص نیت و یمن همت این هر دو نفر ضعیف حق جل و علا  
مرحمت نموده هشتاد نفر حافظ تام جید از دار الحفظ  
بنعمت حفظ قرآن مجید مشرف و بوظیفه همه ساله از بیت  
العمال موظف شدند در شهر صفر سنه ۱۳۴۰ بحکم آیه  
و ا فیه (کل من علیها فان) جهان فانی را ید رود نموده  
بعالم جاودالی شنافت چون حافظ قرآن مجید است تعیین  
تاریخ و فوات حافظ قرآن شد ۱۳۴۰  
مرقدشان مقابل درب مزار فیض آثار حضرت خواجه  
ابوالولید احمد قدس سره واقع است یزاد و یتبرک به انا لله  
و انا الیه راجعون )





# خاتمه



مزایای طبع این یگانه کتاب مستطاب رساله شریفه  
 در دیگر کتب مطبوعه حالات مشایخ عظام هرات ظاهر و  
 با هر است؛ خصوص جلد ثالث که ذکر مشایخ و اکابر  
 دین مبین بقلم عالی جناب <sup>محمد زاده</sup> صاحب ملا محمد  
 صدیق خان که شخص نهایت متدین و عالم معلوم شریعه و  
 حافظ قرآن حمید مجید و مدرس معروف اند تدوین یافته  
 و نام نامی بزرگان و علماء سعادت نشان بیاد کارمندان  
 مطبوعه دانش شکر گذار است که موفق به طبع اینگونه  
 آثار بزرگ که زنده کنند نام بزرگان دین است  
 شده. نوالده است - بدیهی است ذکر این رجال نامدار  
 دلیل به شرافت و عظمت هرات میگردد و در آیند. هم  
 امیدواریم به یمن دیانت خواهی مسلمانان صادق این خطه  
 ترقیات بزرگی بعالم دیانت و اسلامیت اینو لایت ثابت  
 و یایدار مانده - و این نام نامی هرات همواره در  
 صفحات تاریخ بشر حایز اهمیت باشد.

✽ احراری ✽